

ناصرکاوه

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود
به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام
تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بیند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد وآن ثبت خاطرات برای دیگران است... «امام خامنه ای»

کتاب مطهری شهید

مدیر پروژه و نویسنده: ناصرکاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک وطراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ وحروف نگار و مشاور طرح : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

خامنه‌ای خمینی دیگر است

ولایتش ولایت حیدر است



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

کجائید ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت کربلایی



ما باید در داخل خانه هایمان ، در داخل محیط کارمان ، یک عکس شهید داشته باشیم. من معتقد هستم هر ایرانی باید در خانه خود یک عکس شهید داشته باشد. ما نباید راه نور را ببندیم ، ما نباید پرده ها را بکشیم. باید باز کنیم ،این نور بتابد به داخل خانه های ما. این حس تعلق به شهید نباید در یک مجموعه مختصری و مشخصی به عنوان خانواده شهید بماند. هر ایرانی باید در خانه خودش یک عکس شهید داشته باشد.

بخشی از سخنرانی شهید سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی


کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه


کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مقدمه

مقام معظم رهبری در مورد این شهید بزرگوار فرمودند: «یاد شهید عزیزمان مرحوم آیت‌الله مطهّری را گرامی میدارم که به معنای واقعی کلمه یک معلّم بود. همه‌ی آن خصوصیّاتی که ما در معلّمین مدارسمان یا مدرّسین دانشگاه‌هایمان انتظار داریم، در این مرد وجود داشت؛ .»

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود...«امام خامنه ای»

شهدا دعا داشتند، ادعا نداشتند؛ نیایش داشتند، نمایش نداشتند ؛ حیا داشتند ، ریا نداشتند و رسم داشتند، اسم نداشتند. شهید بی ادعا، بی نمایش، بی ریا و بی نام و نشان حتما برای ما الگوست. سبک زندگی به معنای رویه است، یعنی انسان بر یک مداری، با یک آدابی، با یک سنن و قواعد و اصولی زندگی می‌کند. دیگران یک سبکی دارند؛ یکی را نگاه می‌کنید، اسلوب زندگی او سبک غربی است، یعنی فرمول‌هایی که از آن طرف آب می‌آید خیلی می‌پسندد و در زندگی‌اش ساری و جاری می‌کند. یکی دیگر این طور نیست و سبک زندگی او سبک زندگی دینی و مذهبی است، سبک زندگی و رویه‌ی فرد دیگری معجون یا عجینی از این دو است. شهدا چه کسانی هستند؟ شهدادانش‌آموزان مکتب تربیتی اهل بیت(ع) هستند که با کتاب قرآن مجید و آموزگاری اهل بیت(ع)، فرمول‌ها و اسلوب یا اصول زندگی‌شان را انتخاب کردند. همچنین بعضی از افراد در جامعه‌ی دینی ما هستند که دینی زندگی می‌کنند و زندگی آن‌ها هم برگرفته از زندگی اهل بیت(ع) است، منتها حد متوسط از فرمول‌ها را بیشتر متحمل می‌شوند.شهید کسی است که به دنبال آخر خوبی‌ها می‌گردد. پس سبک زندگی، یعنی ملکه شده است. یعنی کاملا نهادینه شده است، یعنی برخاسته از یک اصل است، اتفاق نیست، حادثه نیست، بلکه یک انتخاب است و پای آن انتخاب سینه می‌زند، تمرکزدارد، هزینه می‌کند، پیاده می‌کند، ولو این‌که ممکن است هزینه‌های سنگینی هم برای او داشته باشد. به این سبک زندگی می‌گوئیم. سبک زندگی شهدا برگرفته از معارف دین است، یعنی برگرفته از فرمایشات معصوم و امامی است که در مقام

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

عصمت است، در مسیر و تکلیفی که به نام عبودیت روشن کرده‌اند که هدف از خلقت ماست، خیلی راه گشاست.
من یک جایی سخنرانی می‌رفتم، گفتند: شما چرا این قدر از شهدا می‌گوئید؟ گفتم: از چه کسی بگویم؟ گفتند: از امام حسین (ع) بگو. گفتم: امام حسین (ع) که سیدالشهداست. ما اگر دامنه را نبینیم، به قله که نمی‌رسیم. شهدا در دامنه هستند، شهدا آینه برگردان فضایل ائمه (ع) و اهل بیت(ع) هستند. من اگر امام حسین(ع) را برای شما توضیح دهم می‌گوئید معصوم است، فرزند پیامبر(ص) است. یک مقدار احساس فاصله دارید، ولی وقتی من می‌گویم علی‌اکبر امام حسین(ع) رفت و امام حسین(ع) دل کند، حالا نگاه کن، پدر پنج شهید دل کند، این هم آن فضیلت نورانی ایثار در زندگی‌اش شد، می‌گوئید که امام، معصوم است، او که معصوم نیست، پس این قابل الگوبرداری است. لذا سؤال شما سؤال زیبایی است. چرا باید به سبک زندگی شهدا تأسی و اقتدا کنیم؟ آنها حسی‌تر و دریافتی‌تر هستند، بین ما هستند، مثل ما هستند، این‌ها هم آزمون و خطا داشتند. چه شهدای عزیزی داریم که قبل‌تر اقرار به گناهان کبیره هم داشته‌اند، منتها مبدأ میل شان عوض شد، بعد بر اساس تغییر مبدأ میل با توبه، زیبایی‌ها در دامنه‌ی وجودشان ساری و جاری شد... سبک زندگی شهدا از این جهت که این‌ها در عصر غیبت کبری، ترجمانی از سیره‌ی اهل بیت(ع) و سیره‌ی معصومین(ع) از فرمول‌های ناب قرآن و عترت شدند، زیباست...
زندگی های امروزی تحت الشعاع فرهنگ منحوس غربی قرار گرفته و شبیه زندگی آنها شده است که هیچ احترامی به بزرگتر و پایبندی به همسر و عشق و علاقه به والدین در بین آنها وجود ندارد. صحبت از سبک زندگی که می‌شود منظور به حوزه خانوادگی نیست، بلکه دامنه آن گسترده تر است و شامل روابط اجتماعی، مدنی و حقوقی می‌شود. برای اینکه بتوانیم یک سبک زندگی خوب و خدا پسند انتخاب کنیم باید یک الگوی درستی داشته باشیم. چون همواره جامعه ها برای دست یابی به اهداف و ارزش های خود نیازمند الگوهای پویا و مؤثری در بدنه خود هستند، تا با نقشه برداری از زندگی آنها بتوانند صاحب یک سبک خوبی بشوند.یکی از الگو های خوبی که سبک زندگی آنها الهی است و می‌تواند باعث پیشرفت



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

شما در عرصه زندگی شود، الگو برداری از سبک زندگی شهدا است. لزوم توجه دادن جامعه به سبک زندگی شخصیت های تأثیرگذار جامعه یکی از مؤثرترین و بهترین راهکارها در این مسیر است. زندگی لاکچیری، ماشین آخرین سیستم ،مارک لباس و مدل گوشی. کشورهای غربی می‌خواهند با ترویج این سبک زندگی، یک اختلاف طبقاتی و غرور کاذب در بین مردم ایجاد کنند و می‌خواهند این افکار را ترویج دهند که هر کسی این مدل از زندگی را نداشته باشد جزء افراد ضعیف است. و مردم هم برای اینکه از قافله جا نمانند سعی می‌کنند طبق ایده های آنها زندگی کنند و تمام تلاش خود را برای بدست آوردن مادیات می‌کنند و عمر ارزشمند خود را صرف یک بازی پوچ می‌کنند. اما مدل دیگری از افراد بودند که در بین ما زندگی می‌کردند اما تحت تاثیر افکار دیگران قرار نمی‌گرفتند و زندگی ساده ای داشتند اما بسیار محبوب بودند و ماندگار شدند. دنیای غرب می خواهد رابطه خانواده ها را متزلزل کند و زندگی را برای زن و مرد تبدیل به یک کابوس ترسناک کند. و به مردان القا می‌کند که چهره خشن و اخمو داشته باشند. در حالی که اسلام می‌گوید با چهره بشاش و روی گشاده با همسرتان برخورد کنید تا آرامش درزندگی شما حاکم شود. هر کسی می‌تواند مسیر خودش را همانگونه که دوست دارد انتخاب کند و هیچ اجبار و تحمیلی در کار نیست. اما دشمن با برنامه ریزی دقیق در پی تغییر دادن افکار مردم است و دوست دارد که دیدگاه خودش را حاکم در سبک زندگی دیگران کند. کشورهای دیگر بخاطر نداشتن الگوهای درست، زود تحت تاثیر قرار می‌گیرند و فرهنگ منحوس را می‌پذیرند. اما در کشور ما بخاطر وجود شهدا، کار سختی در پیش دارند چون زندگی شهدا یک سبک خاصی را در پیش روی مردم قرار داده و هر کسی این سبک را انتخاب کند در دنیا و آخرت بهره های بسیاری می‌برد.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل های معطر و تهیه خوش بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمز یا فاطمه زهرا (س) نوشتن «**کتاب مطهری شهید**» ، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت وخشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد... ارادتمند: ناصرکاوه

زندگینامه شهید مرتض مطهری

مرتضی مطهری‌مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ه.ش)، مشهور به استاد مطهری و شهید مطهری، متفکر، محقق، عالم، نویسنده، مدرس و یکی از دانشمندان اسلام‌شناس در قرن چهاردهم بود. او شاگرد امام خمینی و علامه طباطبایی بوده که توانست در تمامی رشته‌های معارف اسلامی، صاحب‌نظری ژرف‌اندیش و محققی دقیق و در پاره‌ای از حوزه‌ها همچون فلسفه، فقه و اصول فقه در قله اجتهاد قرار گیرد. شهید مطهری از اساتید فلسفه و کلام اسلامی و تفسیر قرآن بود و آثاری بسیاری هم در موضوعات مختلف نگاشته است.استاد علاوه بر فعالیت‌های علمی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران در سیاست نقش بسزایی داشت؛ او از افراد تأثیرگذار و از رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران بود. از جمله فعالیت‌های استاد، مبارزه با جریان فکری مارکسیسم، تاسیس حسینیه ارشاد، عضو هیئت موتلفه اسلامی و ریاست شورای انقلاب تا روز شهادت را می‌توان نام برد.سالروز شهادت شهید مطهری در ایران به عنوان روز معلم نام‌گذاری شده و با بزرگداشت مقام معلم همراه است.

۱ - معرفی اجمالی

شهید مرتضی مطهری فرزند حاج شیخ محمدحسین مطهری و همسر مؤمنش ـ سکینه، در ۱۳ بهمن سال ۱۲۹۸ ش مطابق با دوازده جمادی الاولی ۱۳۳۸ قمری در «فریمان» دیده به جهان گشود.[۱] چون استاد در یک خانواده اصیل روحانی به دنیا آمده بود تقوا و پاکی را از همان ایام کودکی از پدر خویش آموخته بود.[۲]

رفتار و منش استاد مطهری از همان اوان کودکی از آینده درخشانی حکایت می‌کرد او تقوا و پاکی را پیشه خود کرده و همواره از رفتار ناپسند پرهیز می‌کرد و این حرکت در ساختار شخصیت روحی و اخلاقی استاد بسیار مؤثر بود، پدر استاد، مرحوم حاج شیخ محمدحسین مطهری مردی با تقوا و از شخصیت‌های مورد احترام بود و او را می‌توان اولین معلم در تکوین شخصیت روحی و معنوی استاد دانست.[۳]

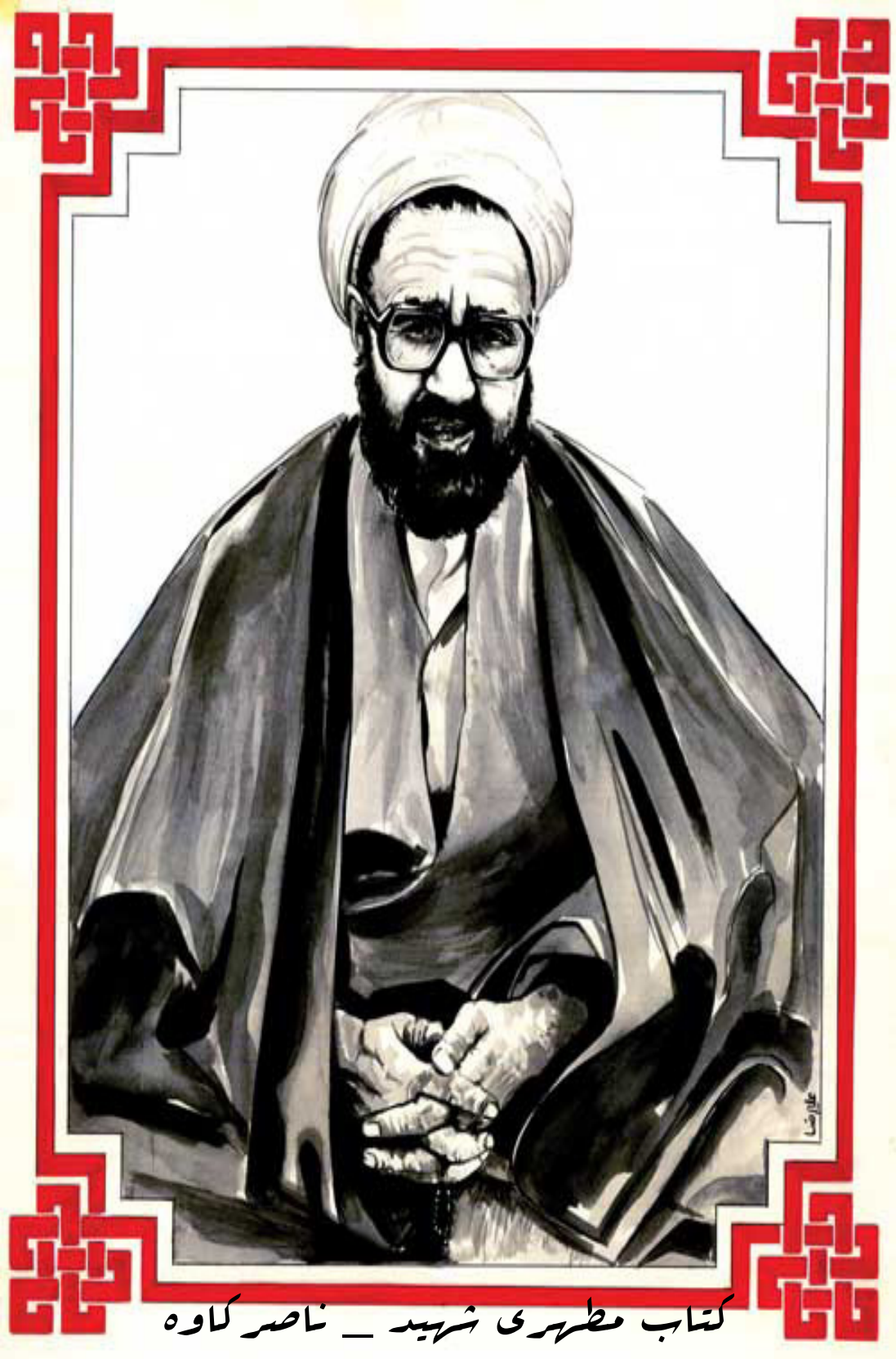
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



شهید مرتضی مطهری

شهید اندیشه

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید ـ ناصر کاوه

۲ - ورود به حوزه علمیه مشهد
مرتضی مطهری در دوازده سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شد [۴] و چنان پر تلاش و منظم به تحصیل مشغول شد که باعث شگفتی اهل بصیرت گردید. رفته رفته افکاری بلند و سؤال‌هایی سرنوشت‌ساز برایش آشکار شد؛ جهان، آفریده کیست؟ خدا، چگونه صفاتی دارد؟ انسان، برای چه آفریده شده است؟ و ... این پرسش‌ها همه فکر او را به خود مشغول ساخته بود. در آن زمان مرتضی آرزو می‌کرد که روزی بتواند در درس میرزا مهدی شهیدی رضوی ـ مدرس فلسفه الهی ـ حاضر شود، اما این آرزو برآورده نشد و آن استاد در سال ۱۳۵۵ قمری درگذشت. [۵]

۳ - ورود به حوزه علمیه قم
سرانجام مرتضی در سال ۱۳۱۶ ش در زمان حکومت رضاخان راهی حوزه علمیه قم شد. [۶]مطهری به دنبال یافتن گنج علم و فضیلت، با شور و علاقه‌ای وصف نشدنی، به تلاش و فعالیت پرداخت. پشتکار و کثرت مطالعه او همه اهل علم را در مدرسه فیضیه شگفت‌زده کرد. [۷]امام خمینی ـ الگوی علم و تقوا ـ درس اخلاق تشکیل داد و به انسان‌سازی پرداخت. مطهری به زیارت آن استاد نایل آمد و از او سیراب شد. [۸] این درس در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم علمی آن. درس «یافتن» و «رسیدن» بود نه فقط «دانستن» و «آموختن». مرتضی از سویی، غرق در مطالعه و تحصیل و تدریس و از سویی دیگر یکی از مهم‌ترین کارهایش و بلکه عالی‌ترین و مهم‌ترین فعالیتش، راز و نیاز و مناجات نیمه شب و اشک سحری بود.

۴ - اساتید
مطهری نزد آیت‌الله صدوقی، کتاب «مطول» را فرا گرفت و در محضر آیت‌الله مرعشی نجفی، «شرح لمعه» را بیاموخت. او هم‌چنین از استادانی بزرگ همانند آیات سید صدرالدین صدر، سید محمدرضا گلپایگانی، سید احمد خوانساری، سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد محقق یزدی ـ معروف به داماد انگجی و میرزا مهدی آشتیانی در علوم گوناگون بهره‌مند شد.

دیدار با عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی، مرتضی را وارد دنیایی جدید و شگفت‌انگیز کرد. حاج میرزا علی آقا با نهج البلاغه می‌زیست، با آن تنفس می‌کرد و روحش با این کتاب همدم و جمله‌های گرانقدر آن، ورد زبانش بود. و مهم‌تر آن‌که به هر آن‌چه می‌دانست عمل می‌کرد و راستی که مرد حقیقت و معنویت بود. [۹]مطهری، تحصیل رسمی علوم عقلی و فلسفی را در سال ۱۳۲۳ ش آغاز کرد. [۱۰] او بحث حکمت از «شرح منظومه» حکیم سبزواری و مبحث نفس از «اسفار اربعه» صدرالمتألهین شیرازی را در محضر امام خمینی آموخت. [۱۱]

وی بعد از ورود آیت الله بروجردی به قم، در درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد [۱۲] و از بحث‌های مجتهدپرور او بهره‌مند شد. او پیش از رسیدن به مرحله اجتهاد، از آیت‌الله بروجردی تقلید می‌کرد. [۱۳] مطهری، درس اصول فقه را از «مباحث عقلیه» به‌طور خصوصی از حضرت امام خمینی فرا گرفت [۱۴] و راز و رمز اجتهاد را از ایشان بیاموخت.در سال ۱۳۲۹ ش. استاد مطهری در محضر درس استاد علامه سید محمدحسین طباطبایی حاضر شد و مبحث «الهیات» از کتاب شفا (تألیف ابوعلی سینا) را از آن حکیم بزرگ بیاموخت. [۱۵] علامه طباطبایی، درس دیگری ـ غیر از الهیات شفا ـ در فلسفه شروع کرده بود که در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد. این درس خصوصی بود و در آن جمعی از فاضلان حوزه علمیه قم، از جمله آیت‌الله دکتر بهشتی، امام موسی صدر، استاد مطهری، دکتر احمد احمدی و ... شرکت می‌کردند. [۱۶][۱۷]

ثمره این مجمع علمی بزرگ، شاهکاری جهانی در کلام و فلسفه است به نام کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم». سهم مطهری در آفرینش این اثر پربار و ماندگار، اگر بیشتر از علامه طباطبایی نباشد، بدون شک، کمتر نیست.استاد مطهری، هم‌چنین در دوره تحصیل هم‌فکر و یار و یاور سازمان انقلابی و اسلامی «فدائیان اسلام» بود. [۱۸] این حزب سیاسی اسلامی که در سال ۱۳۲۴ ش، از سوی روحانی مبارز سید مجتبی نواب صفوی تشکیل شد نقش مؤثری در مبارزه با ستمگران و استبداد داشت.



شهید مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



شهید مرتضی

سیزده به در واقعی ما این است

افکار خرافی خودمان به صحرا

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ی مطهری

ت که از خانه های تنگ و تاریک

ی دانش و بینش خارج شویم...

کتاب مطهری شهید ـ ناصر کاوه

یادداشت ها/ج۶/ص۱۳۱

۵ - تدریس
مطهری، علاوه بر مباحثه دروس اصولی، فقهی و فلسفی، خود حوزه تدریس داشت. او از جمله کتاب‌های ذیل را تدریس کرد:
«مطول» (در علم معانی، بیان و بدیع)، «شرح مطالع» (در علم منطق)، «کشف المراد» (در علم کلام و عقاید)، «رسائل» و «کفایه» (در علم اصول فقه)، «مکاسب» (در فقه)، «شرح منظومه» و «اسفار» (در فلسفه). [۱۹]

۶ - هجرت به تهران
استاد مطهری در سال ۱۳۳۱ ش با دختر آیت الله روحانی (ره) ازدواج کرد [۲۰] و در همان سال ـ در حالی که به مدرسی مشهور بود ـ به تهران هجرت کرد. [۲۱]

۶.۱ - علت هجرت
علت این هجرت را برخی تنگدستی شمرده‌اند، [۲۲] اما سببش هرچه بود، باید آن را لطف خفی الهی شمرد زیرا حضور مطهری در تهران و در جمع دانشگاهیان و روشنفکران، سراسر خیر و برکت و مایه تربیت و هدایت شد.

۶.۲ - تدریس فلسفه و سخنرانی
استاد مطهری از ابتدای ورود به تهران، به سازندگی پرداخت. او در مدرسه مروی، آموزش فلسفه اسلامی را به شکل تطبیقی و مقایسه‌ای برای جویندگان حکمت و حقیقت، آغاز کرد. [۲۳]
سخنرانی‌های روشنگر و مفید استاد، همزمان با تدریس در مدرسه مروی، در تهران آغاز شد. او توجه بسیاری به حل شبهات و پاسخگویی به سؤال‌های موجود درباره معارف اسلامی داشت و با مطالعه، تحقیق، دقت، تلاش و اخلاص، در این راه موفق شد.
۶.۳ - تدریس در دانشگاه تهران
در سال ۱۳۳۳ ش استاد مطهری تدریس در دانشگاه تهران را شروع کرد. استاد در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) آن دانشگاه بیش از بیست سال به مبارزه عالمانه با جهل، مادی‌گری و غربزدگی پرداخت.


علامه شهید مرتضی مطهری
حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان دهنده و نمایشگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه هائی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه های سیاسی، چه در زمینه های فکری. در زمینه ی پاسخ به سؤالهای گوناگونی که در آن دوره ذهن جوانهای ما را به خود مشغول کرده بود.
مقام معظم رهبری مدظله العالی
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

رفتار ایشان با دانشجو به قدری صمیمی بود که دانشجو به استاد عشق می‌ورزید و مرید او بود. استاد مطهری در آن دانشکده، دوره‌های لیسانس و دکترا، کلیات علوم اسلامی (منطق، فلسفه، کلام، عرفان، اصول فقه، فقه و حکمت عملی)، فلسفه (شرح منظومه، الهیات شفا، مقاصد الفلاسفه غزالی و ...)، تاریخ فلسفه، تاریخ مجادلات اسلامی و روابط فلسفه و عرفان را تدریس می‌کرد. [۲۴][۲۵][۲۶][۲۷][۲۸][۲۹]

۷ - فعالیت‌های سیاسی

استاد مطهری در زمینه‌های مختلفی فعالیت داشت. گوشه‌ای از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و خدمات فرهنگی استاد عبارتند از: نقطه ارتباطی جامعه با امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در دوران تبعید امام؛[۳۰]عضویت در جامعه روحانیت تهران و پیشبرد اهداف این نهاد روحانی در انقلاب؛مسئولیت شورای انقلاب پس از مهاجرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) به پاریس؛یار نزدیک امام پس از بازگشت امام از تبعید؛مبارزه با مکاتب الحادی و مادی.

۸ - مبارزه با مارکسیم

ایدئولوژی مارکسیم که بعد از تحقق انقلاب اکتبر روسیه توجه نیروی انقلاب جوان را به خود جلب کرده و به‌عنوان تنها ایدئولوژی انقلابی مطرح بود، در ایران هم بخاطر همسایگی با روسیه تاثیر خود را گذاشت و مبلغان این ایده سعی کردند با شیوه‌های تبلیغاتی و همچنین ایجاد تشکیلات مخفی و در عین‌حال منسجم، اهداف خود را در جهت تغییر جامعه ایران و برقراری نظام سوسیالیستی پیش ببرند. مارکسیم با هر حرکت سیاسی، مذهبی به شدت مخالفت می‌کرد و اساسا دین را افیون جامعه می‌پنداشت. آنان نه تنها معتقد به جدایی دین از سیاست بودند بلکه با همه توان می‌خواستند دین را از اجتماع ریشه‌کن کنند.[۳۱]

یکی از موفقیت‌های چشمگیری که استاد مطهری در برابر مشکلات هجوم فرهنگی مارکسیتی داشت این بود که با هوشمندی و تدبر و تیزبینی مسائل را می‌دید و با آنها برخورد می‌کرد و از آن هراسی نداشت، بلکه از آنها استقبال و با آنها مبارزه می‌کرد. او کاملا با توطئه

و دسیسه‌های کمونیست‌ها آشنا بود و می‌دانست که مارکسیت‌ها برای گمراهی مردم و به ویژه جوانان ابتدا شعارهای به ظاهر مردمی می‌دهند و هنگامی که به قدرت رسیدند بر علیه دین وارد صحنه می‌شوند.

۹ - فعالیت‌های علمی

۹.۱ - استفاده از سلاح قلم

استاد مطهری بعد از حدود سی سال بهره‌گیری از قرآن و عترت، قدم در سنگر نویسندگی گذارد و سلاح قلم را به دست گرفت و مرزبان اسلام شد.این مرزبان، فقط به حلّ مشکلات و پاسخگویی به سؤال‌های موجود درباره مسائل اسلامی می‌اندیشید و هدف نوشته‌هایش همان بود. [۳۲]او معتقد بود دین اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین به‌طور تدریجی در نظر مردم واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم، آموزش‌های غلطی است که به نام اسلام داده می‌شود. این دین مقدس بیش از هر چیز، از طرف برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. [۳۳]

۹.۲ - همکاری با مجله مکتب تشیع

در سال ۱۳۳۶ ش به همت جمعی از دانشمندان حوزه علمیه قم، نشریه مکتب تشیع شروع به فعالیت کرد. استاد مطهری هم با این مجله، همکاری علمی و ارشادی داشت. مقالاتی از استاد مطهری در نشریه مکتب تشیع منتشر شد، از جمله: «اصالت روح»، «قرآن و مسأله‌ای از حیات»، «توحید و تکامل» و «حق عقل در اجتهاد». [۳۴]

۹.۳ - همکاری با انجمن اسلامی پزشکان

بعد از تأسیس انجمن اسلامی پزشکان (۱۳۳۷-۱۳۳۸ ش.)، استاد مطهری یکی از مهم‌ترین سخنرانان جلسات این انجمن بود.
ایشان در سخنرانی‌هایش، موضوعات حساس و سرنوشت‌سازی مانند توحید، نبوت، معاد، مسأله حجاب، بردگی در نگاه اسلام، صلح امام حسن (علیه‌السلام)، امام صادق (علیه‌السلام) و مسأله خلافت، مسأله ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام)، تربیت اسلامی،

فطرت، ربا، بانک، بیمه و ... را مورد بررسی عالمانه قرار داد و آثاری ارزشمند به یادگار نهاد.

۹.۴ - تدوین داستان راستان
طرح تدوین «داستان راستان» از سوی یکی از مؤسسات علمی به آیت‌الله مطهری پیشنهاد شد. استاد چون این کار را پسندیده و مفید یافت تعهد کرد که آن را انجام دهد. او در زمانی شروع به داستان‌نویسی کرد که استادی مشهور در دانشگاه بود و از شخصیت‌ها و عالمان مهم مذهبی در کشور شمرده می‌شد.
جلد اول داستان راستان در سال ۱۳۳۹ و جلد دوم در سال ۱۳۴۳ چاپ و منتشر شد و با توجه و استقبال کم‌نظیر مردم مواجه گشت.

۹.۵ - تأسیس حسینیه ارشاد
استاد مطهری سال‌ها بود که آرزوی تأسیس مؤسسه‌ای علمی ـ فرهنگی را داشت تا بتواند جوابگوی نیازهای فکری جامعه باشد و به نشر و تبلیغ معارف عالی اسلامی بپردازد. سرانجام در سال ۱۳۴۶ به کمک چند تن از دوستانش، از جمله آقای محمد همایون، حجة‌الاسلام سید علی شاهچراغی، مؤسسه حسینیه ارشاد را تأسیس کرد. [۳۵][۳۶][۳۷]بعد از تأسیس حسینیه ارشاد، به کار این مؤسسه دل بست و با شور و حرارت و آگاهی و درایت به همکاری و برنامه‌ریزی پرداخت. او دانشمندان بسیاری را به آنجا دعوت می‌کرد تا سخنرانی کنند و خود نیز یکی از موفق‌ترین سخنرانان آن بود.

۹.۶ - تالیف علل گرایش به مادّیگری
کتاب علل گرایش به مادّیگری ـ که تکمیل شده دو سخنرانی استاد مطهری در سال‌های ۴۸ و ۴۹ در دانشسرای عالی است ـ در سال ۱۳۵۰ منتشر شد. استاد این اثر کارآمد را در زمانی تألیف کرد که در میان نسل جوان، گرایشی به مکاتب مادی ـ و از جمله مارکسیسم ـ مشاهده می‌شد. سران سازمان منافقین هم در حال گرایش به مارکسیسم بودند که سرانجام مارکسیست شدند و به‌طور رسمی این تغییر ایدئولوژی را اعلام کردند.

هفته معلم

یادو خاطره شهید
و روز معلم بر تمامی

جایگاه معلم

حق استاد تو، این است که بزرگش داری و محضرش را محترم شماری و با دقت به سخنانش گوش بسپاری

(امام سجاد علیه السلام)



امام خمینی (ره)

خدمتی که مرحوم مطهری به نسل جوان و دیگران کرده است، کم کسی کرده است. آثار ایشان، بدون استثنا همه خوب است. انسان نیاز است برای کشور خدمت کرده است. در آن حال حفظان خدمت های بزرگ کرده است من کسی دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم: بی استثناء آثارش خوب است. خداوند به حق رسول اکرم، تو را با رسول اکرم محشور بفرماید

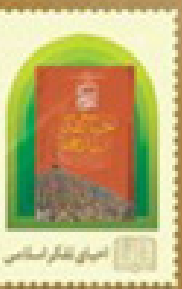


امام خامنه‌ای

مرحوم استاد شهید مطهری با مراحت اندیشوری اسلامی متکی به بینش اسلامی و بدون هیچ گرایش به چپ و راست مطرح می نمود. ایشان از اول حساسیت عجیبی روی تفکر التقاطی داشت و آن وقت که همه با تفکرات التقاطی برخورد های سطحی داشتند. او با کمال سخنگیری روی جا به جای این تفکر می ایستاد و آن را مردود می شمرد



برخی آثار شهید مطهری





در این سلسله سخنرانی ها بیان شده که اسلام دینی جامع است و انسان اسلامی انسانی چندبعدی میباشد که همه‌ی دستورات را به صورت هماهنگ

هفتاد و پنج داستان منابع داستان ها از کتب احادیث، تواریخ و سیره و با زبانی ساده و مفید برای طبقه جوان است. این کتاب به صورت حکایت و

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



جایگاه معلم

معلمی شغل نیست، عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کردی رهایش کن و اگر عشق نوست، مبارک باد

شهید رجایی

...لم گرامی باد

...دمرتضی مطهری

...ی معلمان گرامی باد.



محسن قرائتی

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی در جمع اساتید و طلاب فیضیه‌ای در پاسخ سوال یکی از طلاب که پرسید چرا خداوند همه را خوب نیافرید؟ گفت: ارزش انسان به آزادی است. اگر لال بودنی و غیبت نکنی ارزش نیست وی در ادامه به ذکر خاطره‌ای از شهید مطهری پرداخت و افزود: من همین سوال را از شهید مطهری پرسیدم و گفتم "نمی‌شد خدا همه را خوب خلق می کرد؟" ایشان گفت "در این صورت خدا همه را زیر میز خلق می کرد".



شهید بهشتی

مرحوم آقای مطهری در آخرین سالهای زندگیشان بر آن شدند که سفرهایی مرتب به قم بروند و با شروع بحث های پر محتوا برای طلاب درس خوانده نرو فاضل در حرکتی را در راه اعتلای فکری حوزه دنبال کنند و توسعه بدهند. حرکتی که جه بسا میتوانست به ساماندهی های دیگر بی انجامد. دریغا که این حرکت پر برکت ایشان با شهادتشان ناتمام ماند.



برخی آثار شهید مطهری



انسان کامل

مشتمل بر پنج سخنرانی در سال ۱۳۴۹ در حسینیه ارشاد. اقبال و احیای فکر دینی. تفکر دیروز و امروز مسلمین در برابر دیروز. تاثیر عمل در سعادت انسان. تفکر زنده و تفکر مرده. تفکر اسلامی



آزادی معنوی

مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۵ سخنرانی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف. مرجعی موضوعات طرح شده در کتاب آزادی معنوی. عبادت و دعا. هجرت و جهاد. یزرگی و

کتاب مطهری شهید_ ناصر کاوه

۹.۷ - تدریس فلسفه تاریخ
یکی از درس‌هایی که استاد مطهری در منزل خودشان برقرار کرد درباره فلسفه تاریخ بود که از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ با جمع برخی از شاگردان برگزار می‌شد.
استاد در این دروس، آراء فلاسفه غرب و اسلام را در مورد مباحثی مانند «عوامل محرک تاریخ»، «ارزش تاریخ»، «جامعه و فرد»، «ارتباط تاریخ با علم، مذهب و اخلاق»، «علیت در تاریخ»، «تکامل تاریخ»، «پیش‌بینی آینده» و ... عالمانه نقد و بررسی می‌کرد.

۹.۸ - تالیف مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی
آخرین اثر قلمی استاد مطهری، کتاب «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی» است این کتاب در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به رشته تحریر درآمد. آن استاد عالی‌قدر انحرافات فراوانی در نشریات برخی گروه‌های به ظاهر اسلامی و آثار بعضی روشنفکران مسلمان درباره جهان‌بینی اسلامی مشاهده می‌کرد. بدین‌علت و برای جلوگیری از التقاط، و از همه مهم‌تر برای روشن کردن نظر اسلام، این اثر را نوشت و در آن بسیاری از اشتباهات فکری روشنفکران را آشکار ساخت.
در این کتاب، مواضع و جهان‌بینی بعضی از گروهک‌ها مانند «منافقین» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۹.۹ - تدوین ماتریالیسم در ایران
کتاب علل گرایش به مادّیگری که در سال ۱۳۵۰ ش منتشر شده بود مورد استقبال شایان مردم حقیقت‌جو قرار گرفت، به‌طوری که در سال ۱۳۵۷ ش به چاپ هشتم رسید و استاد مقدمه‌ای تحت عنوان «ماتریالیسم در ایران» بر آن افزود.

استاد مطهری در این مقدمه به افشا و نقد شیوه‌های جدید تبلیغ ماتریالیسم در ایران می‌پردازد و این بحث را در دو بخش ارائه می‌کند: ۱. تحریف شخصیت‌ها. ۲. تحریف آیات قرآن.
در این مقدمه سودمند بود که آراء برخی از گروهک‌ها، از جمله گروهک فرقان مورد نقد و بررسی عالمانه و منصفانه قرار گرفت و پوچی و سستی آن آشکار شد.

خواب دیده بود که خواب است و یکی آمده دارد تکان تکانش می دهد و بیدارش می‌کند. پرسید تو کی هستی؟ گفت من عثمان بن حنیف هستم. استاندار علی(ع) گفت با من چه کار داری؟گفت من را امام علی(ع) فرستاده، به تو بگویم نماز شب بخوانی. یک دفعه از خواب بیدار شد. رفیق هم حجره اش، شیخ مرتضی داشت تکان تکانش می داد. می گفت "پاشو، پاشو نماز شب بخونیم"... همسر شهید مطهری می‌گفت: ۲۶ سال با مرتضی زندگی کردم، توی این مدت نیم ساعت هم بی وضو نبود. همیشه تاکید می کرد که با وضو باشید... استاد مطهری طی نامه ای به فرزندش نوشت, حتی الامکان روزی یک حزب قرآن بخوان و ثوابش رو تقدیم کن به روح پیامبر اکرم(ص) چون موجب برکت عمر و موفقیت میشه...

کتاب زندگی به سبک شهدا, ناصر کاوه
خاطره ای از زندگی روحانی شهید, استاد مرتضی مطهری



کتاب مطهری زندگی به سبک شهدا _ ناصر کاوه



شهید مرتضی مطهری

حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود.
زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد،
همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود.

۱۳۹۰/۰۲/۱۴

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

بعـد از انتشـار ایـن مقدمـه، گروهـک فرقـان اطلاعیـه‌ای منتشـر کـرد بـه ایـن مضمـون: هـر کـس کـه در مسـیر افـکار مـا قـرار گیـرد، بـه طریـق انقلابـی پاسـخ او را می‌دهیـم. امـا اسـتاد مطـهری فرمـود: اگـر قـرار باشـد کـه انسـان از دنیـا بـرود، چـه بهتـر کـه در راه اصلاح عقایـد و دفـاع از اسلام باشـد، و مـن در ایـن راه کوچک‌تریـن تردیـدی نـدارم. [۳۸]

۱۰ - تدریس در قم
اسـتاد مطـهری بنـا بـه توصیـه حضـرت امـام خمینـی از سـال ۱۳۵۱ ش تـا ۱۳۵۷، هفتـه‌ای دو روز بـه قـم می‌رفتنـد و در حـوزه علمیـه، دروس مهمـی ماننـد شـناخت، اصـل غائیـت، فلسـفه هـگل، معـارف قـرآن، مارکـس و مارکسیسـم، «منظومـه»، «نجـات» و «اسـفار» تدریـس می‌کردنـد. [۳۹][۴۰]

اسـتاد بـه حکـم وظیفـه شـرعی از تهـران بـه قـم می‌رفتنـد تـا تدریـس کننـد در حالـی کـه در تهـران، اسـتادان بـا سـابقه دانشـگاه، بـا تقاضـای بسـیار در کلاس درس ایشـان شـرکت می‌کردنـد. [۴۱]

۱۱ - آثار
استاد مطهری، آثار بسیاری نگاشته‌اند که فهرست‌وار ذکر می‌کنیم.

۱۱.۱ - منتشر شده
آثـار منتشـر شـده اسـتاد بیـش از ۵۰ کتـاب اسـت کـه برخـی از مهم‌تریـن آن عبارتنـد از:
مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی؛
آشنایی با قرآن؛
اسلام و مقتضیات زمان؛
انسان کامل؛
پیرامون انقلاب اسلامی؛
پیرامون جمهوری اسلامی؛
تعلیم و تربیت در اسلام؛

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

توحید؛
نبوت؛
معاد؛
حماسه حسینی؛
خدمات متقابل اسلام و ایران؛
عدل الهی؛
داستان راستان؛
سیری در نهج البلاغه؛
سیری در سیره نبوی؛
سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛
شرح مبسوط منظومه؛
علل گرایش مادّیگری؛
فطرت؛
فلسفه اخلاق؛
فلسفه تاریخ؛
گفتارهای معنوی؛
مسأله حجاب؛
نظام حقوق زن در اسلام؛
قیام و انقلاب مهدی (عج).

۱۱.۲ - منتشر نشده
برخی از آثار منتشر نشده استاد عبارتند از:
شرح منظومه (به زبان عربی به قلم حجة‌الاسلام شیخ محمدتقی شریعتمداری)؛
آشنایی با قرآن (جلدهای ۵ تا ۱۵)؛ فلسفه تاریخ (جلدهای ۲ تا ۴)؛
مسأله بردگی در اسلام؛
پانزده گفتار؛
توکل و رضا؛
انسان‌شناسی؛
حاشیه بر تفسیر المیزان؛ و ...

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



...یک وظیفه قرآن یاد دادن و تعلیم کردن است.در این جهت مخاطب قرآن، عقل انسان خواهد بود و قرآن با زبان منطق و استدلال با او سخن می گوید.اما به جز این زبان, قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست؛ بلکه دل است و این زبان دوم, احساس نام دارد...آنکه می خواهد با قرآن آشنا گردد و بدان انس بگیرد ، می باید با این دو زبان هر دو آشنایی داشته باشد و هر دو را در کنار هم مورد استفاده قرار دهد... تفکیک این دو از هم، مایه بروز خطا و اشتباه و سبب خسران و زیان خواهد بود. آنچه را که ما دل می نامیم، عبارت است از احساسی بسیار عظیم و عمیق که در درون انسان وجود دارد که گاهی اسم آن را احساس هستی می گذارند؛یعنی احساسی از ارتباط انسان باهستی مطلق. کسی که زبان دل را بداند و با آن انسان را مخاطب قرار دهد,او را از اعماق هستی و کنه وجودش به حرکت درمی آورد.آن وقت دیگر تنهافکر ومغز انسان تحت تأثیر نیست؛بلکه سراسر وجودش تحت تأثیر قرار می گیرد... قرآن خود توصیه می کند که او را با آهنگ لطیف و زیبا بخوانند. با همین نوای آسمانی است که قرآن با فطرت الهی انسان سخن می گوید و آن را تسخیر می کند...

کتاب زندگی به سبک شهدا، ناصر کاوه

منبع: کتاب آشنایی با قرآن، ج ۱ـ۲، ص ۳۷

شهید

مرتضی مطهری

کتاب مطهری زندگی به سبک شهدا _ ناصر کاوه

۱۲ - پیشتاز نهضت
یکی از عالمانی که در هدایت و راهنمایی مردم در قیام ۱۵ خرداد نقشی اساسی و سازنده داشت، استاد مطهری بود. او در سخنرانی آتشین و انقلابی خود در شب عاشورا خطاب به روحانیت گفت: «باید واقعیت را بگویید و در مقابل همه نوع حادثه و گرفتاری بایستید.» بعد خطبه امام حسین (علیه‌السلام) (... مَن رأی سُلطاناً جائِراً ...) را مطرح کرد و به‌طور صریح و قاطع به محمدرضا پهلوی حمله کرد. [۴۲]به دنبال این سخنرانی حسینی بود که استاد مطهری دستگیر و زندانی شد. [۴۳] این حبس، حدود دو ماه به طول انجامید. [۴۴] استاد مطهری یکی از اعضای شورای رهبری حزب سیاسی اسلامی و نظامی «هیأت‌های مؤتلفه اسلامی» بود. او در جمع آنان، مباحث سودمندی ایراد کرد، از جمله مسأله «انسان و سرنوشت».

بعد از تبعید امام خمینی، مهم‌ترین عکس‌العمل اسلامی در برابر این ظلم بزرگ، ترور حسنعلی منصور- نخست وزیر وقت - بود که به دست قهرمانان هیأت‌های مؤتلفه اسلامی انجام شد. و ارشاد و تأیید استاد مطهری بود که این اقدام را به ثمر رساند. [۴۵]
آیت‌الله مطهری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای تثبیت حکومت اسلامی، فعالیت‌های بسیار ارزنده و سرنوشت‌سازی انجام داد. از آن جمله ایشان مهم‌ترین و مورد اعتمادترین مشاور حضرت امام خمینی بود و نظرشان درباره معرفی افراد برای مسئولیت‌های مختلف، پذیرفته می‌شد. [۴۶]

۱۳ - شهادت
بعضی از اعضای شورای انقلاب در شب یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ جلسه‌ای را درباره مسایل جاری مملکت در منزل دکتر سحابی تشکیل دادند که تا ساعت ۱۰:۰۵ شب ادامه داشت. استاد مطهری در پایان جلسه از منزل سحابی خارج شد تا به طرف اتومبیل دوستش برود. وقتی که به اول کوچه رسید شخصی از پشت سر ایشان را به نام صدا زد. وقتی استاد سرش را به پشت برگرداند توسط او ترور شد. این شخص، یکی از اعضاء گروه منحرف فرقان به نام محمدعلی بصیری بود. پس از تیراندازی، استاد را به بیمارستان طرفه بردند،

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ولی معالجه اطباء و پزشکان اثر نداشت و سرانجام به شهادت رسید. پیکر استاد در صبح پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت در میان جمعیتی انبوه از دانشگاه تهران تشییع و به قم منتقل شده و در مسجد بالا سر مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیهم) نزدیک قبر آیات عظام حائری، صدر، خوانساری، دفن شد.[۴۷]

۱۳.۱ - پیام امام خمینی
«گرچه انقلاب اسلامی ایران به رغم بدخواهان و ماجراجویان به خواست و توفیق خداوند به پیروزی رسید، لکن بر ملت و به حوزه‌های اسلامی و علمی خسارت‌های جبران‌ناپذیر نیز بدست منافقین ضد انقلاب واقع شد. همچون ترور خائنانه مرحوم دانشمند و اسلام‌شناس عظیم‌الشان آقا، حاج شیخ مرتضی مطهری (رحمة الله علیه).

آنچه باید عرض کنم درباره او این است که او خدمت‌های ارزشمندی به اسلام و علم نمود و موجب تاسف بسیار است که دست خیانتکار این درخت ثمر بخش را از حوزه‌های علمی و اسلامی گرفت و همگان را از ثمرات ارجمند آن محروم نمود.

مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای اسلام و ملت و کشور بود. خدایش رحمت کند.» [۴۸]

۱۴ - پانویس
[ویرایش]
۱. ↑ اخوین، عباس، لمعاتی از شیخ شهید، ص ۸.
۲. ↑ باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید مطهری، ص۴۷، تبلیغات اسلامی، چ: تبلیغات اسلامی، ن چ: اول، تا: ۱۳۷۷.
۳. ↑ دارابی، حسین، یادواره استاد مطهری، ص۱۰، مهر، ت: ۱۳۶۰.
۴. ↑ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۹.
۵. ↑ مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، ص۹-۱۰.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه


شهید مرتضی مطهری
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۶. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۹.
۷. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۱، ص۱۳۸.
۸. ▯ پس مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، ص ۱۰-۱۱.
۹. ▯ مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰-۱۲.
۱۰. ▯ مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگرایی، ص۱۰.
۱۱. ▯ سروش، عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۱۷۲.
۱۲. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۹.
۱۳. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه، ج۱، ص۳۲.
۱۴. ▯ سروش، عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۱۷۲.
۱۵. ▯ مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، ص۱۱.
۱۶. ▯ سروش، عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۱۷۲.
۱۷. ▯ یادواره استاد شهید مطهری، ص۳۱.
۱۸. ▯ سروش، عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۳۳۹-۳۴۰.
۱۹. ▯ یادواره استاد شهید مرتضی مطهری، ص۳۲.
۲۰. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۶۶۷.
۲۱. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، مقدمه، ص۱۰.
۲۲. ▯ سیری در زندگانی استاد مطهری، ص۱۱.
۲۳. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۱۰.
۲۴. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴.
۲۵. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۸۳۴.
۲۶. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۸۴۰.
۲۷. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۸۶۸.
۲۸. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۸۸۲.
۲۹. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۸۸۴.
۳۰. ▯ باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید مطهری (رحمة‌الله‌علیه)، ص۳۹.
۳۱. ▯ خردمند، محمد، شهید مطهری مرزبان بیدار، ص۴۸.
۳۲. ▯ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص۱۴.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۳۳. ▯ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص۱۴.
۳۴. ▯ سروش، عبدالکریم، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۵۴۱.
۳۵. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۱۰.
۳۶. ▯ سیری در زندگی استاد مطهری، ص۹۸.
۳۷. ▯ سیری در زندگی استاد مطهری، ص۱۱۴.
۳۸. ▯ سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج۱، ص۱۳۱-۱۳۲.
۳۹. ▯ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، مقدمه، ص۱۱.
۴۰. ▯ یادنامه استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۵۲.
۴۱. ▯ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، جلوه‌های معلمی استاد، ص ۱۰۱، انتشارات مدرسه.
۴۲. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۶۵۶.
۴۳. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج۲، ص۶۵۶.
۴۴. ▯ سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۲۲-۲۳.
۴۵. ▯ مطهری، مرتضی، مطهر اندیشه‌ها، ج ۲، ص ۶۵۶.
۴۶. ▯ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، جلوه‌های معلمی استاد، ص۱۸۳-۱۸۴.
۴۷. ▯ دارابی، حسین، یادواره شهید مطهری، ص۹۷.
۴۸. ▯ دارابی، حسین، یادواره شهید مطهری، ص۳۴۷.

۱۵ - منابع

- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «شهید مطهری»، تاریخ بازیابی ۰۶/۰۲/۱۳۹۵.
- سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «شهید مطهری»، تاریخ بازیابی ۰۶/۰۲/۱۳۹۵.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

"سالها با مرتضی زندگی کردم، توی این مدت نیم ساعت هم بی وضو نبود... همیشه تاکید می کرد که با وضو باشید... وحتی الامکان روزی یک حزب قرآن بخوان و ثوابش رو تقدیم کن به روح پیامبر اکرم(ص) چون موجب برکت عمر و موفقیت میشه..."

کتاب زندگی به سبک شهدا, ناصر کاوه
خاطره ای از زندگی روحانی شهید, استاد مرتضی مطهری





کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

خاطراتی از شهید مرتض مطهری

اخلاص

شهید مطهری از کسانی بود که کار کردن و درس گفتنش، فقط به خاطر یک وظیفه مقدّس بود؛ آن هم بی آن که کسی وادارش کند یا از وی بخواهد؛ البته بیشتر محققین دنیا این گونه اند. همه پیشرفت های علمی دنیا نیز این گونه پیش آمده است که کسانی از روی عشق یا ایمان و یا هر دو، کار کرده اند. یا باید عشق به کار باشد یا ایمان به ثواب الهی یا هر دو با هم و شما می توانید هر دو را با هم را داشته باشید.

مجاهد علمی و فرهنگی

شهید مطهّری یک مبارز در راه خدا، یعنی یک مجاهد فی سبیل الله بود؛ منتها جهاد، انواعی دارد؛ یکی از سخت ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را می شناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، بافکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهن ها را به سمت آن چه درست است، هدایت کند. این، از آن جهادهای بسیار دشوار است و شهید مطهّری، این جهاد سخت را سال های متمادی انجام داد.

مطهری، حاصل عمر امام

قبلاً لازم است که یاد شهید همیشه زندهٔ انقلابمان، آیت الله شهید مطهری را - که امام فرمودند حاصل عمر مبارکشان است - گرامی بداریم و عرض کنیم که شهید مطهری رضوان الله علیه، چشمهٔ فیاض و جوشانی بود.اگر ما به خاطر شهادت ایشان متأسفیم - در حالی که شهادت، خلعت ذی قیمتی است که خدای متعال بر تن خاصان می پوشاند و آن بزرگوار با شهادت، به مقامات عالی و معنوی که همه مشتاق آن هستند، عروج کرد - علت آن است که این چشمه می توانست برکات جدیدی را به عالم اسلام ارزانی کند. هر یک ساعت و یک روز از عمر بابرکت کسی مثل آن شهید بزرگوار، برای امت اسلام و یکایک مردم مسلمان، دارای فایده است و برای او حسنه.



کتاب‌های این استاد عزیز (علا
را نگذارند با دسیسه های غ
بی‌استثناء همه‌ی آث
و من کسی دیگر
که بتوانم بگویم بی‌استثنا

قسمتی از پیام امام خمینی قدس سره د

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



امه شهید مرتضی مطهری)
بر اسلامی فراموش شود.
ارش خوب است
را سـراغ ندارم
ء آثارش خـوب است.
ر باره‌ی علامه شهید مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

او شهید معلمی خود شد

او یک روحانی معلّم بود و شهید معلمی خود شد. او معلّمی را منحصر به سر کلاس درس نکرد؛ درس هم می داد؛ دانشکده هم می رفت؛ ساعت ها تدریس می کرد؛ در حوزه هم تدریس می کرد؛ اما تعلیم او، یک دایره بسیار وسیع تر داشت. او می نوشت و سخن می گفت و شاگردانش در این بخش نوشتاری و گفتاری، هزاران برابر شاگردان او در داخل کلاس بودند. آن سخنی را هم که نیاز زمان بود، انتخاب می کرد.

امام: کتب این بزرگوار، همه خوب و مفیدند

امام درباره کتاب های این بزرگوار، تعبیری قریب به این مضمون دارند که «همه آنها خوب و مفید است».این تعبیری بسیار مهم، از کسی مثل امام است. این که در محیط فکر و اندیشه و فرهنگ، جولان فکری افراد و گشودن راه های تازه باید تشویق شود، حرف درستی است؛ اما این نباید به افسار گسیختگی فکری دشمنان اسلام منتهی گردد.باید راه را در مقابل افکار جوان، نسل جوان و جویندگان بی غرض، قرار داد. برای این کار، یکی از بهترین وسایل، افکار ناب و برجسته و بلند این مرد مجاهد فی سبیل الله است که جان خودش را هم در این راه داد».

سخنرانی پرمایه و پرمغز

اغلب کتاب های مرحوم آیت الله شهید مطهّری رضوان الله تعالی علیه، سخنرانی های اوست؛ یعنی تبلیغات اوست که با همین روش و سبکی که شما امروز انجام می دهید، ابلاغ شده است؛ تبلیغ شده است؛ رسانده شده است و ببینید چقدر پرمایه و پرمغز است.از این قبیل، الی ماشاءالله چه در دوران قبل از انقلاب و چه بعد از آن، وجود دارد. همچنین منشأ باید همان اخلاص و صفا و عشق و علاقه به مخاطبان را داشته باشد؛ «عَزِيزٌ عَلَيهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ».

دانشگاه شهید جمال الدین اسدآبادی



بدون تردید سلسله جنبان نهضت های اصلاحی صد ساله ی اخیر
سید جمال الدین اسد آبادی است.

شهید مرتضی مطهری (ره)

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

این، خصوصیت آن مبلّغ اوّل و داعی اوّل است که شما دنبالش حرکت می کنید. باید با مردم این گونه بود. با این منشأ باید با مردم حرف زد.وقتی که مبلّغ با این احساس و با آن مایه فکری سخنش، وارد میدان می شود، مثل مغناطیس، دل ها را جذب می کند؛ مثل قطرات آب زلال، در سخت ترین سنگ ها هم اثر می گذارد و درزمین مناسب، باروری می دهد؛ «وَالْبَلَدُ الطَّيبُ يخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ».

حرف ها، گویا برای امروز نوشته شده
امروز بعد از سی سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرف های او تازه است؛ زنده است؛ گویا برای امروز نوشته شده است.آن روز هم کسانی در سطوح مختلف فکری، از سخن او و فکر او استفاده می کردند، پاسخ خودشان را می گرفتند؛ امروز هم که افکار جلو رفته است، مسائل بسیاری برای ذهن های جستجوگر حل شده است، باز به سؤالات جدید پاسخ گوست. این، خاصیت یک فکر عمیقِ همراه با اخلاص است».

جامعه محتاج اندیشه های استاد
البته آثار آن بزرگوار، مثل یاد او زنده است. کتاب های شهید مطهری، قابل مردن و قابل تمام شدن نیست. مبادا کسی خیال کند که ما از بعد از انقلاب تا حالا که مرتب کتاب های شهید مطهری را طبع و منتشر می کنیم، تکراری است؛ نه، در سخن حق و در کلام حکمت، تکرار نیست؛ هنوز جامعه و نسل جوان و جامعة فرهنگی و علمی ما، به دانستن همان مطالبی که آن بزرگوار از زبان و قلمش فیضان کرد و در اختیار امت اسلام گذاشت، محتاجند؛ بله، چه بهتر که مطهری هایی، مغزهایی، زبان ها و قلم های پُرفیضی غیر از مطهری هم داشته باشیم – که انشاءالله امیدواریم داشته باشیم – اما آن چه که کهنه نمی شود، معارف و حقایقی است که هنوز جامعة ما محتاج دانستن و تکرار کردن و از برکردن آنهاست و آن، همان محتوای

کتاب های شهید مطهری است. مبادا وسوسة خنّاسان و زمزمة دشمنان - که با فکر شهید مطهری مخالف بودند و به همین جهت هم او را از دست ما گرفتند - موجب شود که کتاب های آن بزرگوار از رواج بیفتد که البته نخواهد افتاد. دل ها و ذهن های مشتاق نخواهند گذاشت که این مطالب عمیق و عریق، از دست و ذهنیت جامعه خارج بشود.

فضلای جوان آماده
کاری که شهید مطهری کرد، امروز باید همة فضلای جوان در صدد باشند خود را برای آن آماده کنند و اگر آماده هستند، اقدام کنند. شهید مطهری به عرصة ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده ترین سؤالات ذهنیت جامعة جوان و تحصیل کرده و روشنفکر کشور را بیرون کشید و آنها را با تفکر اسلامی و فلسفة اسلامی و منطق قرآنی، منطبق کرد و پاسخ آنها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ از مسئلة عدل الهی و قضا و قدر و علل گرایش به مادی گری بگیرید - که مسائل، بیشتر ذهنی و عقلی است - تا مسائل مربوط به زنان؛ تا مسائل مربوط به خدمات متقابل ایران و اسلام که این هم تلاشی بود برای روشن کردن ذهن ها»؛

اگر بنده می خواستم برنامة حوزة علمیة قم را بنویسم...
یکی از کارهای لازم در حوزه ها، مطالعة آثار ایشان است. جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند. اگر بنده می خواستم برنامة حوزة علمیة قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می گذاشتم که کتاب های آقای مطهری خوانده شود؛ خلاصه نویسی شود و امتحان داده شود.


قرآن راه با
که ذکر خ
توجه و صَر
غیرخدا در
می‌گویند:
هر چه تو
بت توست



زیافتن خود را ذکر خدا معرفی می‌کند
دا و توجه به خدا طبعاً مستلزم عدم
رف توجه از غیر خدا هم هست؛ دیگر
ر این مرتبه می‌شود شرک.
«کُلُّ ما شَغَلَکَ عَنْ رَبِّکَ فَهُوَ صَنَمُکَ»
را از خدایت به خود مشغول کند آن
ت. این، روح و حقیقتِ شرک است.

استاد مطهری، انسان‌شناسی قرآن، ص۱۸۶

کتاب مطهری شهید ـ ناصر

کار را جدی بگیرید
توصیه می کنم کار را جدی بگیرید و دنبال کنید.مرحوم شهید مطهری مرد بسیار عمیق و با فکر و پُر مغزی بود. ایشان از دانش های لازم برای این تحقیقات، برخوردار بود؛ فلسفه می دانست؛ کلام می دانست؛ فقه می دانست؛ تاریخ می دانست. ایشان در هر بحثی وارد می شد، زوایای آن را کاوش می کرد. بنابراین، آثار ایشان، خیلی با ارزش است.

با آثار شهید ارتباط نزدیک برقرار کنید
توصیه می کنم با سخن شهید مطهّری - که همچنان سخن روز است - ارتباط برقرار کنید. یک روز همه عناصری که شهید مطهّری به عنوان یک استوانه فکری در مقابل آنها قد علم کرده بود، سر او ریختند و از لحاظ فکری، بمبارانشان کردند و از لحاظ حیثیت اجتماعی نیز وی را مورد تهاجم قرار دادند؛ اما او یک تنه ایستاد.

لازم است جوانان، مخصوصاً آنهایی که با معرفت و دانش سروکار دارند - مثل روحانیون، معلّمین، دانشجویان و نویسندگان - با آثار شهید مطهّری ارتباط نزدیک برقرار کنند و کتاب های آن بزرگوار را بخوانند. این کتاب ها حقیقتاً بینش وسیعی و در موارد بسیار، بینش نوینی به خواننده خود می بخشد.

من لازم می دانم و بارها هم این نکته را گفته ام که همة طلاب و همة اهل منبر، یک دور آثار آقای مطهری را بخوانند.

روی افکار شهید مطهری کار فکری بشود
باید روی افکار شهید مطهری کار فکری بشود؛ یعنی جمعی اهل تحقیق و علاقه مند به کار علمی، بنشینند و نظرات و تفکرات شهید مطهری را در ابواب مختلف، استخراج کنند؛ مثلاً از مجموع آثار ایشان، نظر آن شهید را در باب وجود، در باب انسان، در باب

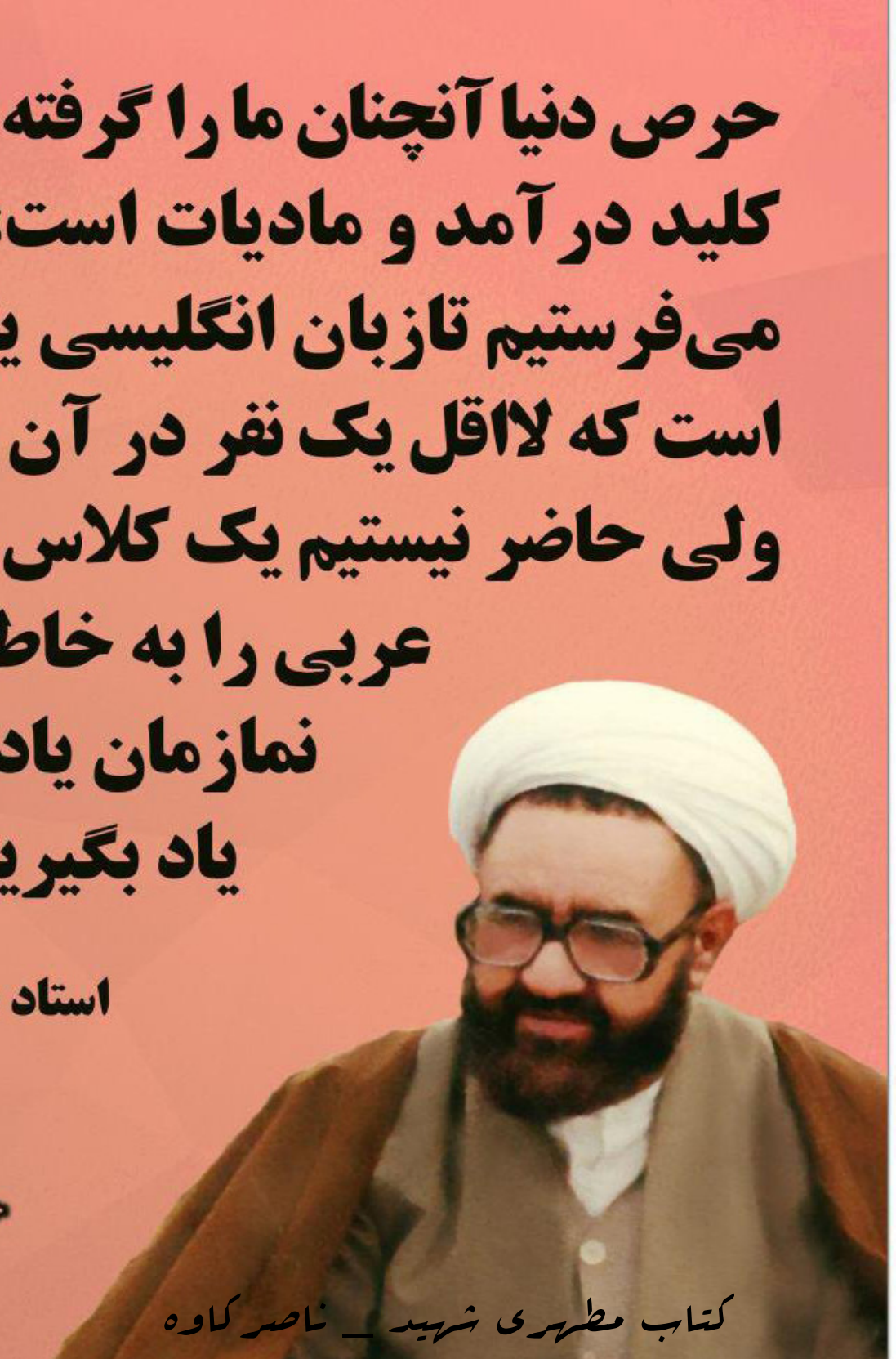
اختیار، در باب عدالت، در باب تاریخ، در باب قضا و قدر، در باب عرفان و دربارهٔ موضوعات بی شمار و متنوعی که ایشان در مباحثشان مطرح کرده اند، استخراج کنند.اگر نظرات مختلفی در طول زمان داشته اند، مثلاً در یک دوره در مسئله ای این نظر را داشته و سپس در چند سال بعد، نظر ایشان تغییر کرده، آن را در این کتاب مشخص کنند و روی آن کار نمایند. این، راه گسترش و پیشرفت و شکوفایی فکری جامعه، بر مبنای آثار شهید مطهری است که امیدواریم این کار انجام بگیرد و در وضع کنونی، همه قشرها مسئولیت خودشان را در قبال این حرکت عظیمی که جامعهٔ ما به آن سرگرم است، پیدا کنند و آن را به خوبی انجام دهند.

در مطهری متوقّف نشوید؛ مبنا را تفکرات ایشان بگذارید
من به دست اندرکاران برگزاری همایش «حکمت مطهر» که در تهران با من ملاقات داشتند، همین نکته را یادآوری کردم؛ گفتم در آقای مطهری، متوقف نشوید. این، نهایت کار نیست. ..این قدر حرف هست برای گفتن، دریای آب شیرین بی نهایت قرآن و حکمت قرآنی این قدر مطلب دارد که هرچه شما بنوشید، هرچه ذخیره کنید و هرچه بردارید، کم نمی شود و تکراری هم نمی شود. مبنا را تفکرات شهید مطهری بگذارید و کارهای بعدی را روی آن بنا کنید.

فضا را قبضه کنید
یک نفر مثل شهید مطهّری - رضوان الله تعالی علیه - یک جامعه دانشگاهی را در مقابل خود، به قبول و اذعان و تسلیم وا می داشت. در همان دانشکده ای که آن بزرگوار تدریس می کرد، کسانی بودند که به طور صریح، ضدّ دین، تبلیغات می کردند و درس می گفتند. آن بزرگوار نرفت با آنها دعوا کند و دست به یقه شود؛ حرف زد؛ فکر داد؛ حقایق را گفت؛ از ذهنیت صحیح استفاده نمود و فضا را قبضه کرد.

حرص دنیا آنچنان ما را گرفته
کلید در آمد و مادیات است
می‌فرستیم تازبان انگلیسی
است که لااقل یک نفر در آن
ولی حاضر نیستیم یک کلاس
عربی را به خاط
نمازمان یاد
یاد بگیریم

استاد



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

است که چون زبان انگلیسی
، بچه هفت ساله‌مان را هم
یاد بگیرد. کمتر خانواده‌ای
زبان انگلیسی را نداند.
عربی تشکیل بدهیم و زبان
کر خدا یاد بگیریم، به خاطر
بگیریم، به خاطر قرآنمان
م.

مطهری، آزادی معنوی، ص۱۴۲

مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۲۰ ویژگی اخلاقی شهیداستاد شهید مرتضی مطهری

۱- همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می‌کرد.

۲- به طبیعت علاقه وافر داشت و گاه ساعت‌ها در نقاط باصفا می نشست و تفکر می‌کرد.

۳- نماز شب را همیشه بپا می‌داشت.

۴- در حین بیان مطالب علمی، آنچنان بود که از اطراف غافل می شد.

۵- شب‌ها قبل از خواب، حدود بیست دقیقه قرآن می‌خواند.

۶- نسبت به انجام فرائض فرزندان، نظارت دقیق داشت.

۷- به فقرا و مستمندان کمک می‌کرد به طوری که برخی موارد آن، بعد از شهادتش آشکار شد.

۸- مطالب قابل توجه را در هر فرصت مناسب و به‌طور منظم یادداشت می‌کرد.

۹- در حاشیه کتاب‌هایی که مطالعه می‌کرد، عنوان یا خلاصه مطالب و یا اشکالات وارده را می‌نوشت.

۱۰- در برخورد با انحرافات فکری، از جوّ حاکم بر اجتماع واهمه‌ای نداشت، جو ناسالم را می‌شکست و گاه با دوستان نزدیک خود نیز در بیان حق در می‌آمیخت.

۱۱- از جوانی علاقه وافری به شهید شدن داشت و به افراد می‌سپرد تا در این مورد برایش دعا کنند.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۱۲- برای پدر و مادر و اساتید خود احترام وصف‌ناپذیری قائل بود.

۱۳- صدای گریه بلند او هنگام خواندن روضه سیدالشهدا «ع»، مناجات شبانه و فوت پدر و مادر شنیده و مشاهده می‌شد.

۱۴- بعد از نماز مغرب و عشا، سجده های طولانی داشت.

۱۵- از شهرت و مریدپروری گریزان بود.

۱۶- محاسن خود را خضاب می کرد.

۱۷- از تظاهر - چه در امور عبادی و چه در امور اجتماعی و سیاسی - بشدت پرهیز داشت.

۱۸- بسیار متین و پُرهیبت بود و در عین حال، در موارد لزوم مَزّاح و نکته‌پرداز بود.

۱۹- عبارتِ «اُفَوِضُ اَمری اِلی الله، اِنَّ الله ِبَصیرٌ بالعِباد» را در قنوت و هنگام ذکر گفتن، زیاد قرائت می کرد.

۲۰- به دستگیری‌های خداوند ایمان داشت و در شرایطی که دشمنانش کار را بر او سخت می‌کردند صبور و امیدوار به امدادهای الهی بود...منبع: کتاب: شیخ شهید.صفحه ۵۶



اینکه روز معلّم را در سالگرد شهـادت شهیـد مط
قـرار دادند، یک معنـای نمـادین و پرمغـز و پر
چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک ا

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

حکمت حکایتي ز لب دلرباي توست
جان کلام در سخن جانفزاي توست

اشراق اگر به مدرسه نوري فکنده است
آن نور، نور شعله چشم‌هاي توست

دست شفا نجات نبخشد به درد و رنج
داروي درد عشق به دارالشفاي توست

حاجت به فهم شرح اشارات شیخ نیست
تا چشم ما به چشم اشارت‌نماي توست

با عقل سرخ، هستي و مستي به هم نساخت
خون جاي باده قسمت جام بلاي توست

يك قصه بیش نیست غم عشق و این عجب
کز هر زبان که مي‌شنوم، ماجراي توست

«عادل» بگو چگونه دم از عشق مي‌زني
آنجا که آفتاب برآید نه جاي توست

غلامعلی حداد عادل

علامه شهید مطهری فرموده اند:
«از این نکته نباید غفلت ورزید که مصائب، وقتی نعمت هستند که انسان از آنها بهره‌برداری کند و با صبر و استقامت و مواجهه با دشواریهایی که مصائب تولید می‌کنند روح خود را کمال بخشد. اما اگر انسان در برابر سختیها فرار را انتخاب کند و ناله و شکوه سر دهد؛ در این صورت بلا از برای او واقعا بلاست.»
نتیجه



علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون

استاد شهید مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



حسین بن علی (ع) یک روح بزرگ و یک روح مقدس است . می گوید وقتی که روح بزرگ شد جسم و تن چاره ای ندارد جز آنکه به دنبال روح بیاید، به زحمت بیفتد و ناراحت شود. اما روح کوچک بدنبال خواهش های تن می رود، هرچه را که تن فرمان بدهد اطاعت می کند.روح کوچک به دنبال لقمه برای بدن می رود اگر چه از راه دریوزگی و تملّق و چاپلوسی باشد. روح کوچک دنبال پست و مقام می رود و لو با گرو گذاشتن ناموس باشد.روح کوچک تن به هر ذلت و بدبختی می دهد برای اینکه می خواهد در خانه اش فرش یا مبل داشته باشد، آسایش داشته باشد، خواب راحت داشته باشد. اما روح بزرگ به تن نان جو می خوراند، بعد هم بلندش می کند و می گوید شب زنده داری کن ... روح بزرگ وقتی که کوچکترین کوتاهی در وظیفه خودش می بیند،به تن می گوید این سر را توی این تنور ببرتاحرارت آن را احساس کنی ودیگر درکار یتیمان وبیوه زنان کوتاهی نکنی! روح بزرگ آرزو می کند که در راه هدفهای الهی و هدفهای بزرگ خودش کشته شود؛ فرقش شکافته می شود، خدا را شکر می کند. روح وقتی که بزرگ شد، خواه ناخواه باید در روز عاشورا سیصد زخم به بدنش وارد شود.
آن تنی که در زیر سم اسبها لگدمال می شود،جریمه یک روحیه بزرگ را می دهد،جریمه یک حماسه را می دهد،جریمه حق پرستی را می دهد، جریمه روح شهید رامیدهد.شهید مطهری،کتاب حماسه حسینی، کتاب شهدا واهل بیت، ناصرکاوه

شهید مرتض مطهری

کتاب مطهری زندگی برای شهدا _ ناصر کاوه

امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند:

شغل معلمي، همان شغل انبياست. پيغمبر اكرم (ص) معلم همه بشر است و بعد از او، حضرت امير (ع) باز هم معلم بشر است.معلم، امانت داري است كه غير از همه امانت ها، انسان، امانت اوست.

از بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) درباره شهید مطهری

حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یك انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یك بصیرت كامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور كرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او كرد؛ در واقع او را زنده نگهداشت؛ «بل احیاء عند ربّهم» یك متخرّج و تحصیلكردهی حوزهی علمیهی قم، وقتی با كولهبار معرفت و دانشی كه به طور عمیق آموخته است، میآید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار میگیرد، اینقدر منشأ بركات میشود...۱۴/ ۰۲/ ۱۳۹۰ آن چه در سخنان رهبری در مورد استاد قابل تأمل می نماید، این نكته است كه شهید مطهری در زمینه مسائل فكری، سه خصوصیت مهم داشت؛ اولاً آدمی قوی الفكر و متفكری حقیقی بود؛ ثانیاً در ارائه و اشاعه مبانی فكری، هیچ قصدی جز ترویج دین، ترویج حق و مبارزه با باطل نداشت و خصوصیت سوم وی، پركاری و خستگی ناپذیری بود.

یادداشت‌برداری شهید مطهری از موضوعات مهم

شهید مطهّری خیلی خصوصیّات ممتازی داشت لكن به نظر من شاخصه‌ی شخصیّت او معلّمی بود؛ معلّم بود؛ در حوزه معلّم بود، در دانشگاه معلّم بود، در محیط زندگی معمولی هم معلّم بود، سخنرانی‌های او هم تعلیم بود، درس بود؛ چون با اخلاص بود، چون با اجتهاد بود؛ یعنی با تلاش. بنده نمونه‌های تلاش علمی این بزرگوار را از نزدیك دیده بودم.

برای هر موضوعی یادداشت‌هایی داشت؛ در هرجا یک نکته‌ای مشاهده می‌کرد، آن را فوراً برمی‌داشت یادداشت می‌کرد و در یک جای مشخّصی می‌گذاشت. ایشان به من نشان داده بود پاکت‌هایی را که درباره‌ی موضوعات مختلف در اینها یادداشت کرده بود. من همان‌وقت تعجّب می‌کردم چه حوصله‌ای، چه نشاطی، چه پیگیری و تلاشی! خب، نتیجه این است که امروز ۳۵ سال از شهادت این مرد می‌گذرد، [امّا] کتاب‌های او و حرفهای او همچنان زنده است.بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۶/۰۲/۱۳۹۴

اگر بخواهید این هویت را به صورت کامل برای خودتان تأمین کنید و حفظ کنید، و ان‌شاءالله کسانی که در آینده به شما ملحق خواهند شد در نسلهای بعدی، همین‌طور این شجره‌ی طیبه و این جریان مقدس ادامه پیدا کند، بایستی پایه‌های معارف را در دلهاتان مستحکم کنید. من توصیه میکنم در زمینه‌ی مسائل دینی، جوانها از معارف بلندی که جزو بهترین آنها آثار شهید مطهری است، حتماً استفاده کنند. شعارها خیلی خوب است، جهتگیری‌ها خیلی خوب است؛ بایستی به این جهتگیری‌ها و به این شعارها عمق داد. جوانها از کتابهای شهید مطهری استفاده کنید،۱۴/۲/۸۷

در ابتدا، یک جمله در باب این شهید بزرگوار بگویم؛ چون مسأله‌ی عالم متفکر فیلسوف یگانه‌ی ما مرحوم آیهالله مطهری (رضوان‌الله تعالی علیه) مسأله‌ی یک یاد خشک و خالی نیست که کسی زحمتی می‌کشد و از دنیا می‌رود، یا زحمتی می‌کشد و شهید می‌شود و ما لازم است که از او یاد کنیم و شکرانه‌ی زحمات او را بداریم؛ بلکه مسأله، مسأله‌ی یک جریان فکری در جامعه‌ی ماست که هرچه می‌گذرد، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند.


کتابت خطی شهید ـ ناصر کاوه



در این عرصه [تعلیم و تربیت] یک جنگ بزرگی وجود دارد؛ عزیزان من، جوان های هوشمند و پرانگیزه و مؤمن که در این مجموعه جمع شده‌اید، و همه کسانی که در مجموعه تعلیم و تربیت می‌خواهند نقش ایفا کنند، این جنگ را جدی بگیرید.

رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

در زمان حیات آن شهید، کسانی که او را می‌شناختند، زیاد نبودند و کسانی که به عمق برجستگی و نورانیت فکری او آشنا بودند، باز هم کمتر بودند؛ اما امروز در محیط ذهنی انقلاب، جریان فکری شهید مطهری، جریان ممتازی است. این کتابها و مباحث و گفتارهایی که آن عالم دلسوز و مؤید من عندالله، به آنها پرداخته است چه مباحث اجتماعی، چه مباحث فکری، چه مباحث عمومی و چه مباحث فلسفی خاص یکایک آنها، برای جامعه لازم و حیاتی است. البته از این کتابها، همه نمی‌توانند استفاده کنند سطح خاصی دارد. اما می‌شود کاری کرد که از این مطالب، همه‌ی جامعه و جوانان ما استفاده کنند.

باید روی افکار شهید مطهری، کار فکری بشود. یعنی جمعی اهل تحقیق و علاقه‌مند به کار علمی، بنشینند و نظرات و تفکرات شهید مطهری را در ابواب مختلف استخراج کنند. مثلاً از مجموع آثار ایشان، نظر آن شهید را در باب وجود، در باب انسان، در باب اختیار، در باب عدالت، در باب تاریخ، در باب قضا و قدر، در باب عرفان و درباره‌ی موضوعات بی‌شمار و متنوعی که ایشان در مباحثشان مطرح کرده‌اند، استخراج کنند. اگر نظرات مختلفی در طول زمان داشته‌اند، مثلاً در یک دوره در مسأله‌یی، این نظر را داشته و سپس در چند سال بعد، نظر ایشان تغییر کرده، آن را در این کتاب مشخص کنند و روی آن کار نمایند. این، راه گسترش و پیشرفت و شکوفایی فکری جامعه بر مبنای آثار شهید مطهری است که امیدواریم این کار انجام بگیرد و در وضع کنونی، همه‌ی قشرها مسؤولیت خودشان را در قبال این حرکت عظیمی که جامعه‌ی ما به آن سرگرم است، پیدا کنند و آن را بخوبی انجام دهند.۱۲/۲/۶۹

جناب آقای جعفری فرمودند که مرحوم شهید مطهری (رضوان‌الله‌علیه) در میدان مبارزه‌ی با افکار التقاطی فعال بود؛ حقیقتاً هم پهلوانِ این میدان بود؛ اما شهید مطهری چرا موفق

شد؟ چرا این اثر عمیق و گسترده را از جهت ایجابی و سلبی در جامعه‌ی فکری ما گذاشت؟ چون برای آماده‌سازی خود، تلاش فراوان علمی کرده بود؛ بعد هم برای خرج کردنِ این ذخیره‌ی علمی، به هیچ‌وجه سستی و کوتاهی نکرده بود. مرحوم مطهری آرام نداشت؛ مرتب مشغول یادداشت کردن، تنظیم یادداشت، مرتب کردن سخنرانی‌هایی که خود او انجام داده بود، به‌دست آوردن شوائب گوناگون و نوبه‌نو در زمینه‌های فکر و اندیشه‌ی مذهبی و دینی، و پاسخگویی به انحرافات بود. در این مرد اصلاً تنبلی وجود نداشت؛ لذا با آن ذخیره‌ی علمی و کارآمدیِ عملی توانست اثر بگذارد.

امروز ما حقیقتاً ریزه‌خوار سفره‌ی انعام فکر شهید مطهری هستیم در این هیچ تردیدی نیست و فضای فکری جامعه همچنان مرهون فکر او در زمینه‌های گوناگون، چه در زمینه‌های فلسفی، چه در زمینه‌های اجتماعیِ دینی، و چه در زمینه‌های سیاسیِ دینی است. ما امروز به ایشان احتیاج داریم؛ ولی آن هم بازِ کافی نیست. خیلی از حرف‌ها جدیدتر و تازه‌تر است؛ خیلی از شائبه‌ها و اشکالات و شبهات بعد از حرف‌های شهید مطهری به‌وجود آمده؛ باید برای اینها آماده‌ی پاسخ بود؛ لذا حوزه‌های علمیه وظیفه‌ی سنگینی برعهده دارند.

امروز روحانیون در بخش‌های گوناگون حضور دارند، که در گذشته امکان حضور آنها نبود مثل اداره‌ها، کارخانه‌ها، پادگان‌ها و دانشگاه‌ها بنابراین باید متاع قابل عرضه‌یی آماده کرد و به اینها داد. خوشبختانه در معارف اسلامیِ ما متاع قابل عرضه‌ی ارزشمندِ دارای زایندگی از لحاظ معرفتیِ، فراوان است. اگر کتابهای آقای مطهری مورد مطالعه و مداقه قرار بگیرد، انبوهی از معارف را به ذهن و دل هر خواننده سرازیر می‌کند؛ اینها مهم و لازم است.۱۱/۲/۸۴

انتظار فرج

انتظار فرج داشتن یعنی
انتظار در رکاب امام بودن
و جنگیدن و امیال انسپیدشدن
یعنی آرزوی واقعی و حقیقی،
مجاهد بودن در راه حق،
نه آرزوی اینکه تو برو
کارها را انجام بده، بعد که
همه کارها انجام شد و نوبت
استفاده و بهره گیری شد
آن وقت من می آیم!
مانند قوم موسی که
اصحاب پیغمبر گفتند:
یا رسول الله! ما مانند
قوم موسی نیستیم.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



فرصتی برای خویشتن
ی خدادادی، خودسازی،
وسوسه‌های شیطانی،
ذخیره‌سازی نیروهای
ی انسانیت و شرافت
ش‌های متعالی است.

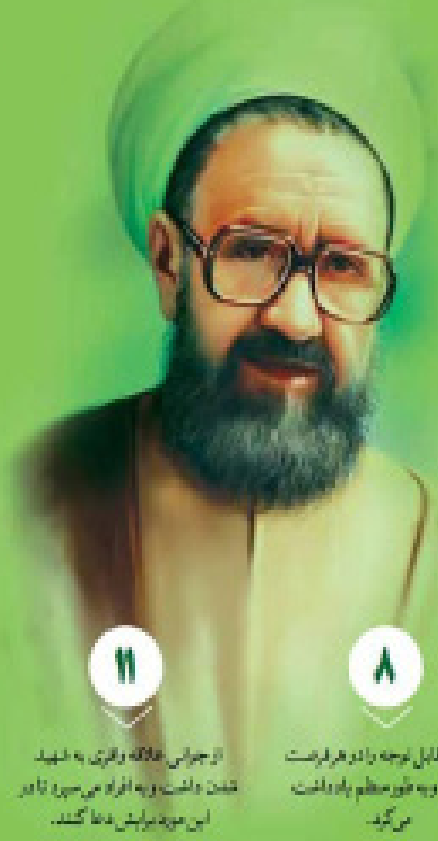
چهل‌چراغ حکمت/دفتر۳۷/صفحه۹۱

یاد شهید عزیزمان، معلم برجسته و همیشه زنده و پایدارمان، مرحوم شهید مطهری را باید گرامی بداریم. من عرض بکنم؛ اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پرمغز و پرمضمونی دارد؛ چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگه داشت؛ «بل احیاء عند ربّهم».(۱) یک متخرّج و تحصیلکرده‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، وقتی با کوله‌بار معرفت و دانشی که به طور عمیق آموخته است، می‌آید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار میگیرد، اینقدر منشأ برکات میشود.۱۴/۲/۹۰

این جمله را هم درباره‌ی شهید بزرگوارمان مرحوم آیهالله مطهری (رضوان الله تعالی علیه) عرض کنیم: حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان‌دهنده و نمایشگر یک معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هائی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سؤالهای گوناگونی که در آن دوره ذهن جوانهای ما را به خود مشغول کرده بود، شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنفکری دینی نبود که مطالب اجنبیِ از منطق دین و محتوای دین را با لعاب دینی و قالب دینیِ عرضه کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقابل، مفاهیم حقیقی دینی را در بسته‌بندی‌های متناسب روز و متناسب با سؤال و نیاز و استفهام مخاطبین عرضه میکرد. دنبال این نبود که یک دسته‌ی خاصی، یک گروه خاصی، یک مجموعه‌ی فکری خاصی

بیست ویژگی اخلاقی

استاد شهید مرتضی مطهری



۱
همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می‌کرد.

۲
به طهارت علاقه وافر داشت و گاه ساعت‌ها در نقاط باصفا می‌نشست و فکر می‌کرد.

۳
نماز شب را همیشه به جا می‌داشت.

۴
در حین بیان مطالب علمی، آنچنان بود که از اطراف غافل می‌شد.

۵
شب‌ها قبل از خواب، مقدور بیست دقیقه قرآن می‌خواند.

۶
نسبت به انجام فرائض فرزندان، نظارت دقیق داشت.

۷
به دست‌گیری های خداوند ایمان داشت و در شرایطی که دشمنانش کار را بر او سخت می‌کردند، صبور و امیدوار به امدادهای الهی بود.

۸
مطالب قابل توجه را در هر فرصت مناسب و به طور منظم یادداشت می‌کرد.

۹
در خانه به کتاب‌هایی که مطالعه می‌کرد، عنوان یا خلاصه مطالب و یا اشکالات وارده را می‌نوشت.

۱۰
از شهرت و مریدپروری گریزان بود.

۱۱
از جریانی علاقه وافری به شهید شدن داشت و به افراد می‌سپرد تا در این مورد نیایش دعا کنند.

۱۲
برای پدر و مادر و اساتید خود احترام و صف‌ناپذیری قائل بود.

۱۳
صدای گریه بلند او هنگام خواندن روضه سیدالشهداء(ع)، مناجات شبانه و فوت پدر و مادر شنیده و مشاهده می‌شد.

۱۴
بعد از نماز مغرب و عشا، سجده های طولانی داشت.

۱۵
در برخورد با انحرافات فکری، از جو حاکم بر اجتماع و اقتضای عدالت، دور نماند، اگر می‌شکست و گاه با دوستان نزدیک خود نیز در بیان حق درنگ نمی‌کرد.

۱۶
محاسن خود را خضاب می‌کرد.

۱۷
از تظاهر - چه در امور عبادی و چه در امور اجتماعی و سیاسی - به شدت پرهیز داشت.

۱۸
بسیار متین و با وقار بود و در عین حال، در عبارات لطیف و نکته‌پرداز بود.

۱۹
عبارت «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ... إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا» را در خلوت و هنگام فکر کردن، زیاد قرائت می‌کرد.

۲۰
به فقرا و مستمندان کمک می‌کرد به طوری که برخی مواقع آن، بعد از شهادتش آشکار شد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

او را تحسین کنند. با واپسگرائی و عقب‌ماندگی فکری و ارتجاع و تحجر و غلط اندیشیدن در زمینه‌ی دین که ناشی از تحجر و واپسگرائی است همان قدر و با همان شدت برخورد کرد که با بدعتها و افکار انحرافی و افکار التقاطی. این، خصوصیت آن مرد بزرگ بود. او خسته نشد؛ تلاش دائمی میکرد.

دنبال نام و تیتر و عنوان متعارف دانشگاهی و حوزه‌ای هم نماند. به عنوان یک رزمنده‌ی عرصه‌ی فکر و تأمل، وارد میدان شد. با اخلاص کار کرد، خدای متعال هم به کار او برکت داد. امروز بعد از سی سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرفهای او تازه است، زنده است؛ گویا برای امروز نوشته شده است.

آن روز هم کسانی در سطوح مختلف فکری، از سخن او و فکر او استفاده میکردند، پاسخ خودشان را میگرفتند؛ امروز هم که افکار جلو رفته است، مسائل بسیاری برای ذهنهای جستجوگر حل شده است، باز به سؤالات جدید پاسخگو است. این، خاصیت یک فکر عمیقِ همراه با اخلاص است.۱۵/۲/۸۹

لازم است در آغاز عرایض، تجلیل کنیم، تکریم کنیم از یاد شهید بزرگوارمان، شهید مطهری؛ چون این بزرگوار، معلم بود؛ معلمی برای همه‌ی سطوح، با عملکرد نافذ و ماندگار. صحت عمل او هم با خون او امضاء شد. نام این بزرگوار بر روی یادبود تجلیل از معلمان کشور قرار دارد، و این یک کار شایسته‌ای است؛ رحمت خدا بر آن بزرگوار.۱۳/۲/۹۱

از خداوند متعال علو درجات شهید بزرگ انقلاب ◻ مرحوم آیت الله شهید مطهری ◻ را مسألت می کنم که حقاً و انصافاً برای دیروز و امروز و فردای کشور معلم بزرگی بود؛ یک متفکر دین

تمثیل حضرت رسول در مورد
سواران که یکی جایگاه خو
عذر این که به من تعلق دارد
می‌کرد و سبب غرق همه
بهترین مثال است برای
مسئولیت مشترک ناشی از
مشترک است.



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

شناسِ مؤمنِ بااخلاص و پُرکار. معلمی و کارگری به معنای گسترده، در زیباترین شکل آن در این شخصیت عظیم انقلاب متجلی و متبلور بود.۱۲/۲/۸۳

گزیده بیانات رهبر انقلاب درباره طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری

من کار را بسیار ذی‌قیمت می‌دانم. اولاً خود شما جوانهای اهل فضل و تحقیق و دارای ایمان و انگیزه و علاقه‌ی وافر و نیروی جوانی این کار را شروع کرده‌اید؛ این خیلی با اهمیت و با ارزش است. از هر جا شروع کرده باشید، ما فکر می‌کنیم آینده‌ی خیلی خوبی خواهد داشت. نیروی جوانی و شوق و شور و عشق موجود در جوانها اگر با ایمان عمیق و راسخی همراه شود، می‌تواند منشأ آثار بسیار با ارزشی باشد. بنابراین شما که این کار را شروع کرده‌اید، در خور قدردانی است و یقیناً کار با ارزشی است.

توصیه می‌کنم کار را جدی بگیرید و دنبال کنید. مرحوم شهید مطهری مرد بسیار عمیق و با فکر و پُر مغزی بود؛ ایشان از دانشهای لازم برای این تحقیقات برخوردار بود؛ فلسفه می‌دانست، کلام می‌دانست، فقه می‌دانست، تاریخ می‌دانست. ایشان در هر بحثی وارد می‌شد، زوایای آن را کاوش می‌کرد؛ بنابراین آثار ایشان خیلی با ارزش است. من یك وقت به دوستان طلبه می‌گفتم: اگر کسی فقط آثار ایشان را از اول تا آخر با دقت بخواند، کافی است که او را به یك سطح راقی از معارف عمیق اسلامی برساند. شما که اینها را تلخیص کرده‌اید و برنامه‌ریزی شده و شکل داده شده ارائه می‌دهید، خوب و بسیار با ارزش است.
دیدار مسئولان و اساتید طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری
۱۴/۶/۱۳۷۹

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



شهید مرتضی مطهری:

اولین سوالی که بعد از مُردن از مامی‌کنند همین است که در زمینه همبستگی اسلامی چه کردید؟ پیغمبر فرمود: هر کس بشنود صدای مسلمانی را که فریاد می‌کند یاللمسلمین مسلمانان به فریاد من برسید، و او را کمک نکنددیگر مسلمان نیست ، من او را مسلمان نمی‌دانم.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ (شهید مطهری)، نشاندهنده و نمایشگر یک معلم کامل و با احساس مسؤولیت بود. در هیچ عرصهای از عرصههائی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینههای سیاسی، چه در زمینههای فکری. در زمینهی پاسخ به سؤالهای گوناگونی که در آن دوره ذهن جوانهای ما را به خود مشغول کرده بود،

شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنفکری دینی نبود که مطالب اجنبیِ از منطق دین و محتوای دین را با لعاب دینی و قالب دینی عرضه کند؛ بلکه درست نقطهی مقابل، مفاهیم حقیقی دینی را در بسته بندی های متناسب روز و متناسب با سؤال و نیاز و استفهام مخاطبین عرضه میکرد. دنبال این نبود که یک دسته ی خاصی، یک گروه خاصی، یک مجموعهی فکری خاصی او را تحسین کنند.

با واپسگرائی و عقبماندگی فکری و ارتجاع و تحجر و غلط اندیشیدن در زمینهی دین- که ناشی از تحجر و واپسگرائی است- همان قدر و با همان شدت برخورد کرد که با بدعتها و افکار انحرافی و افکار التقاطی. این، خصوصیت آن مرد بزرگ بود. او خسته نشد؛ تلاش دائمی میکرد. دنبال نام و تیتر و عنوان متعارف دانشگاهی و حوزهای هم نماند. به عنوان یک رزمندهی عرصهی فکر و تأمل، وارد میدان شد. با اخلاص کار کرد، خدای متعال هم به کار او برکت داد. امروز بعد از سی سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرفهای او تازه است، زنده است؛ گویا برای امروز نوشته شده است.

امام خامنه ای (مدظله العالی) ـ ۱۵/۰۲/۱۳۸۹

امام و ایمان

رهبر انقلاب اسلامی درسی و چهارمین سالگ
نقل کردند و گفتند: شهید مطهّری (رضوان
بود؛ او در مقابل ایمانِ امام اظهار حیرت و ش

روایت شهید مطهری از ملاقات با امام در پاریس



۰۱



• **ایمان به هدف**

هدف امام اسلام بود.

۰۲



• **ایمان به مردم**

همان چیزی که خداوند متعال درباره پیغمبر میفرماید یُؤمِنُ بِاللهِ و یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ردارتحال حضرت امام(۱۴۰۲/۳/۱۴) خاطره‌ای از شهید مطهری درباره ابعاد ایمان امام خمینی
الله تعالی علیه) در پاریس یک ملاقاتی با امام کرده بود ـ خود شهید مطهّری کوه ایمان
گفتی میکرد ـ ایشان بعد از برگشتن گفت که من چهار ایمان در امام مشاهده کردم:

KHAMENEI.IR



۰۳

• **ایمان به راه**

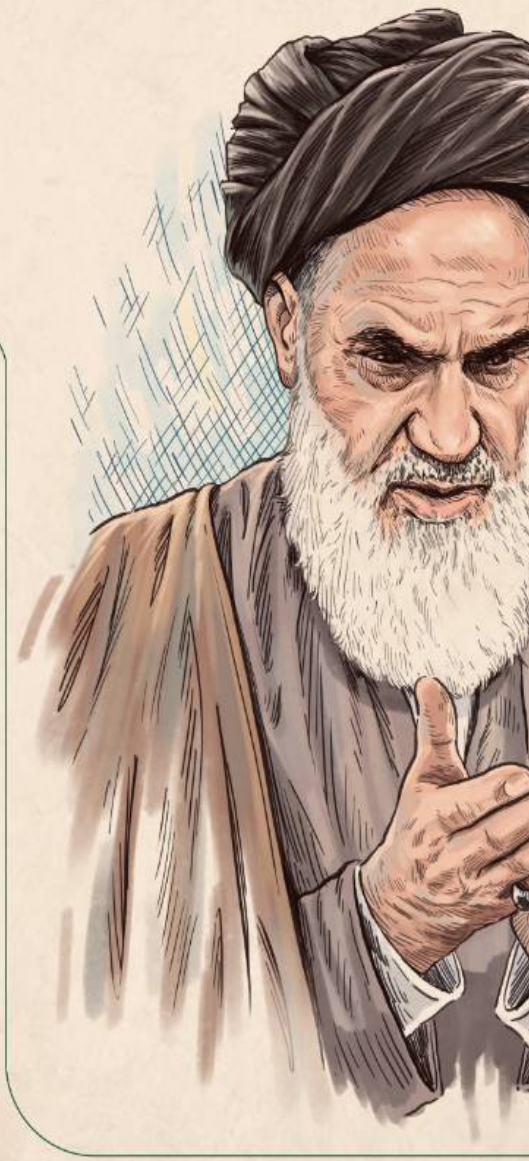
راه امام راه مبارزه بود.



۰۴

• **ایمان به خدا**

از همه بالاتر ایمان به خدا است که در مسئله مبارزه با استکبار به معنای ایمان به وعده‌های الهی است.



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

زندگینامه شهید مرتضی مطهری

بهمن سال ۱۲۹۸ هجری شمسی در قریه فریمان از توابع مشهد متولد شد پدرش شیخ حسین مطهری مردی بااخلاق و تقوا بود.وی در سنین کودکی به مکتب خانه رفته و به فراگیری قرآن و تعلیمات ابتدایی می پردازد.در ۵ سالگی علاقه زیادی به رفتن به مکتب خانه از خود نشان می داد به طوری که در یک شب مهتابی.به خیال اینکه صبح شده به سوی مکتبخانه روانه می شود و چون درب مکتب خانه بسته بود.پشت درب به خواب می رود.

در سنین ۱۲ سالگی میل و علاقهاش به اسلام و علوم دینی او را به سوی حوزه کشاند به ویژه در روزگاری که استبداد رضا خانی عرصه را بر روحانیون تنگ کرده بود.همه اقوام به جز پدر و دایی ایشان با روحانی شدنشان مخالف بودند و می گفتند تو با این استعدادت باید«اداری»بشوی چون در آن زمان کار در ادارات بالاترین شغل بود.در سال ۱۳۱۱ شمسی به حوزه علمیه مشهد عزیمت نمود و تحصیل مقدمات علوم دینی را آغاز کرد. در همان آغاز اندیشه های مربوط به خداشناسی سخت او را به خود مشغول می دارد به طوری که هدف او از خواندن مقدمات عربی.فقهی اصولی و منطقی تنها این بود که بتواند آراء فیلسوفان بزرگ را درک نماید.

عزیمت به قم

استاد پس از حدود چهار سال تحصیل در حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۱۵ شمسی عازم قم گردید و طی پانزده سال اقامت در حوزه علمیه قم از محضر بزرگانی همچون آیت الله بروجردی،آیت الله امام خمینی،عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی و علامه طباطبایی استفاده نمود استاد مطهری در مورد تفسیر المیزان گفته است که«تفسیر المیزان ایشان یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است...من می توانم

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ادعا کنم که بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است»

ارتباط با فداییان اسلام
شهید مطهری در عین جدیت در تحصیل.از مسایل اجتماعی و سیاسی غافل نبود.علی دوانی می گوید:استاد شهید مطهری با فداییان اسلام و افکارشان هماهنگ بود.بارها از نواب می شنیدم که با احترام از آقای مطهری یاد می کرد و از احوال او جویا می شد یا مطلبی را از وی نقل می کرد که بیشتر جنبه راهنمایی و نصیحت داشت.

برخی از طلاب حوزه به تحریک اطرافیان آقای بروجردی به جمعیت فدائیان اسلام در مدرسه فیضیه حمله کرده و آن ها را مضروب ساختند.شهید مطهری به دیدن آن ها رفت و پس از شنیدن گله های آنان از آقای بروجردی گفت:آقای نواب ببینید برادر!کوتاهی از خود شما شد.تصدیق کنید که شما آقایان خیلی عصبانی هستید با خشم و عصبانیت که نمی شود کارکرد چرا شما کاری بکنید که به اینجا برسد؟ نباید با آقای بروجردی طرف شوید.وظیفه ندارید.واحدی و آقا سید هاشم ساکت بودند نواب سخنان شهید مطهری را تصدیق می کرد..بعدها در اثر نصایح شهید مطهری نسبت به آقای بروجردی نرم تر شدند

مهاجرت به تهران
در سال ۱۳۳۱ استاد مطهری به تهران مهاجرت نمود و فعالیت علمی اش را آغاز کرد و در مدرسه سپهسالار به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۲ کتاب اصول فلسفه جلد اول را شرح و پاورقی زدند.احسان طبری ایدئولوگ حزب توده که در اواخر عمر خود مارکسیسم را مردود اعلام کرد و به اسلام گرایش پیدا کرد در مصاحبه ای این تغییر ایدئولوژی خود را در نتیجه مطالعه آثار شهید مطهری خصوصاً اصول فلسفه و روش رئالیسم دانست.


کتاب مطهری شهید ـ ناصر ک

شهید در سال ۱۳۳٤ فعالیت علمی خود را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی شروع نمود و به مدت ۲۲ سال ادامه یافت. مرحوم راشد ممتحن دانشکده الهیات پس از تصحیح ورقه استاد گفته بود اگر نمره ای بالاتر از ۲۰ بود به این ورقه می دادم. استاد کتاب داستان و راستان را در سال ۱۳۳۹ نوشت و در

سال ۱۳٤٤ از سوی کمیسیون ملی یونسکو در ایران برنده جایزهء یونسکو گردید.در این سال ها استاد با انجمن اسلامی مهندسین.انجمن اسلامی پزشکان و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ارتباط پیدا کرد و برای آن ها جلسات درس و سخنرانی تشکیل داد در همین دوران با آیت ا...طالقانی و مهندس بازرگان همکاری داشت.

قیام ۱۵ خرداد
استاد در اثر روابط زیادی که با مردم و اقشار مختلف تهران داشت در قیام ۱۵ خرداد نقش اساسی ایفا نمود و در شب پانزده خرداد سخنرانی مهیجی علیه شخص شاه ایراد کرد که در نتیجه دستگیر و به زندان افتاد.
آقای هاشمی رفسنجانی می گوید:من و بعضی دوستان دیگر می دانیم که شهید مطهری چه نقش عظیمی در حوادث محرم ٤۲ که منجر به انقلاب ۱۵ خرداد یا ۱۲ محرم شد داشتند که بخش ناچیزی از آنرا رژیم فهمیده بود.

همکاری با هیأت های مؤتلفه اسلامی
بعد از قضایای ۱۵ خرداد.عده ای از متدینین و نیروهای مخلص هیأت ها را برای یاری نهضت امام تشکیل دادند آنان از امام خواستند چند نفر نماینده را برای راهنمایی فکی و عملی آن ها مشخص کند.امام استاد مطهری را معرفی نمودند استاد تأکید داشت که این هیأت ها از نظر فکری و آشنایی با معارف اسلامی ساخته شوند و به همین جهت درس هایی را برای آن ها دایر



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

نمود که کتاب انسان و سرنوشت محصول آن بحث ها است.
در سال ۱۳۴۳ حسنعلی منصور نخست وزیر وقت که به روحانیت هتاکی می کرد توسط بخارایی از اعضای این هیأت ها کشته می شود و بخارایی در درس های استاد شرکت می کرد و در دادگاه اسم ایشان را بردند و به صورت خارق العاده ای استاد نجات می یابند

شیوه مبارزه و تقیه ای استاد
استاد در جمع هیأت مؤتلفه گفت:«چون فشار و اختناق بسیار زیاد است و سازمان امنیت مانع می تراشد و مانع پیشرفت کار می شود باید دو جبهه را سازمان دهیم:یک جبهه در جلو و آشکار و دیگری پشت جبهه که کارش مدد دادن و فکر کردن و ایده دادن به کسانی باشد که در صحنه هستند...»پس از اعلام نتیجه به امام ایشان فرمودند: «مردم ما هنوز اسلام را نمی شناسند...»پس از ۱۵ خرداد و سرکوب مردم و تبعید امام،مطهری دید که ایدئولوژی مدونی برای حکومت مهیا نشده است نه مردم از اسلام راستین اطلاع دارند و نه تعداد افراد کافی متدین و متخصّص برای اداره کشور لذا شهید مطهری بیشتر و بهتر از دیگران از عهده این کار برآمد.
در سال ۱۳۴۵ مقاله ای در مجله زن روز بر ضد حقوق زن در اسلام منتشر شد.شهید مقالاتی در پاسخ به آن ها نوشتند که بعدها آن مقالات به صورت نظام حقوق زن در اسلام درآمد.

تأسیس حسینیه ارشاد
استاد مطهری در سال ۱۳۴۶ با همکاری محمد همایون و حجت الا سلام شاهچراقی و ناصر میانجی حسینیه ارشاد را بنیاد گذاشتند.هدف شهید کار عمیق فرهنگی و آشناسازی نسل جوان را با اسلام راستین بود ولی در اثر شیطنت های ناصر میناچی. استاد مجبور به استعفا شد و سرانجام سال ۱۳۵۰ از سوی رژیم شاه تعطیل شد.

در سال ۴۸ کتاب مسأله حجاب را در انجمن اسلامی پزشکان به صورت سخنرانی القا کرد.
استاد حمایت زیادی از مردم مظلوم فلسطین و مبارزه با صهیونیسم در ایران نمود.در سال ۴۸ سخنرانی تندی بر علیه اسراییل نمود که منجر به دستگیری او گردید و در همین راستا استاد مطهری و مرحوم علامه طباطبایی و سید ابوالفضل زنجانی حسابی را جهت جمع آوری اعانه برای مردم فلسطین کردند.در سال ۱۳۴۹ سخنرانی تحت عنوان احیای تفکر اسلامی در حسینیه ارشاد نمود که به دستگیری او منجر گردید.

مسجد الجواد
پس از تعطیلی حسینه ارشاد پایگاه استاد به مسجد الجواد منتقل گردید و اداره این مسجد که دارای یک تالار تبلیغ نیز بود و هست به عهده استاد بود...
استاد در سال ۱۳۵۴ ممنوع المنبر گردید.در این سال ها تا آغاز دوره جدید نهضت به تألیف کتاب و تبلیغ و تشکیل جلسات فلسفه،اقتصاد،فلسفه تاریخ.مسأله حکومت و.. در حوزه علمیه قم پرداخت.
در سال ۱۳۵۵ به دنبال درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات که در سر کلاس های درس تبلیغات ضد دینی می کرد و استاد شهید بارها به او تذکر داده و او را دعوت به مناظره به جای تبلیغ در سر کلاس کرده بود.رژیم که به دنبال فرصتی برای اخراج استاد از دانشگاه بود.ایشان را بازنشسته کرد

ایشان در دانشکده الهیات خدمات فراوانی انجام داد و بیشتر در دوره لیسانس تدریس می کرد هرچند صلاحیت بیشتر هم داشت تعداد ۲۲ رساله و ۲۰ رساله فوق لیسانس به راهنمایی و همکاری استاد تدوین گردید از افراد مشهوری که رساله دکترای خود را تحت نظر استاد شهید نوشتند می توان از شهید بهشتی و شهید باهنر نام برد.

ارتباط او با امام بسیار مستحکم بود در سال ۱۳۵۵ استاد به نجف رفت و با امام در مورد حوزه قم و مسایل نهضت اسلامی گفتگو کرد،استاد در سال ۱۳۵۵«جامعه روحانیت مبارز تهران»را با همکاری چند تن از دوستان روحانی بنیان گذاری کرد.

نقش استاد در دوره جدید نهضت
۱.رابطه این امام و سایر مراجع او هرگز به خاطر عشق به امام مراجع دیگر را تحقیر نمی کرد،استاد شهید در حوادث ۲۹ بهمن تبریزچهلم شهدای قمآیت ا..شریعتمداری را تحریک کرده و ایشان اطلاعیه ای صادر کردند که حتی گفته می شود متن آن توسط استاد مهیا شده بود.

۲-ارتباط با امام در پاریس.وقتی امام به پارس هجرت کرد استاد ارتباط فراوانی با او داشتند.آقای هاشمی می گوید:مرکز هدایت انقلاب در داخل کشور و هماهنگی آن با رهبری حضرت امام.منزل استاد مطهری بود.

۳-طرح اقتصادی بعد از اعتصاب کارکنان صنعت نفت و کمبود شدید مواد سوختنی در داخل منزل آقای مطهری پیشنهاد شد و افرادی به جنوب فرستاده شدند.
٤-استاد سعی داشت تا از انحراف نهضت و بهره برداری منافقین خلق و دیگران جلوگیری کند خطری که در مشروطه هم تکرار شد نمونه.مراسمی که پیش از انقلاب از سوی جامعه روحانیت مبارز تهران در تجلیل از شهدای نهضت در بهشت زهرا برگزار شده بود در جمعیت بانوان.آرم منافقین مشاهده شد تنها استاد مطهری بود که قاطعانه نظر داد که این آرم باید پایین بیاید و خود شخصاً این کار را انجام داد. آقای مطهری به پاریس سفر کرد و با امام دیدار کرد و در همین سفر استاد شهید از سوی امام مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی گردید.
زمانی که دولت بختیار مانع ورود حضرت امام به کشور شده

شهید مطهری:

انقلاب اسلامی ایران تنها علیه استبداد سیاسی یا استعمار سیاسی یا اقتصادی نبود، بازگشت به هویت اسلامی و خود واقعی و روح جمعی این مردم بود یعنی قرآن .

آینده انقلاب اسلامی ایران /ص۲۴۷

گنجینه مطهری ـ تقدیم به ناصر گاوه



بود استاد مطهری در صف مقدم روحانیون متحصن در دانشگاه تهران حضور داشت.
وقتی امام می خواستند به ایران برگردند احمد آقا از فرانسه تماس گرفتند و به شهید مطهری مسأله را بیان کردند ایشان سران جمعیت مؤتلفه را جمع کرد و ساعت ٤ صبح جلسه گرفتند و خود استاد شخصاً ریاست کمیته استقبال را بر عهده گرفتند
آقای ناطق نوری در مصاحبه تلویزیونی گفت:اخباری که از تهران به اقامتگاه امام در پاریس داده می شد امام به این اخبار اطمینان پیدا نمی کردند مگر آنگاه که از سوی استاد مطهری تأیید می شد.حضرت امام در بدو ورود به ایران به مدرسه رفاه رفتند ولی در آنجا زمانی پایگاه هواداری سازمان مجاهدین خلق ایران بود.استاد مطهری پیشنهاد کردند که حضرت امام به مدرسه علوی منتقل شود که این کار علی رغم مخالفت برخی افراد انجام شد.

پس از پیروزی انقلاب
استاد پس از پیروزی همچون مشاوری دلسوز و مورد اعتماد امام بودند.او افراد و روحی ات آن ها را خوب می شناخت به عنوان نمونه می خواستند مسئولیت کمیته انقلاب را به آقای لاهوتی بدهند که آقای مطهری مخالفت کرد و با امام صحبت کردند و امام قبول کردند و آقای مهدوی کنی را به ریاست کمیته انتخاب کردند.
مدیریت مدرسه عالی سپهسالار را به آقای امامی کاشانی پیشنهاد کردند که از سوی امام پذیرفته شد.
استاد از اینکه آیت ا...طالقانی به خاطر منافقین قهر کرده و به کرج رفته اند بسیار ناراحت بود.
سران منافقین در فروردین سال ۵۸ با امام ملاقات کرده و عکس نیز گرفته بودند وقتی او از داستان مطلع می شوند اعضای دفتر امام را مورد عتاب قرار می دهند که چرا اجازه

چنین کاری را دادی.این ها سوء استفاده می کنند سپس دور بیت را گرفته و فیلم آنرا زیر پا می گذارند.
در اول پیروزی انقلاب اسلامی یاسر عرفات برای بازدید
از ایران به تهران آمده و در مدرسه علوی اقامتگاه حضرت امام حضور یافته بود وی بسیار اصرار کرد که عکسی با استاد مطهری بگیرد اما استاد به هیچوجه حاضر به این کار نشد.
شهادت
استاد مطهری در روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ ساعت ده و بیست دقیقه شب توسط گروهک جنایتکار فرقان به شهادت رسید.
فرقان اطلاعیه ای صادر کرد که خیانت شخص مرتضی مطهری در به انحراف کشاندن انقلاب توده های خلق بر همه روشن بود لذا اعلام انقلابی نام برده انجام پذیرفت.
پیکر او به دستور حضرت امام به قم منتقل شد و در حرم به خاک سپرده شد و آیت ا...العظمی گلپایگانی بر او نماز گذارد.

شهید مطهری از نگاه شخصیت های بزرگ

۱-امام خمینی:
مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود مفت و به ملا اعلی پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود. «(۱۷)»
«...تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن بی نظیر بود.»

۲-علامه طباطبایی ره
به یاد یک شخصیت علمی و فلسفی که با درگذشت خود دنیایی را غرق اسف و جهان فضل و دانش را با از میان رفتن خود عزادار نمود...مرحوم مغفور مطهری که دانشمندی بود متفکر و محقق دارای هوش سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع بین. تألیفانی که از خود به یادگار گذاشته و تحقیقاتی که در اطراف

شهید مرتض

حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ (شهید مطهری)، نشان‌دهنده و نمای
عرصه‌هائی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود
بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌ه
جوانهای ما را به خود مشغول کرده بود، شهید مطهری مثل برخی از مدع
دین را با لعاب دینی و قالب دینی عرضه کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقاب
با سؤال و نیاز و استفهام مخاطبین عرضه می‌کرد. دنبال این نبود که یک
را تحسین کنند. با واپسگرائی و عقب‌ماندگی فکری و ارتجاع و تحجر
است– همان قدر و با همان شدت برخورد کرد که با بدعتها و افکار انحر
تلاش دائمی می‌کرد. دنبال نام و تیتر و عنوان متعارف دانشگاهی و حوز
شد. با اخلاص کار کرد، خدای متعال هم به کار او برکت داد. امروز بعد

گویا برای امروز ن

امام خامنه ای (

۰۲/۱۵

...ی مطهری

...یشگر یک معلم کامل و با احساس مسؤولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از ... در آن عرصه خودداری نکرد؛ ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را ...ای فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سؤالهای گوناگونی که در آن دوره ذهن ...عیان روشن‌فکری دینی نبود که مطالب اجنبیِ از منطق دین و محتوای ...ل، مفاهیم حقیقی دینی را در بسته بندی های متناسب روز و متناسب ...ک دسته‌ی خاصی، یک گروه خاصی، یک مجموعه‌ی فکری خاصی او ...ر و غلط اندیشیدن در زمینه‌ی دین– که ناشی از تحجر و واپسگرائی ...رافی و افکار التقاطی. این، خصوصیت آن مرد بزرگ بود. او خسته نشد؛ ...ه‌ای هم نماند. به عنوان یک رزمنده‌ی عرصه‌ی فکر و تأمل، وارد میدان ...از سی سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرفهای او تازه است، زنده است؛ ...وشته شده است.

...(مدظله العالی)

۱۳۸۹/

مقاصد علمی و برهانی نگاشته و در لابلای کتاب هایش به چشم می خورد.اعجاب‌آور.

۳-آیت الله خامنه ای«دام ظله»
آقای مطهری در پیروزی این انقلاب بلکه در به وجود آوردن این انقلاب هم نقش بسیار داشتند...
مرحوم مطهری جزو شخصیت ها و پیش روان کاروان تقریب روحانی و دانشجو بود که با قوت و صلابت شخصیت علمی اش،مخاطبان خودش را متواضع کرده بود.

٤-دکتر سروش
مرحوم مطهری با این دوشریعتی و بازرگانیک تفاوت عمده داشت و آن اینکه آشنایی او با فلسفه شرق و با ریشه های تفکر مشرق زمین،بسیار عمیق تر از این هر دو بود البته یک تفاوت دیگر هم با این ها داشت و آن اینکه به منابع فرهنگی مغرب زمین دسترسی اول نداشت ولی به شهادت همه کسانی که با ایشان در زمینه های فلسفی و فکری کارکرده اند.از طریق همین ترجمه ها و همین آثاری که توسط مترجمین از مغرب زمین به کشور ما رسیده بود چنان خودش را به آن سرچشمه ها نزدیک کرده بود و چنان از درک تیزبینانه و هوشمندانه ای نسبت به آراء دیگران آشنا بود که گاهی تعجب انگیز بود.

٥-آیت ا...مشکینی
ایشان یک اسلامشناس و درک کنندهء اسلام راستین بود و چون عقاید و عمل و اخلاق و روش و فروع را خوب درک می کرد...
قهرا عده ای با مرحوم مطهری مخالفت داشتند و حد اقل سه تیپ با ایشان مخالفند:تیپ اول مادیون ضد الهیون...تیپ دوم آقایان التقاطی...و تیپ سوم ملی گرایان.

آثار شهید مطهری
بیش از شصت اثر جاودان از شهید مطهری به جای مانده است. استاد هفت از نگارش این کتاب ها و مقالاتش را اینگونه بیان می کند:«این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته مقاله یا کتاب نوشته ام تنها چیزی که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار داده ام حلّ مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسایل اسلامی در عصر ما مطرح است...

ویژگی های شهید استادمطهری

با وضو بودن
استاد، خود همواره با وضو در کلاس حضور مییافت و حضورش آن چنان روحانیتی به مجلس میبخشید که مستمع با تمام وجود، معنویت و قداست آن را در مییافت و به نسبت آمادگیاش در جذبههای الهی آن مستغرق میگردید.

قرآنی بودن
یکی از دوستان شهید مطهری رحمه الله میگوید: شهید مطهری قبل از هر چیز شاگرد قرآن کریم بود... روح او روح قرآن بود.

متعبد بودن
ایشان بسیار متعبد بود که نظر قرآن و روایات را اصل بداند... هیچ وقت حاضر نمیشد در نوشته، درس و یا سخنرانی خود، کوچکترین تجاوزی از احکام شرعی؛ یعنی همان احکام که فلسفه آنها روشن نیست داشته باشد.

ما را نبود نظر به خوبی و بدی
مقصود رضای او و خشنودی اوست



شهید استاد م

علت اینکه در د

نامی از حق آزادی نیست، این ن

آزادی معتقد نیستند بلکه آز



مرتضی مطهری

فقه اسلام در میان حقوق
یست که در اسلام به حق
زادی را فوق حق می دانند.

یادداشت های استاد مطهری | ج ۳ ص ۲۴۴

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

تقوا داشتن
از یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه سؤال کردند: فکر میکنید استاد بر اثر چه کارهایی به این حد از وارستگی و اخلاق رسیدند که نمونه شدند؟ شاگرد در پاسخ گفت: تقوا، تقوا و تحقیق براساس انجام وظیفه.

احترام به استاد
ایشان در ضمن درس به استادان خودشان بسیار احترام میگذاشتند. به نام علامه طباطبایی رحمهاللّٰه که میرسیدند، از ایشان با «روحی له الفداأ»(۵) یاد میکردند.

فروتنی
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: ما به منزل ایشان که میرفتیم مثل اینکه با ما رفیق بود. البته گاهی لطف میکردند و به منزل ما میآمدند، ولی اصلاً این مسائل مطرح نبود. یعنی ایشان خود بزرگ بینی نداشت و این اخلاق انسانی خیلی تأثیر داشت و از خصایص فوق العاده ایشان محسوب میشد.و یکی دیگر از شاگردان ایشان میگوید: ایشان برخوردشان بسیار متین و توأم با مهربانی بود. اصولاً استاد مطهری فردی بودند که از هر حیث مؤدب به ادب علمی بودند و برای فضای درس و بحث، همچنین شاگردانشان احترام خاصی قائل میشدند.

توجه به شاگرد
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: ایشان گاهی لطف میکردند به تنهایی و گاهی همراه با خانوادهشان به منزل ما تشریف میآوردند .و یکی دیگر از شاگردان ایشان میگوید: ایشان برخوردشان بسیار متین و توأم با مهربانی بود. اصولاً استاد مطهری فردی بودند که از هر حیث مؤدب به ادب علمی بودند و برای فضای درس و بحث، همچنین شاگردانشان

احتـرام خاصـی قائـل میشـدند.

چشم بگشا و ببین جمله کلام الله را
آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است
استاد مطـهری رحمـه الله هرگـز نسـبت بـه شـاگردش نظـر تحقیرآمیز نداشـت. یعنـی حـرف شـاگرد را میشـنید و بـه ایـن وسـیله بـه شـاگردش اجـازه عقـده گشـایی میـداد.

یکـی از دوسـتان اسـتاد مطـهری رحمهالله میگویـد: برخـورد ایشـان بـا شاگردانشـان ماننـد برخـورد دو رفیـق بـود. خیلـی بـا محبـت بودنـد و بـا حـرارت و شـور برخـورد میکردنـد.

در خرمن کائنات کردیم نگاه
یک دانه محبت است و باقی همه کاه

رابطه معنوی با شاگردان
یکـی از شـاگردان اسـتاد مطـهری رحمهـالله میگویـد: سـلوک ایشـان بـه نحـوی بـود کـه در دل شاگردانشـان نسـبت بـه ایشـان محبـت ایجـاد میشـد. مـا در همـان وقـت کـه در درس ایشـان حاضـر میشـدیم، در درسـهای اسـتادان دیگـر دانشـگاه هـم شـرکت میکردیـم و بـه خوبـی محسـوس بـود رابطهای کـه شـاگردان اسـتاد مطـهری رحمهـالله بـا ایشـان دارنـد بـا رابطهـای کـه دانشـجویان دانشـگاه بـا اسـتادان خـود دارنـد، متفـاوت اسـت. چـه ایـن رابطـه رسـمی و اداری نبـود، بلکـه تـوأم بـا عشـق و شـوق بـود.

درس معلم ار بود زمزمه محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

شکوفاسازی استعداد شاگرد
ایشـان اگـر اسـتعدادی از شاگردانشـان میدیدنـد، خوشـحال میشـدند، بـه او کمـک میکردنـد کـه اسـتعداد وی پرورش پیـدا بکنـد، مثـل یـک پرنـده کـه بـال زدن را یـاد جوجههای خـود میدهـد. ایشـان شـاگردان خـوش اسـتعداد خودشـان را تشـویق و تشـجیع میکردنـد و مثـل برزگری کـه بـذر افشـانی میکنـد بـرای آینـده، ایشـان در ذهـن شـاگردان خودشـان بـذر افشـانی میکردنـد و بـا صـرف وقـت بـرای آینـده سـرمایه گـذاری میکردنـد.

تشویق کردن
اسـتاد، شـاگرد خـوش قریحـه را مـورد تشـویق قـرار میـداد و بـه انحـأ مختلـف او را بـه کار اضافـی و انجـام تحقیقـات و مطالعـات بیشـتر توصیـه میکـرد.

رابطه صمیمی با شاگرد
مرحـوم مطـهری بـا شاگردانشـان بـه اندازهـای مهربـان بودنـد کـه حتـی اجـازه میدادنـد آنهـا مسـائل خصوصـی و شخصیشـان را بـا ایشـان مـطرح کننـد. در انتخـاب راه و مسـیر آینـده بـا ایشـان مشـورت کننـد، حتـی ایشـان بـه اندازهـای نزدیـک میشـدند کـه در مجالسـی ماننـد عروسـی شاگردانشـان ـ در صـورت دعـوت ـ شـرکت میکردنـد

خوشرو بودن
ایشـان بسـیار خـوشرو بودنـد، بـا شـاگردان روابـط پدرانـه داشـتند و در واقـع وقتـی ارتبـاط شـاگردی بـا ایشـان ادامـه پیـدا میکـرد، بـه نوعـی دوسـتی مبـدّل میشـد

به دست آوردن دنیا هنر نیست یکی راگر توانی دل به دست آر

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای **زنان** و هم برای **مردان**، تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد، هر دو، مقرر فرموده مربوط به **نگاه** کردن است:

قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجُهُمْ...
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجُهُنَّ

و به مردان و زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.



مسئلهٔ حجاب

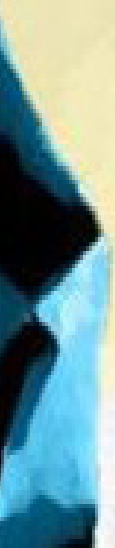
از دیدگاه شهید استاد مطهری

کتاب مطهری شهید ـ ناصر کاوه



مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است ، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند .

مرتضی مطهری



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه





شغل معلمی، همان شغل انبیاست. پیغمبر اکرم (ص) معلم همه بشر است و بعد از او، حضرت امیر (ع) باز هم معلم بشر است. معلم، امانت داری است که غیر از همه امانت ها، انسان، امانت اوست.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

بی پیرایگی
عشق و صفای ایشان، بی پیرایگی و بی تکلّفی ایشان، برای همه شاگردان ایشان درس بود.

سادگی
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: به یاد دارم که در درس فلسفه (متن شفای بوعلی) که در آغاز در مدرسه مروی برگزار میگردید، گاه در یک حجره و گاه در حجره دیگر، هر جا که ممکن بود تدریس میکردند و یک بار که صاحبان این حجرهها غایب بودند و حجرهای برای تدریس باز نبود، ایشان به سادگی و بدون از دست دادن فرصت در ایوان کوچکی جلوی یکی از حجرههای بسته به روی زمین نشستند و برای حاضرین درس را بیان داشتند و علاوه بر درس فلسفه، درس اخلاق نیز آموختند.

مراد بودن
از نظر اخلاقی ایشان در حدی بود که حکم مراد را برای شاگردان خود داشت.

الگو بودن
کلاسهای درس مرحوم مطهری صرفا محل تعلیم و آموزش نبود، بلکه همراه آن و در برخی موارد بیش از آن، مکانی بود برای تزکیه و پالایش... رابطه مرحوم مطهری با شاگردان کلاس خود رابطه ساده معلم و متعلم نبود. استاد مرشدی بود که به ارشاد جمع مینشست و مرادی که مریدان به گرد شمع وجودش حلقه میزدند و از پرتو او بهرهها میگرفتند.

بخل نورزیدن
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: استاد یادداشتها و نوشتههای خودشان را به شاگردان میدادند که در تحقیق از آنها استفاده بکنند. به یاد دارم که وقتی خدمتشان میگفتم که در مسائل مربوط به انسان علاقه به مطالعه دارم و طرحی را از این مبحث که در ذهن داشتم خدمتشان عرض کردم، ایشان مجموعهای از رسالههای خطی چاپ نشده علامه طباطبایی را که در اختیار داشتند، به بنده دادند تا استفاده کنم

مبارزه با انحرافات
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: یک روز استاد فرمودند: من با اینها (گروه فرقان) مقابله میکنم، ممکن است مرا بکشند، اما من حرف خودم را میزنم؛ چون میدانم که اینها برای دین خطرناکند.

اصلاح اشتباهات
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: مرحوم استاد مطهری از آنجایی که خداوند هوش فوق العادهای به ایشان عطا کرده بود و از جنبه علمی بسیار قوی بودند، کمتر میشد در هنگام درس اشتباه کنند، اما اگر اتفاق میافتاد که در نکتهای اشتباه کنند و فیالمثل یکی از شاگردان اشتباه را یادآور میشد میپذیرفتند. هیچ گاه سراغ ندارم که ایشان پافشاری در اشتباه خود کنند و مطلب را به زور تحمیل نمایند.
اصولاً ایشان در مقابل حق خاضع بودند و آنچه را حق می یافتند ، می پذیرفتند

به نزد من آن کس نکوخواه توست که گوید فلان خار در راه توست
هر آن کس که عیبش نگویند پیش هنر داند از جاهلی، عیب خویش

آزادگی
یکی از دوستان شهید مطهری رحمهاللّٰه میگوید: آنچه در تمام برخوردهای با شهید مطهری کاملاً محسوس بود، حریّت و آزادی شهید مطهری بود، او دارای دلی بود آزاد و دارای مغزی بود آزاد و قهرا دارای زبان و قلمی آزاد بود

کلاسهای درس مرحوم مطهری صرفا محل تعلیم و آموزش نبود، بلکه همراه آن و در برخی موارد بیش از آن، مکانی بود برای تزکیه و پالایش... رابطه مرحوم مطهری با شاگردان کلاس خود رابطه ساده معلم و متعلم نبود. استاد مرشدی بود که به ارشاد جمع مینشست و مرادی که مریدان به گرد شمع وجودش حلقه میزدند و از پرتو او بهرهها میگرفتند.

داماد استاد مطهری رحمهاللّٰه نیز میگوید: در اظهار نظرهای ایشان پیرامون عقاید انحرافی و یا لغزشهای ایدئولوژیکِ گروههای سیاسی حرّیت و آزادگی دیده میشود.

توجه نکردن به تعداد شاگردان
ایشان هرگاه درسی را لازم میپافتند آن را میپذیرفتند، به کم و کیف افراد و چند و چون جلسه درس مقیّد نبودند و هر جا که میسر میشد درس را برقرار میکردند و به تدریس و توضیح کامل مطلب میپرداختند، هرچند افراد شرکت کننده اندک بودند.

انصاف داشتن
بارزترین خصیصه ایشان داشتن روحیه انصاف بود. این ویژگی سبب شده بود که اولاً استاد بر روی حرف مخالفین نظر خود ـ هرکه میخواهد باشد و در هر مقامی که باشد ـ کاملاً بیندیشد؛ یعنی هیچ گاه با روحیه استکباری و بزرگ منشانه با آرأ و عقاید حتی مخالفترین دشمنان خود نیز برخورد نمیکردند، همیشه هر سخن و گفتهای را تا حد امکان تجزیه و تحلیل میکردند و



شهید مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



شهادت حسین بن علی (علیه السلام)از آن جهت این آثار را به دنبال خود آورد که نهضت او یک حماسه بزرگ اسلامی و الهی بود؛ از این جهت که این داستان و تاریخچه، تنها یک مصیبت و یک جنایت و ستمگری از طرف عده‌ای جنایتگر و ستمگر نبود، بلکه یک قهرمانی بسیاربسیار بزرگ از طرف همان کسی بود که جنایتها را بر او وارد کردند.

حماسه حسینی ج ۱ ص ۴۱

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

شقوق درست و قابل قبول آن را از احتمالات نادرست جدا کرده، به حساب هر یک جداگانه رسیدگی میکردند.

یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: یک روز بعد از اینکه ایشان مطلبی را بیان فرمودند من اشکال کردم، هر قدر ایشان بیان کردند و توضیح دادند برایم قابل قبول نبود. سرانجام قدری بی ادبی و گستاخی کردم و گفتم: انصاف بدهید! ایشان فرمودند: من انصافم از شما بیشتر است.

مشورت با شاگرد
استاد با برخی از دوستان و شاگردان نزدیکش در باب آنچه فراهم آورده بود، مشورت میکردو نظریاتشان را جویا میشد.
میاسای زآموختن یک زمان
زدانش میفکن دل اندر گمان

رازداری
مرحوم مطهری بسیار رازدار و اهل سرّ بود. هیچ رازگشایی نمی کرد.

راستگویی
استاد شهید مطهری رحمه الله در نامهای به دخترشان مینویسند: تو خودت میدانی که دروغ هرگز به زبان و قلم من جاری نمیشود.

عصبانی نشدن
یکی از شاگردان استاد مطهری رحمهاللّٰه میگوید: در مدت دوازده سالی که خدمتشان شاگردی میکردم، یک دفعه هم ندیدم که در درس با عصبانیت جواب کسی را بدهند.
درشتی نگیرد خردمند پیش
نه سستی که نازل کند قدر خویش... منبع : حامیان ولایت

وصیت نامه شهید والا مقام مرتضی مطهری

تاریخ مرا در محک امتحان قرار داده است. می‌خواهد فداکاری مرا بسنجد.
می‌خواهد شجاعت مرا بیازماید. اکنون پرچم خدایی به دست من سپرده شده است

تا با طاغوت‌ها بجنگم و مبارزه من فقط با شهادت و فدکاری امکان‌پذیر است.
خدایا! تو را شکر می‌کنم که با فقر آشنایم کردی تا رنج گرسنگان را بفهمم و

فشار درونی نیازمندان را درک کنم.
خدایا! هدایتم کن؛ زیرا می‌دانم که گمراهی چه بلای خطرناکی است.

خدایا! هدایتم کن که ظلم نکنم؛ زیرا می‌دانم ظلم چه گناه نابخشودنی است.
خدایا! نگذار دروغ بگویم؛ زیرا دروغ ظلم کثیفی است.
خدایا! محتاجم مکن که تهمت به کسی بزنم؛ زیرا تهمت، خیانت ظالمانه‌ای است.
خدایا! ارشادم کن که بی‌انصافی نکنم؛ زیرا کسی که انصاف ندارد، شرف ندارد.

خدایا! راهنمایم باش تا حق کسی را ضایع نکنم که بی‌احترامی به یک انسان،
همانا کفر خدای بزرگ است.
خسته شده‌ام، پیر شده‌ام، دل‌شکسته‌ام. ناامیدم، دیگر آرزویی ندارم و احساس می‌کنم
که این دنیا دیگر جای من نیست. با همه وداع می‌کنم و می‌خواهم فقط با خدای خود تنها باشم.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

در روایت آمده است:
لاتَنْظُروا الی طولِ رُکوعِ الرَّجُلِ وَ سُجودِهِ
هیچ وقت به طول دادن رکوع و سجود شخص نگاه نکنید؛ یعنی رکوع‌های طولانی و سجودهای طولانی شما را گول نزند، ممکن است این از روی عادت باشد و اگر ترک کند وحشت کند.
اگر می‌خواهید بفهمید این شخص چگونه آدمی است، در راستی ها و امانت‌ها امتحانش کنید چون امین بودن عادت بردار نیست، راست گفتن عادت بردار نیست برخلاف نماز خواندن.

اسلام و نیازهای زمان، ج۱، ص۲۱۱

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

جلوه های معلّمی استاد شهید مرتضی مطهری

نویسنده: آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

نماد تکریم معلم

روز معلم نماد احترامی است که اسلام، پیشوایان دین و انقلاب اسلامی برای دانش آموز و معلم قایل اند. این سنت اجتماعی – فرهنگی پسندیده است که دست کم در یک روز از سال و گاه، در یک هفته، توجه آحاد جامعه و مراکز علمی و نهادهای کشور را به سوی این موضوع جلب می کند. انسان به طور طبیعی، درمعرض فراموشی است و این نامگذاری ها عنوانی را در اندیشه ها زنده می کند مردم از آثار و برکات آن بهره مند می شوند.

در فرهنگ اسلامی، نام معلم جایگاهی بس والا دارد و در درجه ی نخست، خدای متعال این ویژگی را به خویش اختصاص داده است؛ آنجا که می فرماید: اقرَا وَ رَبُّک الاکرَمُ الّذی عَلَّمَ بالقَلَمِ عَلَّمَ الانسانَ ما لَم یعلَم؛ (۱) «بخوان و پروردگارت ارجمندترین است؛ خدایی که با قلم آموزش داد و به آدمی آنچه را نمی دانست، بیاموخت» یا الرَّحمَنُ عَلَّمَ القرآنَ (۲) فاعل علم خداست؛ پروردگاری که به انسان آموخت آنچه را نمی دانست؛ یعنی منشا همه ی دانسته های ما حق تعالی است. اوست که زمینه ی دانش و معرفت را برایمان فراهم کرده و برخی امور را به گونه ی مستقیم و بدون واسطه به ما آموخته است. همه می دانیم که روزی ما دست خداست؛ انّ الله هو الرزّاق؛ ولی این روزی ها از راه اسباب و ادواتی به ما می رسد؛ خورشید می تابد؛ آب دریا گرم می شود؛ بخار می گردد؛ ابر تشکیل می شود و سپس باران می بارد و موجب رویش دانه ها می شود و بدین سان، غلات، حبوبات و میوه ها به دست ما می رسد:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

کسی که می خواهد نانی به کف آورد، باید زحمت بکشد تا بهای آن را به دست آورد. اینها یک جور روزی است که از راه های گوناگون و پس از پیمودن مراحلی طبیعی و اکتسابی، به ما اختصاص می یابد؛ اما یک بار، خداوند برای مریم، وقتی دراتاقش سرگرم عبادت بود، روزی فرستاد. همچنین حضرت عیسی، به تقاضای حواریون، ازخدا خواست یک سفره آسمانی نازل کند تا آنها از آن برکت تناول کنند و دعایش برآورده شد.

در زمینه ی علم و معرفت نیز این گونه است؛ انسان با استاد یا کتاب، مطالبی را می آموزد که شخصی دیگر آن را تدوین یا ابداع کرده است. البته چگونگی فراگیری، به ظاهر وابسته به استاد و دانشمندان علوم معارف است؛ ولی خداوند این ظرفیت، توانایی و خلاقیت را در ذهن و نهاد آنان به ودیعه نهاده تا دراختیار تشنگان دانش قرار دهند؛ ولی گاه خداوند بدون واسطه، برخی را دانشور و صاحب معلومات می سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه درسی خواند و نه چیزی می نوشت. قران می فرماید: وَما کُنتَ تَتلُو مِن قبلِهِ مِن کتاب و لا تَخُطُّهُ بیمینِک اِذاً لارتابَش المُبطِلونَ؛ (۳) «تو پیش از قرآن، هیچ کتابی را نمی خواندی و به دست خویش، کتابی نمی نوشتی. اگر چنان بود، اهل باطل به شک می افتادند».

بنابراین دانش دو گونه است و معلم هر دو خداست؛ ولی یکی با چندین واسطه، و دیگری بدون واسطه. برخی دانش ها بدون واسطه، موجب سعادت انسان می گردد و برخی دیگر با واسطه. سعادت ها، گاه موقت اند و حداکثر تا زمان مرگ آدمی پایدارند؛ مانند تشکیل خانواده ای خوب، زندگی راحت و محبوبیت اجتماعی. اما سعادتی ارزشمند است که در روح انسان باقی بماند. ایمان به خدا، اعتقاد درست، اندیشه عالی و معرفت و بصیرت عمیق، بدون واسطه سعادت آفرین اند.

البته همه ی آنان که برای پیشرفت دانش می کوشند، شایسته احترام اند؛ ولی دانشی که با راه حق و مسیر توحید، نبوت و امامت فاصله دارد و واسطه های زیادی را می پیماید، آسیب زا می شود و ممکن است به جای آنکه جامعه ای را از سعادت، آرامش و امنیت برخوردارسازد، هزاران انسان بی گناه را از بین ببرد؛ مانند اختراع بمب اتم.

این مقدمات بیان شد تا به مسئله ی اصلی بپردازیم؛ چرا سالروز شهادت مطهری روز معلم نامیده شد؟ برای اینکه دانش اوبا دیگران تفاوت داشت. معارفی که او از راه تدریس، سخنرانی و نوشتار به آگاهی مردم می رسانید، به طور مستقیم، در سعادت انسان ها موثر بود. او دانسته های خویش را از قرآن و سنت و فرهنگ اهل بیت آموخته بود.

دانشی که مطهری به ما آموخت و با کتاب هایش، همچنان به ما می آموزد، در روح تحول ایجاد می کند، انسان را دین شناس، خدا باور و حق جو می گرداند و به او یاد آور می شود که خویش را برای یک زندگی جاوید مهیا سازد؛ حیاتی بس مهم تر و پایدار تر از زندگی دنیوی. کسی که می خواهد به آن سرای گام نهد، نباید دست خالی باشد و خدای ناکرده، پرونده ای تباه برای خویش تنظیم کند. استاد مطهری به علاقه مندان آموخت که سعادت ابدی آرامش دنیوی را نیز تأمین می کند. بدین سان، چنین شخصیتی که افکار و معارفش تا عمق روح و دل و وجدان ما نفوذ کرده و برایمان سعادتی پایدار و همه جانبه به ارمغان آورده است، حقش بیشتر از معلمان علوم و فنون دنیایی است؛ دانش هایی که به کمک آنها، حداکثر می توانیم دردنیا راحت تر و با آسایش بیشتری زندگی کنیم.

امروزه، حتی دانشمندان غربی اعتراف کرده اند که فناوری ها و محصولات تمدن جدید، چون باایمان، عاطفه و عدالت فاصله

قرآن می‌گوید همان طور که مک
می‌کنید که زمین پس از طراوت و
و افســـردگی می‌رود و بار دیگ
می‌شود و زمین و درختان و گیاه
در نظام کل جهان، جهان رو به
خواهد رفت، خورشید و ستارگا
شد، تمام جهان یکسره می‌میرد؛
بار دیگر همه موجودات جهان زن
دیگر از سر می‌گیرند.

زندگی جاوید یا حیات اخروی، ص۵۰

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

گر در طول عمر خود مشاهده
و حیات و شادابی به سوی مردگی
ر با تغییر فصل، شرایط عوض
ان حیات خود را از سر می گیرند،
خاموشی و سردی و افسردگی
ن همه متلاشی و پراکنده خواهند
اما این مردن، همیشگی نیست؛
دگی را در وضعی دیگر و با کیفیتی



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

دارد، پیامدهایی ناگوار به دنبال آورده است و خانواده ها در کشورهای توسعه یافته ی صنعتی و مدرن، به لحاظ کم رنگ شدن روابط عاطفی، دچار مشکلات بسیاری شده اند. البته اگر این دانش ها با ایمان و خدا باوری همراه شوند، رشد بهتری خواهند کرد و از چنین آفت هایی در امان خواهند بود.
به هر روی، دانش در اسلام، به خودی خود، ارزشمند و شایسته احترام است؛ ولی ارزش تمام علوم و معلمان رشته های علمی، با هم یکسان نیست. شهید مطهری، افزون بر معلمی، مربی هم بود. او در روح وجان انسان ها تأثیر می گذاشت و ایمان آنان را تقویت می کرد و در معاشرت ها و رفت و آمدها، افراد را به حیاط الهی و معنوی فرا می خواند. افراد بسیاری، در اثر ارتباط با او، مسیر زندگی خود را دگرگون کرده اند و در راه تعالی و پیشرفت معنوی گام نهاده اند. بنابراین باید بر پایه ی فرهنگ اسلامی، در ارزش گذاری برای علوم و معلمان دقت کنیم و آفرین بگوییم به کسانی که سالروز شهادت استاد مطهری را روز معلم نامیده اند تا همگان را با نماد معلمی آشنا کنند که نخست، محور معلوماتش دانش خدادادی بی واسطه، یعنی قرآن و سنت است؛
دوم، تأثیر دانش در سعادت انسان، بی واسطه و موجب آسایش و آرامش روحی و روانی و خوشبختی ابدی انسان هاست، و سوم، مربی افراد است. مطلبی که این گونه معلمان می آموزند، تنها انتقال یک مفهوم به ذهن نیست، بلکه در روح و روان تأثیر می گذارد و به زندگی انسان جهت می دهد. با مطالعه کتاب ها و مقالات ایشان، صفا و نورانیتی در وجود خواننده هویدا می شود که دلش می خواهد همنشین خوبان و پاکان شود و کاری کند که ذخیره ای برای آخرتش باشد و به جامعه و مردم خیر برساند. آموزه های اینان، تنها انتقال مفاهیم نیست، بلکه اثری آموزنده، ارزنده و موثر بر روح و روان انسان می نهند و مسیر زندگی خواننده را به سوی خیر، سعادت و قرب الهی سوق می دهد. (٤)



معلم ساربان علم و عشق است
معلم سایه بان معرفت ها

معلم میزبان مهر و عشق است
خریدار دل بیدار عشق است

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

یک درس آموزنده

شهید مطهری در یکی از سفرهایش به عتبات، با یکی از بندگان شایسته خدا ملاقاتی داشت و درباره ی نماز، حضور قلب و خشوع در حال نماز، سخن به میان آورده بود. واز آن مرد بزرگ، یک توصیه ی اخلاقی یا دستورالعمل برای افزایش حضور قلب در نماز درخواست کرده بود، آن مرد بزرگ از ایشان پرسیده بود: شما برای حضور قلب در نماز، چه می کنید؟

شهید آقای مطهری پاسخ داده بودند: عالمان و بزرگان توصیه می کنند برای افزایش توجه و حضور قلب در نماز، هر آیه ای که می خوانید یا هر ذکری که برزبان جاری می سازید، در آغاز، معنایش را تصور کنید و همراه این توجه، آیه را بخوانید و ذکر بگویید.

آن بزرگ فرموده بود: شما در نماز، به مفاهیم توجه دارید، یعنی به معانی که در ذهن شما شکل می گیرد، پس چه وقت به خداوند توجه می کنید؟! ما که توفیق همین را هم نداریم؛ ولی شهید مطهری که این توفیق را داشت، از آن سؤال دریافت که چقدر عقب است؛ عمری زحمت کشیده و تمرین کرده بود تا بتواند به معانی و مفاهیم توجه کند، اما توجه به مفاهیم ذهنی تا توجه به خدای متعال خیلی فرق دارد!

شهید مطهری در زمره ی استادانی بود که همت والایی داشتند. اوبه لحاظ قیافه ی فیزیکی با امثال من و شما تفاوت چندانی نداشت؛ ولی به لحاظ مراتب ایمان، معرفت و قرب خدا، بسیار با ما متفاوت بود. اگر بخواهیم به راستی مبلغ دین، مروج قرآن و نشر دهنده ی فرهنگ اهل بیت باشیم، باید محکمات قرآن را که همه می فهمند و نیازی به تفسیر، تبیین، تاویلات متون و... ندارند، درست به کار گیریم.(۵)

در حوزه و دانشگاه
وقتی در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم، سطوح عالی کفایه و مانند آن را می خواندم و استاد مطهری همان سال از قم به تهران رفته بود. آشنایی بنده با شهید مطهری بیشتر در زمینه ی کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم و حواشی او بر آن شکل گرفته بود. این اثر تازه به چاپ رسیده و مورد توجه طلاب جوان قرار گرفته بود.

علاقه ی ما به استاد از همین جا آغاز شد و پس از آشنایی ورفت و آمد با علامه طباطبایی، استاد مطهری را نیز در آنجا ملاقات می کردیم. وی گاه در مباحثه های گوناگون یا جلسات شب های پنج شنبه و جمعه شرکت می کرد. در سال های نخست، البته ارتباط زیادی برقرار نشد؛ به دلیل اینکه بیشتر فرصت آن شهید در دانشگاه سپری می شد و ما نیز سرگرم تحصیل در حوزه بودیم. از هنگام آغاز نهضت روحانیت، به رهبری امام خمینی قدس سره که حرکت های اجتماعی و سیاسی در حوزه و دانشگاه و سایر قشرهای مردم شکل گرفت، ارتباط ما با شهید مطهری بیشتر شد. گاه، در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و موضوعات دینی، نشست هایی داشتیم و از رهنمودها تجربیات آن اندیشمند وارسته بهره می گرفتیم و این تا زمان شهادت وی ادامه داشت.

شهید مطهری، به اقتضای روحانی بودنش، علاقه مندان را در حوزه، دانشگاه و جامعه، با مسائل دینی و پرورش های مذهبی آگاه می ساخت؛ معارف دینی را تبیین می کرد؛ و به موازات این حرکت اعتقادی - تربیتی، از فرهنگ اسلامی، در برابر یورش های فرهنگی دفاع می کرد. وی در فعالیت های سیاسی و اجتماعی نیز حضوری فعال داشت؛ ولی در درجه ی نخست، کارشناس دین بود. سخنرانی در مجامع دینی و نشست های خصوصی، تدریس در دانشگاه وحوزه،(٦) همه و همه، به دلیل اهتمام

بسیار او به نشر فرهنگ اسلام و دفاع از مبانی آن بود. به حق، باید گفت مطهری از معدود افرادی است که ضرورت این موضوع را به خوبی دریافت و با تمام وجود، برای پیشرفت آن کوشید. (۷)

استاد فلسفه
برای بررسی نقش استاد شهید مرتضی مطهری در فلسفه نوین اسلامی، باید به وضع فلسفه در کشورهای اسلامی و به ویژه ایران، پیش از فعالیت های علمی ایشان و پس از آن، نگاهی اجمالی بیفکنیم تا تفاوت حاصل شده و تأثیر او در این تحول، روشن گردد.

با تأسف باید گفت، فلسفه در جوامع اسلامی، چنان که باید رشد نکرده بود و نزدیک سه قرن پیاپی، یعنی از زمان ملا صدرا به بعد، حکمت اسلامی راه رکود می پیمود. اکنون در پی آن نیستیم که عوامل تنزل فکری و علمی را توضیح دهیم؛ ولی به دلیل این واقعیت اسف بار، نیازهای فلسفی معاصر پاسخ داده نمی شد. از آغاز پیدایش فلسفه در میان مسلمانان، باروری این شاخه از دانش به دست مشاهیر اسلامی صورت گرفت که از سرچشمه های قرآن و عترت بهره گرفته بودند و مباحث اعتقادی، همواره به کمک این براهین فلسفی تبیین، و اشکالات پاسخ داده می شد. شهید مطهری در برخی نوشته های خویش، به این نکته اشاره کرده است که متکلمان مسلمان چه نقش مهمی در پیشبرد فلسفه ی اسلامی ایفا کرده اند.

حق نیز همین است؛ زیرا مردمی که به باورهای خویش اهمیت می دهند و می دانند همه چیز در پرتو اعتقاد شکل می گیرد، باید می کوشیدند فلسفه را در خدمت به بنیان های عقیدتی به کار گیرند. متأسفانه در قرون اخیر، این کار انجام نشد. با تشریف فرمایی علامه طباطبایی رحمه الله به قم، ایشان به این خلا در

بر عهد حسین تا ابد می مانیم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ

﴿۲۳﴾ سوره احزاب

















زندگی با آیه‌ها

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

آینده‌سازی عاشقانه

شما درآمد یک معلّم را مقایسه کنید با درآمد فلان سرمایه‌دار، و بچّه تاجر؛ خب این را معلّم میبیند، میداند؛ اینهایی که وارد وادی معلّمی میشوند شاید خیلی‌شان میتوانستند یک جادّه‌ی دیگری را در پیش بگیرند و یک منبع درآمد بالاتر و پیشتری برای خودشان فراهم کنند؛ امّا نکردند. بخشی از انگیزه‌های معلّمی، عشق و محبّت و احساس مسئولیّت است. آینده‌سازی میکنند با قناعت، رنج تربیت جوان و نوجوان را بر عهده میگیرند با نجابت، با صبر و سکون.

۹۵/۲/۱۳



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

KHAMENEI.IR

حوزه علمیه پی برد و با ژرف نگری و دوراندیشی، وظیفه ی الهی خویش دانست که مباحث فلسفی را برای بیان مباحث کلامی و اعتقادی به کار گیرد. وی به دفاع ازعقاید اسلامی و جهان بینی الهی و پاسخگویی به شبهات مکتب های بشری همت گماشت و افرادی چون شهید مطهری را برای این برنامه تربیت کرد.

به راستی آن شهید ژرف نگر بهترین بهره ها را دراین شاخه از علوم اسلامی، از محضر علامه برد و حتی در همان قدم های نخستین، مددکار علامه بود و در شکوفایی این نهال پربار، سهم به سزایی داشت. نمونه این فعالیت و نتیجه اش کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم است(۸) که پاورقی های محققانه و روشنگرانه مطهری که بسیار بیشتر از حجم متن کتاب است، درک مطالب آن را آسان ساخته است.

مطهری اشتیاق بسیار به پیشرفت این کار، یعنی تحول فلسفه اسلامی برای پاسخگویی به مشکلات فکری و کلامی داشت و در این زمینه، احساس مسئولیت می کرد و از هیچ تلاشی رویگردان نبود؛ زیرا می خواست این مباحث ژرف و پیچیده آن چنان روشن شود که طبقات میانه جامعه بتوانند از آنها بهره گیرند. این کتاب که نگارش متن و پاورقی های آن از سال ۱۳۳۱ شمسی آغاز شد، همچنان از بهترین آثار برای پاسخگویی به شبهه های مادی گرایان است. البته این نخستین اثر بود و آنان که صلاحیت کار را داشتند، محصول خوبی عرضه کردند.
اکنون لازم است افرادی تواناو مسلط بکوشند این کتاب را تکمیل کنند. هر وقت احساس کنیم کاری پایان یافته و نیاز بر طرف شده، ابتدای رکورد، جمود و خمودی است. هیچ گاه نباید مسائل فلسفه اسلامی، به ویژه در زمینه ی پاسخگویی به شبهه های افراد و مکاتب گوناگون را پایان یافته بدانیم، بلکه همواره باید در این اندیشه باشیم که این کار را بارورتر کنیم و قدم های بلندتر و استوارتری در این راستا برداریم.(۹)

پیشگام احیای حکمت اسلامی
آری؛ مهم ترین بُعد شخصیت استاد مطهری، بعد فلسفی ایشان بود و در این راه زحماتی بسیار کشید. او هم از جهت تحصیل و هم به لحاظ تدریس و تحقیق، در پیدایش، احیا، شکوفایی و گسترش این رشته از معارف اسلامی در سطوح گوناگون، نقش ارزنده ای را عهده دار بود. برای اینکه ارزش تلاش این متفکر را در این راستا درک کنیم، باید توضیحی دهیم:
اصولاً فلسفه در همه جوامع دانشی دشوار شناخته شده است؛ یعنی دارای مفاهیم دقیق و ظریفی است که تمامی افراد به آسانی نمی توانند درک کنند و فهم درست آن به ذوق و استعدادی ویژه نیاز دارد. همین جهت کافی است تا جویندگان فلسفه کم شوند و شماری اندک در پی فراگیری آن باشند؛ در بین همین افراد نیز شمار افرادی که می خواهند مباحث آن را ژرف یابی کنند، بسیار ناچیز است.

نکته دیگر اینکه بیش از هر علم دیگر، واژه های مشترک و مشابه در فلسفه وجود دارد؛ به طوری که امکان دارد یک لفظ با معانی مختلفی به کار رود که حتی در ظاهر امر بین آنها تضاد باشد و درنقطه مقابل هم قرار گیرند. این مطالب که هر مفهومی حکم ویژه ای دارد، برای کسانی که از مباحث حکمت آگاهی درستی ندارند، چنین توهمی را به وجود می آورد که بین کلمات فیلسوفان تناقض وجود دارد و در جایی، برای اثبات مفهومی از اصطلاحی استفاده می کنند، اما در عرصه دیگر آن را نقض می نمایند. اتفاقاً این توهم از قرون پیش، برای اشخاص بزرگی چون غزالی به وجود آمده بود. او حتی کتابی به نام تهافت الفلاسفه (۱۰) را به نگارش در آورده، که به زعم خودش تناقض گفته های فیلسوفان را درآن تدوین کرده است.

از سوی دیگر، این تشابه اصلاحات موجب می شود کسانی که به معنای دقیق فلسفی این مفاهیم آشنا نیستند، آنها را بر

مروری بر نکات رهبرانقلاب
درباره‌ی آموزش مهارت‌ها به دانش‌آموزان

زنگِ مهارت‌آموزی

رهبرانقلاب اسلامی در دیدار جمعی از معلمان (۱۴۰۱/۲/۲۱)، به مسئله‌ی علم نافع و مفید برای دانش‌آموزان اشاره کردند و تأکید کردند: «یک بخش از وقت به آموزش و مهارتها صرف بشود.» ایشان خطاب به مسئولان آموزش و پرورش چند مورد از مهارتهای موردنیاز دانش‌آموزان را بیان کردند که در این اطلاع‌نگاشت مرور می‌شود.



KHAMENEI.IR

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مبنای عرفی اش حمل، و خیال کنند این کلمات همان معنای رایج عرفی را در فلسفه دارد؛ و آن وقت نتیجه بگیرند فلان مطلب فلسفی با دیانت و مباحث اعتقادی و کلامی مخالفت دارد. این اشتراک اصطلاحات موجب می شود بسیاری از افراد متعهد نیز چنین برداشت نمایند که مطالب فلسفی با مبانی دینی در تباین است و با یک تردید و حتی بدبینی به فلسفه بنگرند و این گونه نگرش از رویکرد عده ای دیگر به فلسفه می کاهد.

به علاوه این علم همچون دانش های دیگر مراحل مختلفی را گذرانیده است و مکتب های گوناگونی داشته و دارد. بنابراین مسائل فلسفی از دیدگاه مکاتب مختلف، راه های گوناگون و پاسخ های متفاوت خواهد داشت و تعدد نظریات به طور طبیعی در نظر عده ای، برخی را غیر صحیح و نادرست جلوه می دهد. البته آرای باطل هم در بین دیدگاه های گوناگون دیده می شود. این روند و وجود اختلاف نظرهای بسیار، برای عده ای این نتیجه گیری را به وجود می آورد که اصولاً مسائل فلسفی به طور یقینی قابل حل نخواهند بود؛ پس چرا ما بیهوده و بی جهت وقت خودمان را صرف این مسائل لاینحل کنیم. این هم وجه دیگری است که مشتریان معلومات فلسفی را کاهش می دهد.

نکته دیگر اینکه در اروپا پس از رنسانس، علوم تجربی کم کم رواج بیشتری یافت و باعث پیدایش اختراعات، فناوری و صنایعی شد که در زندگی انسان دها تحولی چشمگیر به وجود آورد و برای بهبود رفاه فردی و اجتماعی و موثر بود. این مسئله موجب شد که توجه دانشمندان به علوم طبیعی معطوف شود و چنین استنتاجی شکل گیرد که علوم فلسفی به اصطلاح تجریدی و انتزاعی هستند و قابل تجربه و محک زنی نمی باشند. بنابراین در اثر گسترش علوم طبیعی، بسیاری از آثار فیلسوفان سابق باطل شد. برای نمونه وقتی نظریه افلاک نه گانه -در فلکیات

قدیم مطرح بود که زمین مرکز عالم است و خورشید به دورآن می چرخد -باطل شد، افرادی فکر کردند دیگر آرای فلسفی هم به همین نحو و غیر قابل اعتماد است. این عامل نیز از گرایش به فلسفه کاست.

در دوران اخیر مکتب های مادی که مایه های فلسفی محکم و استواری نداشتند و بیشتر در زمینه های سیاسی و اجتماعی کار می کردند، برای آنکه حریف خود را خلع سلاح کنند و حریف در میدان نبرد ایدئولوژیک دست خالی باشد، تبلیغاتی به راه انداختند که اساساً فلسفه یک عامل رکود و بی تحرکی است و با تلاش های مبارزاتی و قیام های مردمی و جنبش های خودجوش مناسبتی ندارد و کسانی که می خواهند در عرصه های سیاسی و مبارزه با استکبار و استبداد گام بردارند باید فلسفه را به کناری نهند.

متأسفانه این تبلیغات در قشر وسیعی از جامعه ما اثر گذاشت و حتی گویندگان و نویسندگان دلسوز و متعهدی که واقعاً می خواستند برای اسلام و تقویت نهضت اسلامی کار کنند، نا آگاهانه در گفته ها و نوشته های خویش، گاه و بی گاه به فلسفه حمله کردند؛ ولی کسانی در این میان بودند که چون صخره های استواری در برابر این توفان ها ایستادند و باور داشتند که فلسفه برای تبیین مباحث کلامی و اثبات بنیان های اعتقادی و دفاع از باورهای دینی و الهی ضرورت دارد. با توجه به این مشکلات بسیار، اهمیت نقش آن کسانی که در این شرایط آشفته و طاقت فرسا اقدام به احیای فلسفه اسلامی کردند، روشن می شود.

اینها، تیرهای اتهامات و حتی ملامت ها و سرزنش های دوستان وآشنایان را به جان و دل پذیرا شدند (۱۱) و فلسفه را از سقوط و ویرانی نجات دادند. از جمله این افراد که در خط مقدم قرار

بر مردان نامحرم واج
و اتاق و جایگاهشان
بهانه‌های واهی و بدو
خاص زنان شوند، بلک
دارند که در اختیار زنا
را از بیرون و از پس پر
و اتاق ویژه آنان شو



شهیدمرتضی‌مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ب است حریم زنان را در درون خانه
پاس دارند و هرگز نباید سرزده و با
ن ایجاد آمادگی‌های لازم ، وارد جایگاه
نه حتی به متاع یا کالای خاصی نیاز
ن یک خانواده قرار دارد، باید آن زنان
ده فراخوانده، بدون آنکه وارد جایگاه
ند، درخواست خود را اعلام نمایند.

چهل‌چراغ‌حکمت/دفتر۳۷/صفحه۷۸

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

گرفت و به چنین عرصه ی آشفته ای گام نهاد تا ابهام ها را بزداید و اوضاع را در این جهت مهیا سازد و برهان های فلسفی را برای تقویت مبانی دینی به کار گیرد، شهید آیت الله مطهری بود.
ایشان مطالعات وسیع، دقت فکری، ریزبینی و موشکافی در حل مسائل فلسفی وبه کارگیری این دانش در گره گشایی از معضلات کلامی و پاسخ به پرسش های فکری و اعتقادی داشت. در واقع می توان او را پیش گام پرتلاش احیای فلسفه ی اسلامی نامید.

شهید مطهری به خوبی درک کرده بود که اگر مسائل فلسفی و به طور کلی معارف دینی در فضای حوزه ها محدود بماند، دیریا زود جامعه با یک خلا فکری و ایدئولوژیک روبه رو می شود و به همین دلیل کوشید دانشجویان، به ویژه آنهایی را که در آینده نقش مهمی عهده دار خواهند بود، با این مسائل آشنا کند و نسل تحصیل کرده را با تشویق و برخودهای صمیمی به سوی تفکر اسلامی راغب سازد. (۱۲)

فهم پذیر کردن فلسفه
شهید مطهری علاوه بر آنکه برای احیای فلسفه ی اسلامی در حوزه و دانشگاه کوشش فراوانی کرد، کوشید در چگونگی مباحث، تحولاتی پدید آورد و با بیانی قابل فهم، پیچیدگی های مباحث را برطرف کند و فلسفه را از آن شیوه های قدیمی به قالب های بدیع و ابتکاری منتقل سازد؛ یعنی محتوا همان بود که علمای سلف و مشاهیر گذشته مطرح کرده اند، ولی وی و استادش علامه طباطبایی به تدریس فلسفه سنتی بسنده نکردند، بلکه با همکاری عده ای دیگر از اهل فضل، حکمت اسلامی را در یک قالب جدید و طرحی نو عرضه کردند که متناسب با نیازهای عصر و پاسخگوی شبهات مادی گرایان و اهل الحاد بود. باید اعتراف کرد که شهید مطهری فلسفه اسلامی را وارد مرحله ی نوینی کرد. این تلاش در کتاب اصول

فلسفه و روش رئالیسم و سایر دروس و نوشته های مطهری که به حکمت و فلسفه اختصاص دارد قابل مشاهده است.

در آثار وی شکل و شیوه عرضه مطالب با آن روش های سنتی تفاوتی آشکار دارد؛ به گونه ای که برای خواننده قابل استفاده است و به خوبی می تواند از محتویات آنها سر در بیاورد؛ البته خواننده ای که زمینه ای دراین باره داشته و ظرفیت های لازم برای فهم مباحث فکری و حکمی را به دست آورده باشد. علاوه بر شیوه ی نوین و تلاش برای ساده نویسی و قابل فهم کردن مضامین، برخی مسائل در آثار این شهید مطرح شده که قبلا در کتاب های فلسفی مطرح نبوده است؛ برای نمونه مفاهیم اعتباری برای نخستین بار در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم طرح شده است.

از اینها که بگذریم شهید مطهری بر خلاف سبک قدما، موضوعات فلسفی را به زبان عربی تدوین نکرده که تنها عده ای خاص از آن استفاده کنند؛ یعنی حتی المقدور کوشیده برای طرح مطالب اززبان فارسی سلیس و روان بهره گیرد تا شمار بیشتری از خوانندگان بتوانند از آن بهره ببرند.

این نیز گامی است برای بیرون آوردن فلسفه از حوزه محدود و محصور متخصصین و فیلسوفان و گسترش این بخش ازعلوم اسلامی در سطح جامعه. و به همین دلیل نسل جوان علاقه مند به موضوعات فلسفی به راحتی می تواند به این نوشته ها مراجعه، و نیازخویش را با مطالعه آنها برآورده کند. هرچقدر که زمان می گذرد، اهمیت نوشته های شهید مطهری برای دانش پژوهان حوزه و دانشگاه روشن تر می شود و بیشتر و بهتر از این کتاب ها استقبال می کنند و برای بهتر شناختن حقایق اسلام و مجهز شدن به سلاح های فکری و مهیا شدن برای دفاع از اعتقادات، محصولات استاد مطهری را ماخذ و مرجع آگاهی های خود قرار می دهند. (۱۳)

استاد شهید مرتضی



یکی از بزرگان چه نکته خوبی می‌گف
به خدا می‌گوییم خدایا به ما بده، هی
در صورتی که ما به این دعا بیشتر
بگیرد از ما نگیرد هیچ چیز قابل دا
ما باید بگوییم خدایا این حب جاه و
ما بگیر، این کینه‌ها و عقده‌ها و این
شرک‌ها و این کبرها را از ما بگیر.

آشنایی با قرآن، ج۹، ص۵۶

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

فت که ما همیشـــه وقتی دعا می‌کنیم
چ وقت دعا نمی‌کنیم خدایا از ما بگیر،
احتیاج داریم. تا این‌هایی که از ما باید
دن نیست.
و مال را از ما بگیر، این حسادتها را از
کدورت‌های قلبی و این شک‌ها، این

پی‌نوشت‌ها:

۱. علق (۹٦)، ۳-۵.
۲. الرحمن (۵۵)، ۱-۲.
۳. عنکبوت (۲۹)، ٤۸.
٤. سخنرانی در جمع گروهی از کادر نیروی دریایی سپاه، (۱۲/ ۲/ ۱۳۸۵).
۵. سخنرانی در جمع طلاب سپاه و بسیج کرمانشاه،
٦. در سال ۱۳۳۱ شمسی شهید مطهری در حالی که مدرسی مشهور به حساب می آمد، به تهران هجرت کرد و به محض ورود به این شهر، در مدرسه ی مروی آموزش فلسفه ی اسلامی را به شکل تطبیقی و مقایسه ای برای جویندگان حکمت و حقیقت آغاز کرد. در سال ۱۳۳۳ از طرف دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) یک فراخوانی برای استخدام دانشیار در رشته ی معقول صورت گرفت که مطهری آمادگی خود را برای این وظیفه اعلام داشت و مدتی به صورت آزمایشی مشغول کار شد، که به دلیل قدرت علمی و تسلط بر روش های آموزشی و تربیتی و بیان جذاب، تلاش وی مورد توجه دانشگاه قرار گرفت. از بیستم آبان ۱۳۳٤ این فعالیت را به طور رسمی ادامه داد و حدود بیست سال به نورافشانی در این سنگر علمی و آموزشی پرداخت. یاد آور می شود شهید مطهری در دانشکده الهیات و معارف اسلامی در دوره های کارشناسی و دکترا، کلیات علوم انسانی (منطق، فلسفه، کلام، عرفان، اصول فقه، فقه و حکمت عملی) فلسفه (شرح منظومه، الهیات شفا، مقاصد الفلاسفه غزالی، تاریخ فلسفه، تاریخ مجادلات اسلامی و روابط فلسفه و عرفان) تدریس می نمود. همچنین ایشان جلسات هفتگی تفسیر قرآن در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه صنعتی شریف داشت. در دانشگاه های تبریز، مشهد، ارومیه، شیراز، کرمان و آبادان هم به نور افشانی پرداخت و سخنرانی های جذابش در این مراکز مورد استقبال دانشجویان و استادان قرار گرفت. همچنین

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

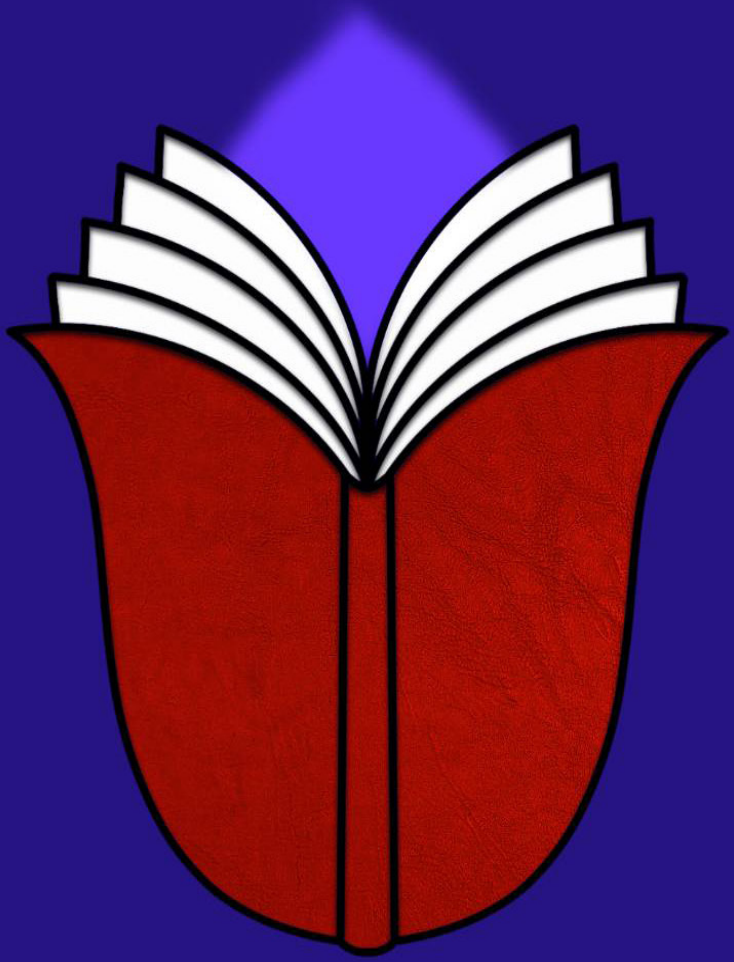


مفتخریم به این افتخار!

باید تکریم معلّم و حرفه تعلیم در جامعه ما همگانی. همه افتخار کنند به معلّم بودن. همه افتخار کنند به این که به معلم سلام میکنند. احترام میکنند.

سید علی خامنه ای - ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



امام جعفر صادق (ع) :

هنگامی که روز قیامت شود،خداوند تمام انسانها را جمع می کند و چون ترازوی اعمال نهاده شد و خون شهیدان را با مرکب قلم عالمان و معلمان بسنجند،ارزش مرکب آنان بر خون شهیدان فزونی خواهد داشت.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ایشـان از یازدهـم آذر ۱۳۵۰ بـه سـمت مدیریـت گروه آموزشـی فلسـفه و حکمت اسلامـی دانشـگاه تهران منصـوب شـد کـه تـا دو سـال ایـن مسـئولیت را عهـده دار بـود.
استاد مطـهری علاوه بـر آنکـه دروس اصولـی، فقهـی و فلسـفی را در حـوزه بـا دیگـرطلاب مباحثـه مـی کـرد، خـود حـوزه ی تدریس داشـت و مُطـوّل، شرح مطالـع، کشـف المـراد، رسـایل، کفایـه، مکاسـب، شرح منظومـه و اسـفار را بـه علاقـه منـدان درس مـی داد.
مطـهری بنـا بـه توصیـه امـام خمینـی رحمـه الله از سـال ۱۳۵۱ تـا ۱۳۵۷، هفتـه ای دو روز بـه قـم مـی رفـت و در حـوزه ی علمیـه ایـن شـهر دروسـی چـون شـناخت عصـر علیت، فلسـفه ی هـگل، معـارف قـرآن، مارکـس و مارکسیسـم، منظومـه، نجات و اسـفار تدریـس می نمـود. در ایـن ایـام عشـق، صفـا، بـی پیرایگـی و بـی تکلفـی ایشـان بـرای همـه شـاگردان درس بـود. در همـان زمانـی کـه اسـتادان بـا سـابقه دانشـگاه، بـا التمـاس درکلاس درس وی شـرکت مـی کردنـد، او بـه حکـم وظیفـه بـه قـم مـی رفـت؛ خـودروی شـخصی نداشـت؛ و کسـی هـم وی را بـه مقصـد نمـی رسـانید؛ یعنـی راننـده ویـژه نداشـت؛ خـود تـا میـدان شـوش مـی رفـت و از آنجـا بـا اتوبـوس بـه قـم عزیمـت مـی کـرد و ایـن ویژگـی وقـت زیـادی را از ایشـان صـرف مـی نمـود (گلـی زواره).
۷. مصاحبـه بـا اسـتاد مصبـاح بـه مناسـبت فرارسـیدن دهمیـن سـالگرد شـهادت آیـت الله مطـهری، اردیبهشـت ۱۳۶۹.
۸. نخسـتین جلـد از ایـن مجموعـه در سـال ۱۳۳۲ چـاپ شـد کـه مـورد اسـتقبال علاقـه منـدان قـرار گرفـت. سـال بعـد جلـد دوم بـه حیلـه ی طبـع آراسـته شـد و جلـد سـوم در سـال ۱۳۳۵ شمسـی بـه طبـع رسـید. در سـال ۱۳۵۰ جلـد پنجـم کتـاب اصـول فلسـفه و روش رئالیسـم (مقالـه چهاردهـم) بـا عنـوان خـدای جهـان و جهـان، بـا مقدمـه و پاورقـی هـای شـهید مطـهری در اختیـار علاقـه منـدان قـرار گرفـت. علـت تاخیـر در انتشـار جلـد چهارم را بایـد در دقـت هـای هوشـیارانه مطـهری جسـت و جـو کـرد. آن معلـم بزرگ زمانـی مطلبی را بـه نـگارش در مـی آورد کـه همـه ی ابعـاد و جوانـب قضیـه را بارهـا

ارزیابی کرده باشد و ابهامی در کار نباشد. علامه طباطبایی می گوید: «در رساله ای به نام قوه و فعل (از جلد چهارم) آن قدر ایشان شوق داشت که بنده را وادار کرد به تهران بروم و یک هفته در منزلشان ماندم تا این موضوع را حل کردیم؛ در عین حال اخیراً خودش هم صاحب نظر بود».

۹. مصاحبه ی حجت الاسلام محمدی عراقی با دکتر احمدی و مصباح یزدی درباره ی شخصیت مطهری.

۱۰. تهافت الفلاسفه یعنی تناقض گویی فیلسوفان و معنای تشویش در ادعاها را هم می رساند. این کتاب شامل چهار مقدمه، بیست مسئله و یک خاتمه است. غزالی در کتاب المنقذ من الضلال و الموصل الی ذی العزة و الجلال اعتراف کرده است که از شک شروع کرده و به شناخت رسیده است.

۱۱. امام خمینی رحمه الله با چنین تنگناهایی مواجه بودند، چنانچه اشاره کرده اند: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته ی متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخوره است. در مدرسه ی فیضیه فرزند خردسالم، مصطفی، از کوزه ای آب نوشید؛ کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می یافت وضع روحانیت، حوزه ها وضع کلیساهای قرون وسطا می شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه ها را حفظ نمود».

علامه طباطبایی در چنین فضای آشفته ای، وقتی نیاز را تشخیص داد ابتدا در منزل خود برای شماری از فاضلان تدریس فلسفه را آغاز کرد و کم کم آن را به داخل حوزه آورد. آن مفسر عالی قدر در مسجد سلماسی، درس فلسفه (اسفار) تدریس می کرد که بر مذاق برخی خوش نیامد و برای تعطیل کردن درسش تلاش های بسیاری صورت گرفت. رشک ورزان، آتش حسد و بدبینی را شعله ور ساختند و برای جلوگیری از این حرکت از مرجع عالی قدرِ وقت، آیت الله بروجردی خواستن درس علامه را تعطیل کنند. آن فقیه فرزانه به علامه پیغام داد درس را محدود نماید

و این تقاضا به دلیل فشارهای شدید گروهی سطحی نگر و اهل جمود صورت گرفت. علامه برای زعیم حوزه نوشت:
«این درس را وظیفه شرعی می دانم و برای تأمین نیازهای ضروری جامعه می گویم، ولی مخالفت با شما را که رهبر جامعه هستید جایز نمی دانم». آیت الله بروجردی توسط خادم خود به علامه رسانید: «هرگونه می دانید عمل کنید؛ ما هم در زمان جوانی در حوزه ی اصفهان نزد جهانگیر خان قشقایی اسفار می خواندیم، ولی مخفیانه به درس ایشان می رفتیم».

با این برنامه، آن مرجع بزرگ درس فلسفه ی علامه را تأیید کرد، ولی به دلیل برخی مسائل از وی خواست چنین درس هایی را همگانی نکند. علامه پذیرفت و با تشکیل جلسات ویژه، با شاگردانی برجسته چون علامه شهید مطهری به احیای فلسفه اسلامی پرداخت و نقد و بررسی فلسفه های غربی و مادی گرایی را به طور جدی پی گرفت و موفق شد با اخلاص، اهتمام فوق العاده و توانایی علمی، تحولی شگرف در این عرصه به وجود آورد. شهید مطهری در این حرکت با برکت، پربار و ماندگار سهمی وافر داشت و از این رهگذر راه صحیح استدلال عقلی و دفاع از جهان بینی و اعتقادات اسلامی را به فراگیران آموزش داد (گلی زواره).
۱۲. سخنرانی درباره شخصیت استاد فرزانه، مرتضی مطهری.
۱۳. مصاحبه ی رادیویی به مناسبت سالگرد شهادت استاد آیت الله مطهری.

منبع مقاله: مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۸)
آفتاب مطهر؛ زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید، آیت الله مرتضی مطهری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

معلم تیزبین و آزاداندیش

استاد شهید آیة ا... مرتضي مطهري (ره) انديشمند آزاداندیش، متفکر متعبد، گوینده ، توانمند، نویسنده دردآگاه و معلم اندیشیدن، به حق از ذخایر الهي براي ملت اسلامي و بلکه جامعه بشري بود و هست. او از زمره صاحب قلمان و گويندگاني بود که با درك ضرورتها و نيازها، قلم قاطع و بيان رساي خود را در خدمت علم و دين و انسان به کار گرفت. عالم، معلم، محقق و نويسنده بود. به نورافشاني و علم آموزي مي پرداخت و شيفتگان علم و تحقيق را از چشمه معلومات خود سيراب مي ساخت. توفيق او در بيداري جامعه اسلامي و اثر عميق و شگرف او در جامعه انديشمندان و متفکران، بايد مورد بررسي و تحليل دقيق و عميق قرار گيرد.

از جمله ويژگيهايي که در استاد شهيد به طور بارز مشهود است، خصوصيات او در مقام «تعليم و معلمي» و «تحقيق و نويسندگي» است. بررسي اين ويژگيها و شناخت شيوه تعليم او در بسياري جهات مي تواند سرمشق و نمونه عيني براي همه استادان و معلمان و نيز پژوهشگران در همه سطوح باشد.

مروري اجمالي بر ويژگيهايي مهم استادشهيد مطهری

۱) استاد شهيد، تدريس را به عنوان عبادت و وظيفه ديني تلقي مي کرد و هم از اين رو، همواره با طهارت و وضو در کلاسهاي درس حضور مي يافت.

۲) داراي تقوا و وارستگي اخلاقي و عملي بود و علاوه بر آن، تقواي علمي نيز داشت و متخلق به اخلاق اسلامي و انساني بود. در تدريس نيز اخلاق شايسته داشت و از برخورد خشونت آميز پرهيز مي کرد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۳) به مباحث تدریس تسلط و پختگي علمي داشت. در مسایل، دقت و موشکافي عمیق مي کرد. تشریح جالب از مطالب داشت. به واسطه عمق، وسعت و گستردگي معلومات خود، بسیار محققانه بحث مي کرد. علاوه بر تسلط به نظرات بزرگان علمي، خود نیز اهل نظر بود. شاگردانش او را داراي هوش فوق العاده و بسیار قوي از جنبه علمي تعریف کرده اند.

٤) نسبت به شاگردان خود، نظر تحقیرآمیز نداشت و به آنها اجازه اشکال و سؤال مي داد. اهل بحث و انصاف علمي بود و در کلاس درس از اشکال و سؤال شاگردان استقبال مي کرد. هیچ وقت با هیمنه و غلبه استاد بر شاگرد، جلو سؤال و اشکال را نمي گرفت، بلکه پا به پاي شاگرد یا صاحب اشکال جلو مي رفت. برخورد ایشان با شاگردان، بسیار متین و توأم با مهرباني، محبت و ادب و مانند برخورد دو رفیق بود. او مؤدب به ادب علمي بود و براي فضاي درس و بحث و نیز شاگردان احترام خاصي قایل مي شد. با شاگردان خود با حرارت و شور و بسیار خوشرو برخورد مي کرد. شاگردان خوش قریحه را مورد تشویق قرار مي داد و به کار اضافي و تحقیقات و مطالعات بیش تر توصیه مي کرد. تشویق شاگردان به کسب علم و کمالات، از ویژگیهاي او بود.

٥) علاقه بیش از حد به تدریس و تعلیم داشت. با حرارت و جدي درس مي داد و با تمام وجود صحبت مي کرد و بلند درس مي داد. این ویژگي حتي در سخنرانیهاي استاد نیز مشهود بود و هست. به آنچه مي اندیشید، عشق و علاقه داشت و به آنچه مي گفت، ایمان داشت. عشق او به کمال، تمام نشدني بود. نزد هرکس که کمالي سراغ داشت، مي رفت و فرا مي گرفت. شیفته علم و دانش بود و این شیفتگي به بهترین وجه در گفته ها و نوشته هایش منعکس شده و به یادگار مانده است.

٦) با دانش خود واقعاً زندگي مي كرد. درخت دانش در عمق جان او ريشه دوانيده بود. به باغ ذهن خود مدام رسيدگي مي كرد، در نتيجه درسها، سخنرانيها و نوشته هاي ايشان هميشه نو بود. مطالعه را قطع نمي كرد و به انديشه معاصران داخل و خارج توجه داشت. در برنامه هاي علمي و عبادي خود استمرار و نظم خاص داشت. در امر تحقيق پيگير و مداوم بود. روي مواد و مطالب گردآوري شده به طور مستمر بررسي و بازنگري مي كرد.

٧) نسبت به عالمان راستين بخصوص استادان خود تواضع زيادي داشت و احترام فراوان مي گذاشت و از آنها با تكريم و تعظيم ياد مي كرد. علم و حكمت نزد او عزيز و عالم و حكيم نزد او معزز بود. براي اظهار نظرهاي علمي احترام خاصي قايل مي شد، اگر چه مخالف با آن بود. به هركس كه صاحب كمال واقعي بود، احترام مي كرد. در برابر فضل و كمال و لياقت در هر كس كه يافت مي شد، حتي آنان كه راهشان از او جدا بود، خاضع بود و انصاف به خرج مي داد و منصفانه مطالب را بر زبان مي آورد.

٨) در هنگام تدريس، بيان رسا، شيوا و سليس داشت. درس او زمزمه محبت بود و همه را به مكتب فرا مي خواند. بيانش گرم و دلنشين و نثرش زيبا و پخته بود.

٩) تكبر و غرور علمي نداشت و اشتباهات و اشكالات وارد در درس را منصفانه مي پذيرفت.

١٠) تدريس منظم و مرتب داشت. در تنظيم شكل درس و تبويب آن متبحر بود. در تدريس از موضوع خارج نمي شد و از خط بحث بيرون نمي رفت. حد و مرز موضوعات و مسايل را خوب مي شناخت. در واقع، بر معلومات گسترده و متنوع خود مديريت داشت. عمده شاگردان او از نظم منطقي مطالب و نحوه تقرير

بالا رفتن از نردبان ترقی خیلی
انسان اگر بخواهد ترقی عمی
باید به پیشرفت تدریجی، خود
سقوط‌های خردکننده دارد.
انسان باید بذر بپاشد و بعد
و معنای «العجله من الشیطان
مقصود است.



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ی بطیء و کند صورت می گیرد.
ق و ریشه‌دار و پابرجایی بکند
را راضی کند، زیرا ترقیات سریع
...
صبر کند تا موقع درو برسد؛
» همین است و این گونه عجله‌ها
یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱۳، ص ۴۷

مرتضی مطهری

براهين و استدلالها سخن گفته اند. در طول كلاس، حتي المقدور از مطلب اصلي دور نمي شد و هرگز رشته اصلي بحث را رها نمي كرد.

۱۱) در تعليم مطلب، استاد و ورزيده بود و مي توانست مطلب پيچيده را به صورت ساده بيان نمايد. تواناي ساده نويسي و ساده گويي از خصوصيات عمده او بود. در درسها از مثال زياد استفاده مي كرد. در تعليم، مشكل ترين مباحث علمي به محصلان سطح متوسط بسيار موفق بود. در بيان مطلب، چندان پايبند اصطلاحات نو و تكيه فراوان بر آنها نبود و درس را هر چه ساده تر بيان و حق مطلب را به خوبي ادا مي كرد.

۱۲) مقيد بود كه در آغاز درس، مطالب عمده و اصلي بحث را كه قبلاً طرح شده بود، يادآوري كند تا ارتباط منطقي مطالب جديد با گذشته حفظ شود.

۱۳) در درسها تلاش مي كرد تا اهميت موضوع را بيان كند، به ريشه يابي موضوع بپردازد و افراد را در زمينه پيگيري اصل موضوع تشويق نمايد. معمولاً قبل از ورود در اصل درس، مقدمه اي در تاريخ آن درس بيان مي كرد. در هر زمينه اي به اقتضاي موضوع مورد بحث، سير تاريخي مطالب بيان مي شد.

در هر علم كه وارد بحث مي شد، سير تحول و تطور آن علم را از ابتدا تا زمان خود تشريح مي كرد و چشم اندازي كلي از آنچه قرار بود پيرامون آن سخن گفته شود، در برابر شاگردان و مستمعان قرار مي داد. در بيان سير تحول يك مفهوم، به اقوال مختلف هم اشاره مي كرد. پس از تقرير منظور نويسنده و احياناً شارحان متن درسي، به نقد و بررسي محققانه و منصفانه آنها مي پرداخت و در انتها نيز رأي خود را بازگو مي كرد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۱۴) داراي روح علمي بود. علوم را شرقي و غربي نمي كرد. بلكه كوشش او در دريافت لب مطلب علمي گوينده يا نويسنده بود. به «من قال» توجه نمي كرد بلكه «ماقال» مورد توجه او بود. در برخورد با افكار انحرافي در مسير تحقيقات، برخوردي علمي، دقيق و متقن داشت. علاوه بر نبوغ و قدرت عظيم فكري، از روحيه انصاف برخوردار بود. با روحيه بزرگ منشانه اما غيراستكباري با آرا و عقايد مخالفان روبرو مي شد. هر سخن و گفته اي را تا حد امكان تجزيه و تحليل مي كرد و شقوق درست و قابل قبول آن را از احتمالات نادرست جدا و به حساب هر يك جداگانه رسيدگي مي كرد. در هنگام بررسي نظريات موافق و مخالف، بي طرفي و انصاف را رعايت مي نمود.

۱۵) به ارتباط علوم و معارف با يكديگر تسلط داشت و در ضمن درس، ارتباط آنها را جاي به جاي نشان مي داد. از اين شاخه به آن شاخه نمي رفت، اما اگر در جايي ضرورت پيدا مي كرد، ارتباط يك علم را با علم ديگر نشان مي داد. رابطه شاخه هاي علوم و منزلت و متد هر يك از علوم را نسبت به يكديگر مي شناخت و در بيان هر مبحثي، مي كوشيد تا ارتباط آن را با مباحث ديگري از ساير علوم روشن سازد.

۱۶) دل، عقل، زبان و قلم او آزاد بود. فهم او با وهم مخلوط نبود. عقل عملي او با آز و هوس آميختگي نداشت. لذا قلم و زبان او حريت داشت. در زمينه ارايه مسايل عملي و اجتماعي نيز از آزادگي برخوردار بود و در تدريسها، همين آزادگي و آزادمنشي برجسته و بارز بود.

۱۷) استعداد و بنيه شاگردان و مستمعان را در نظر مي گرفت و مطالب را متناسب با سطح معلومات مخاطبان عرضه مي كرد. تدريس او به تعبير شهيد شيخ فضل ا... محلاتي، به شيوه انبيا بود. او به اندازه عقول مردم سخن مي گفت. مطالب سنگين

رعایت حجاب علاوه
و تهییج و تحریک م
بر آنکه با دور ساخت
تلاش اقتصادی را
اخلاقی، انسانی ، عا
استواری جوامع را فر
غرق شدن مسائل س
احساس تعالی، اعم
هنری منافات دارد و



چهل چراغ حکمت/دفتر۳۷/صفحه۵۲
شهید مرتضی مطهری

بر آن که از آلودگی فضای جامعه
داوم افراد جلوگیری کرده و افزون
تن افراد جامعه از شهوت‌مداری،
تقویت می‌کند، زمینه‌ی تعالی
لمی و هنری و در نتیجه افزایش
راهم می‌سازد:زیرا بدیهی است که
سکس و شهوت جنسی، با هر گونه
از تعالی مذهبی، اخلاقی، علمی و
زمینه‌ی رشد آنها را از بین می‌برد.

و بالا را به حدي تنزل مي داد كه به اندازه فهم شنونده باشد.
۱۸) سعي مي كرد خيلي آسان و بي تكلف بهترين طرح و توجيه را در مطالب ابتكاري خود بيان دارد. در تدريس، از كلمات و تعبيرات تازه و مفاهيم نو و ابتكاري بسيار استفاده مي كرد.

۱۹) هر گاه درس را لازم مي ديد، آن را مي پذيرفت. به كم و كيف افراد و چند و چون جلسه درس و مكان آن مقيد نبود و هر جا و هر طور كه ميسر بود، كلاس درس را برگزار مي كرد.

۲۰) به خاطر تسلط و چيرگي فراوان در علوم اسلامي، انحرافها را قبل از ديگران مي شناخت و مبارزه مي كرد. هميشه طلبه بود. عالم بود، معلم هم بود، يعني در عين درس خواندن و پيش استاد زانوي ادب زدن، به تدريس آموخته ها نيز مشغول مي شد. آنچه او را از هم دوره ايهاي خود و ديگر مدرسان فاضل جدا و انگشت نماي مثبت عام و خاص مي نمود، همان روشنفكريها و آگاهي بخشيدنهاي او در مسايل اجتماعي، سياسي و اصلاح طلبي بود.

۲۱) مطالب خود را به طور جامع و مانع و به اصطلاح جامع الاطراف مورد بحث قرار مي داد. اطراف، جوانب، نتايج و برداشتهايي را كه ممكن است از آنها گرفته شود، در نظر مي گرفت و پيرامون آن توضيح كافي و وافي مي داد.

۲۲) در هنگام انتقاد، احساسات و عواطف طرف مقابل را در نظر مي گرفت. شيوه تمسخر و تحقير نداشت، بلكه سالم، سازنده و البته منصفانه و محققانه انتقاد مي كرد.
۲۳) مخالف تقليد صرف و نقل طوطي وار از اين كتاب يا آن رساله يا فلان تفكر بود. تا به طور دلخواه مسأله اي با دليل و برهان براي خودش روشن نمي شد، آن را عرضه نمي كرد و مطالب خام را تحويل شاگرد نمي داد.

۲۴) در کار تحقیق و تدریس به قاعده «الاهم فالاهم» معتقد و مقید بود و در زمینه های مورد نیاز جامعه پژوهش می کرد. نیازها را می سنجید و بر سبیل تفنن و سرگرمی قلم به دست نمی گرفت و در کلاس درس حاضر نمی شد. بحث و درس او جهت دار بود نه انتزاعی و انتخاب بحث و درس در اثر احساس نیاز بود.

۲۵) از مطالعه بی برنامه به هر جهت متنفر بود و آن را کفران نعمت خدا می دانست. بنابراین از مطالعات بی ضابطه دوری می جست.

۲۶) پیش از حضور در کلاس درس، مقید بود از پیش مطالعه کند و با یادداشتهای کوتاه، مطالب را در ذهن خود مرتب سازد. حتی در برخی کنفرانسهای تحقیقاتی یادداشتهای کوتاه حاوی رؤوس مطالب مورد بحث را با خود همراه می برد.

۲۷) ارتباط مسایل و مباحث تدریس را با مسایل مستحدثه زمان و مکان خود روشن می ساخت و به اصطلاح، کاربرد مطالب آموزشی را مشخص می کرد.

۲۸) در حالی که به تعبیر خود استاد، از درد عوام زدگی می نالید، خود از این آفت عظیم به دور بود.

۲۹) عبارتها و جمله بندیها در سراسر آثار استاد یکنواخت، یکدست، محکم، ساده و دلنشین است. از تطویل یا اجمال گویی بی جا و به کاربردن الفاظ و اصطلاحات علمی نامفهوم برای شاگردان و خوانندگان اجتناب می کرد. از لحاظ نظم و ترتیب و فصل بندی و نحوه ورود و خروج مطالب در اکثر آثار ایشان، دقت بسیار به کار رفته است.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مؤمن و مسلمان واقعی از نظر
اهمیت بدهد که حقیقت را و ع
می‌یابد؛ آیا آن کس که این گنج
یا نه، همکیش اوست یا همک
است یا سفیدپوست؟ به هیچ
فقط به این جهت اهمیت می
حقیقت است یا حقیقت نیست

استاد مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ج۱، ص۲۱

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

علم جویی و حقیقت طلبی نباید
علم و حکمت را در نزد چه کسی
ج را در اختیار دارد هموطن اوست
یش او نیست؟ آیا سیاه پوست
یک از این امور اهمیت نمی‌دهد،
دهد که آیا آنچه در نزد او هست
ت.





۳۰) سر اینکه نوشته هاي شهید مطهري هر چه زمان مي گذرد، شکوفاتر مي شود، این است که او هم در بعد اثباتي و معرفي مباحث محقق بود و هم در بعد نفي و احتجاج علیه شبهات و نابسامانیهاي عقیدتي و گره هاي فکري. هم در جذب و هم در دفع، در ارادتها، کرامتها، محبت ها، عدالتها، موضع گیریها، تهاجمها و تولي ها و تبري ها. او راسخ در علم بود. به نقل قول صرف بسنده نمي کرد. بلکه موشکاف، نکته سنج، تحلیلگر و شکافنده موضوعات علمي بود.

بي پیرایگي و بي تکلفي، رازداري و دوراندیشي، آینده نگري و حسابگري، عدم بدزباني و غیبت در تدریس، صبور و با حوصله در پاسخگویي به سؤالات و نیز تسلط و صاحبنظري در موضوعات مبتلا به تفکرات اسلامي جوانان، از دیگر ویژگیهایي است که براي ایشان ذکر کرده اند.سر توفیق مطهري، در تیزبیني، ژرفنگري، آزاداندیشي، آینده نگري، زمان آگاهي، نیازسنجي و در یك کلام «اجتهاد علمي» اوست. توجه دقیق به خصوصیات استاد در مقام تدریس و تحقیق، درس آموز همه معلمان، مربیان و محققان است...منبع:روزنامه قدس


درسی برای زندگی
آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی زیرساخت اصلی سعادت یک ملت
کتاب مطهری شهید ناصر کاوه

اصلاحات ديني- اجتماعي از ديدگاه شهيد مرتضي مطهري

روش هاي انقلابي
در تغيير و تحولات اجتماعي معمولاً دو پيشنهاد مشهور مطرح مي شود كه هريك طرفدارانی را به خود اختصاص داده است. يك روش، تغييرات ساختاري است كه تمام سازمان اجتماعي را فرا مي گيرد و نمادهاي اجتماعي و نظامهاي رفتار جمعي را به شيوه دفعي و بنيادي واژگون و نظم نويني را حاكم مي كند كه از آن به روش «انقلابي» تعبير مي شود و ديگري روش ايجاد تغييرات تدريجي درون ساختي است كه به ساخت كلي جامعه و نظامهاي رفتاري حاكم بر جامعه كاري ندارد،
بلكه از طريق تغييرات برنامه ريزي شده و غيرراديكال سعي مي كند تا زمينه تغييرات عمومي را فراهم سازد كه از اين روش نيز با عنوان «رفرم» ياد مي شود. روش اول عموماً با قهر و خشونت و شدت عمل و روش دوم با ملايمت و نرمش و كندي همراه است.

آنچه از متون ديني همچون نهج البلاغه براي اصلاح اجتماع استفاده مي شود روش تركيبي است؛ يعني آميزه اي از روش انقلابي و دفعي با روش ملايم و تدريجي، ولي حوزه بكارگيري هريك از اين روشها متفاوت است؛ يعني در بعضي عرصه هاي جامعه بايد از روش انقلابي و در برخي از لايه ها از روش تدريجي استفاده كرد. تبيين ديدگاه متفكران ديني در باب اصلاحات مي تواند به روند شكل گيري اصلاحات كمك نموده و همگون سازي اصلاحات با جامعه اسلامي ايران را تسريع نمايد و از بروز انحرافهاي احتمالي جلوگيري كند. آنچه مي خوانيد به تبيين ديدگاه استاد شهيد مطهري درباره اصلاحات مي پردازد و مباحثي چون پيشينه تاريخي اصلاحات، ويژگيهاي مصلحان موفق، عالمان دين و اصلاحات، اهداف اصلاحات و آسيب شناسي اصلاحات را در بر مي گيرد.

كتاب مطهری شهيد _ ناصر كاوه

معناي اصلاح طلبي

از نظـر اسـتاد مطـهري، «اصلاح» بـه معنـي سـامان بخشـيدن در مقابـل «افسـاد» قـرار دارد. ايشـان «اصلاح» را نقطـه مقابـل «انـقلاب» نمـي دانـد، بلكـه انـقلاب را نيـز نوعـي اصلاح اجتماعـي دانسته و انـقلاب اسلامـي ايران را يك نهضت اصلاح طلبـي معرفـي مـي نمايد.اسـتاد مطـهري بـا اسـتناد بـه آياتـي از قـرآن كريـم تلاش مـي كنـد توضيح دهـد كـه «اصلاح»، از مفاهيـم مهمـي اسـت كـه در انديشـه اجتماعـي خـدا محـور، جايگاهـي ويـژه دارد:

«مـورد اسـتعمال «اصلاح» در قـرآن گاهـي رابطـه ميـان دو فـرد اسـت (اصلاح ذات البيـن) و گاهـي محيـط خانوادگـي و گاه محيـط بزرگ اجتماعـي اسـت كـه اكنـون مـورد بحـث مـا اسـت. قـرآن كريـم، در مجمـوع تعبيـرات خـود، پيامبـران را «مصلحـان» مـي خوانـد، چنانكـه از زبـان شـعيب پيغمبـر مـي گويـد:
«هـرگاه بـا آنهـا گفتـه شـود كـه در زميـن فسـاد نكنيـد، مـي گوينـد مـا اصلاح گرانيـم. آگاه باشـيد كـه همينها مفسـدانند و خـود نيـز بـه دقـت درك نمـي كننـد.»

ايشـان يكـي از علـل ظهـور پيامبـران جديـد را تحريـف اديـان و شـرايع پيشـين مـي دانـد و بـر همـين اسـاس، پيامبـران را مصلحانـي مـي دانـد كـه بـه اصلاحـگري در دين پيشـين پرداختـه انـد:

«يكـي از علـل تجديـد رسـالت و ظهـور پيامبـران جديـد، تحريـف و تبديلهايـي اسـت كـه در تعليمـات و كتابهـاي مقـدس پيامبـران پيشـين رخ مـي داده و بـه همـين جهـت آن كتابهـا و تعليمـات، صلاحيـت خـود را بـراي هدايـت مـردم از دسـت مـي داده انـد. اغلـب پيامبـران، احياكننـده سـنن فرامـوش شـده و اصلاح كننـده تعليمـات تحريـف يافتـه پيشـينيان خـود بـوده انـد.»

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



حجاب اگرچه همان
همراه دارد، ولی مغ
بردگی مد و مدسازان
جنسی، رهایی داده

چهل چراغ حکمت/دفتر۳۷/صفح
شهید مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ند دیگر قوانین، محدودیت هایی را به
ایر آزادی نیست، بلکه جامعه بشری را از
ن و هوا و هوس های نفسانی و انحرافات
و به آزادی فکری و روانی او کمک می کند.

حه۵۸

بـه اعتقـاد اسـتاد،اصلاح طلبـي، يـك روحيـه اسلامـي اسـت. هـر مسـلماني بـه حكـم اينكه مسـلمان اسـت خـواه ناخـواه اصلاح طلب و دسـت كـم طرفـدار اصلاح طلبـي اسـت. زيـرا اصلاح طلبـي، هـم بـه عنـوان يـك شـأن پيامـبري در قـرآن مـطرح اسـت و هـم مصـداق امـر بـه مـعروف و نهـي از منكـر اسـت كـه از اركان تعليمـات اجتماعـي اسلام است.سـيره و روش امامـان معصـوم(ع) حاكـي از ايـن اسـت كـه آنـان هـم بـه جهـت نـظري و عملـي، بـه اصلاحـات اجتماعـي، نظـر داشـته انـد...

امـام حسـين(ع) در وصيتنامـه معروفـش خطـاب بـه بـرادرش محمـد حنفيـه بـه كار خـود عنـوان اصلاح و بـه خـود عنـوان مصلـح مـي دهد:«قيـام مـن قيـام فـردي جـاه طلـب يـا كامجـو يـا آشـوبگر و سـتمگر نيسـت. مـن در جسـتجوي اصلاح كار امـت جـدم بپاخاسـته ام و اراده كـرده ام امـر بـه مـعروف و نهـي از منكـر كنـم و بـه روش جـد و پـدرم رفتـار نمايـم.»

علي(ع) در يك نيايش زيبا مي فرمايد:
«خدايا تـو خـود آگاهـي آنچـه كـه از ناحيـه مـا صـورت گرفـت، رقابـت در كسـب قـدرت يـا خواهـش فزون طلبـي نبـود بلكـه بـر ايـن بوديـم كـه سـنن تـو را كـه نشـانه هـاي راه تـو هسـتند، بازگردانيـم و اصلاح آشـكار و چشـمگير در شـهرهاي تـو اعمـال كنيـم كـه بنـدگان مظلـوم و مـحروم، امـان يابنـد و مـقررات بـه زميـن مانـده تـو از نـو بـه پـا داشـته شـوند.»

ويژگيهاي مصلح موفق

مطـهري بـا اسـتناد بـه كلامـي از اميرالمؤمنيـن(ع) مبنـي بـر اينكـه «انمـا يُقيـم امـرَ الله سـبحانه مـن لايصانـع و لايضـارع و لا يتبـع المطامـع»، سـه ويژگـي مهـم را بـراي مصلحـان اجتماعـي برمـي شـمارد و معتقـد اسـت اگـر مصلحـان، داراي ايـن سـه ويژگـي باشـند مـي تواننـد در اصلاحـات اجتماعـي موفـق شـوند:

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۱- عدم مصانعه
«مصانعه» نكردن، از ويژگيهاي مهم مصلحان است. شايد نتوان معادل فارسي دقيق براي مصانعه آورد، ولي رفيق بازي، سازش كاري، ملاحظه كاري و معامله گري را مي توان مترادف آن دانست. مصلحان اجتماعي هيچگاه بر سر اصلاحات سازش و معامله نكرده و ملاحظه هيچ كس، هيچ گروه و هيچ طبقه را نبايد بكنند. رفيق بازي و مصلحت باند را بر مصلحت اصلاحات ترجيح دادن كار را عقيم مي گذارد. علي(ع) خود در امر اصلاحات، ملاحظه هيچكس و هيچ گروهي را نكرد و آن را در همه سطوح و جنبه ها به شدت پيگيري كرد. قرآن نيز رسول اكرم(ص) را از «مداهنه» و «مصانعه» بازداشته است. مصلحي كه اهل «مصانعه» باشد، هيچگاه نمي تواند در امر اصلاحات موفق شود.

۲- عدم مضارعه
مطهري بر اين باور است كه كسي مي تواند دست به اصلاحات اجتماعي بزند كه خود از آلودگيهاي معمول و مرسوم اجتماعي مبرا باشد و به آنچه كه براي جامعه و مردم تجويز مي كند عمل نمايد. علي(ع) به عنوان مصلح اجتماعي در اين مورد خطاب به مردم چنين مي گويد:
«به خدا سوگند من شما را به هيچ كاري فرمان ندادم مگر آنكه پيش از آنكه فرمان دهم خودم به كار بستم؛ و از هيچ كاري منع نكردم، مگر آنكه پيش از منع شما خودم را از آن دور كردم.»
همچنين مي فرمايد:«آنانكه كه خود را در مقام رهبري مردم قرار مي دهند، نخست خود را تعليم دهند، سپس مردم را. معلم خويشتن، بيش از معلم ديگران، شايسته احترام است.»به اعتقاد استاد مطهري، آن كس كه مي خواهد جامعه اي را اصلاح كند و تغيير دهد، خودش نبايد همرنگ همان مردم باشد و همان نقاط ضعف كه در مردم هست در او باشد. كسي موفق به اصلاح نقاط ضعف مردم مي شود كه خود از آنها مبرا باشد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

تهمت یعنی دروغ به علاوه غی
توأم شوند اسمش می‌شود تو
زدن رایج است! و بعضی از م
یک «می‌گویند» اول حرفمان م
خدا را هم می‌شود کلاه گذاشت
می‌گویند فلان جا چنین است.
اگر از یک احمقی یا مغرضی یا
حرفش در کجاست درباره کس
بگویید «شنیده‌ام»، «می‌گویند»
دادن فحشاست.

استاد مطهری، آزادی معنوی، ص ۱۳۷ (ب

بت؛ یعنی دو گناه که با همدیگر
همت، و چقدر در میان ما تهمت
ا که می‌خواهیم مقدسی کنیم،
ی‌آوریم. خیال می‌کنیم که سر
ت! می‌گویند فلانی چنین است،

کسی که معلوم است که ریشه
سی حرفی شنیدید، حق ندارید
». خود این «می‌گویند»ها اشاعه



با تلخیص)

۳- عدم تبعیت از مطامع
به اعتقاد مطهري، كسي كه بنده و برده طمع است، نمي تواند مصلح اجتماعي باشد، زيرا در بردگي، اميد رهايي از طرف مالك هست، اما در بردگي از نوع طمع، اميدي به رهايي نيست. آزادي معنوي، شرط توفيق مصلح ديني است. همانگونه كه يك زبونِ ملاحظه كار، توفيق اصلاح نمي يابد، يك گرفتار بيمار نيز موفق به مداواي جامعه خود نمي گردد.
عالمان دين و اصلاحات

مطهري بر اين باور است كه اصلاحات و اهداف آن، زماني در جامعه اسلامي تحقق پيدا مي كند كه رهبري اصلاحات به دست اسلام شناساني «عادل « و «زمان شناس» باشد. اگر عالمان دين، ابتكار اصلاحات را به دست نگيرند خطر بزرگي از ناحيه اصلاح طلبان دروغين و بي علاقه به دين متوجه جامعه اسلامي خواهد شد. مطهري معتقد است، اگر عالمان دين لزوم و ضرورت اصلاحات را درك نكنند و به اصلاحات اساسي و همه جانبه دست نيازند و به خواسته هاي مشروع نسل خود پاسخ مثبت ندهند، اسلام و روحانيت ضربه خواهد خورد.

«روحانيون بزرگ ما بايد به اين نكته توجه كنند كه بقاء و دوام روحانيت و موجوديت اسلام به اين است كه زعماي دين، ابتكار اصلاحات عميقي كه امروز ضروري تشخيص داده مي شود در دست بگيرند. امروز آنها در مقابل ملتي نيمه بيدار قرار گرفته اند كه روز به روز بيدارتر مي شود. انتظاراتي كه نسل امروز از روحانيت و اسلام دارد غير از انتظاراتي است كه نسلهاي گذشته داشته اند. بگذريم از انتظارات خام و نابخردانه اي كه بعضي دارند، اكثريت آن انتظارات مشروع و بجاست. اگر روحانيت ما هر چه زودتر نجنبد و گريبان خود را از چنگال عوام، خلاص و قواي خود را جمع و جور نكند و روشن بينانه گام برندارد خطر بزرگي از ناحيه اصلاح طلبان بي علاقه به ديانت متوجهش خواهد شد.

از طرفي مدعيان اصلاح طلبي كه بسياري از آنها علاقه اي به ديانت ندارند، زيادند و در كمين احساسات نو و بلند نسل امروزند. اگر اسلام و روحانيت به حاجتها و خواسته ها و احساسات بلند اين ملت پاسخ مثبت ندهند، به سوي آن قبله هاي نو ظهور متوجه خواهند شد. فكر كنيد آيا اگر سنگر اصلاحات را اين افراد اشغال كنند، موجوديت اسلام و روحانيت به خطر نخواهد افتاد.»

مطهري، اسلام شناس عادل را در روحانيت شيعه جستجو كرده و به اين نتيجه مي رسد كه اصلاحات در يك جامعه اسلامي، ماهيتي اسلامي دارد و اهداف اسلامي را تعقيب مي كند. پس تنها توسط كساني مي تواند رهبري شود كه علاوه بر شرايط عمومي رهبري، به راستي اسلام شناس باشند و با اهداف و فلسفه اخلاقي و اجتماعي و سياسي اسلام كاملاً آشنا باشند. «امروز هم ما به خواجه نصيرالدين ها، بوعلي سيناها، ملاصدراها، شيخ انصاري ها، شيخ بهايي ها، محقق حلي ها، و علامه حلي ها احتياج داريم؛ اما خواجه نصيرالدين قرن چهاردهم ، نه خواجه نصيرالدين قرن هفتم؛ بوعلي قرن چهاردهم ، نه بوعلي قرن چهارم؛ شيخ انصاري قرن سيزدهم؛ يعني همان خواجه نصير و بوعلي و همان شيخ انصاري با همه آن مزاياي فرهنگي به علاوه اين كه بايد به اين قرن تعلق داشته باشد و درد اين قرن و نياز اين قرن را احساس نمايد.

اگر قرار است روحانيت، سكاندار كشتي اصلاحات بشود بايد قبل از هرچيز به ساختار روحانيت بپردازد و تا زماني كه روحانيت، اصلاح درون سازماني نكند، نمي تواند ابتكار اصلاحات اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و سياسي را به دست بگيرد». به همين جهت مطهري از اولين كساني است كه به نقد سازمان روحانيت، هم به جهت علمي و هم به جهت ساختاري مي پردازد و خواستار اصلاحات شكلي و محتوايي مي شود:



در هـــر زمانـــی منافـ
کـــه در میـــان صفـــوف
مـــی کننـــد و تظاهـــر
نمایند و از پشت خنجر

آشنایی با قرآن، ج

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ـق وجـود دارد
مسـلمانان رخنـه
ر بـه اسـلام مـی
ر می زنند.
۲/ ص ۸۴

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

«من روحانيت را از لحاظ هسته، زنده ترين دستگاهها مي دانم و عقيده دارم فقط غل و زنجيرهايي به دست و پاي اين موجود زنده و فعال بسته شده، بايد او را از قيدها يا زنجيرها آزاد كرد. روحانيت ما درخت اصيل و باارزش و زنده و آفت زده اي است كه خودش را بايد حفظ كرد و با آفاتش مبارزه نمود، زيرا حاملان فرهنگ اصيل و عميق و ذي قيمت اسلامي تنها در ميان اين گروه يافت مي شوند.»

البته منظور مطهري از اصلاح شكلي و محتوايي نهاد روحانيت اين نبود كه عده اي بيرون از اين سازمان به اصلاح اين سازمان بپردازند و محتواي آن را دگرگون نمايند، بلكه اصلاح بايد توسط خود روحانيت و از درون شكل گيرد و هرگونه تجديد نظر و تحول در برنامه هاي حوزه هاي علميه بايد براساس فرهنگ غني اسلامي و ادامه همان راه و تسريع در حركت آن و آفت زدايي از آن بوده باشد. هرگونه تجديد نظر مبني بر جايگزين ساختن فرهنگ ديگر به جاي فرهنگ اصيل هزار و چهارصد ساله اسلامي، خيانت به اسلام و مسلمانان است و نتيجه اي جز كشاندن امت اسلامي به دامن فرهنگ و تفكر بيگانه شرق يا غربي، چپ يا راست ندارد.

مطهري بر اين باور است كه اگر انديشه روحانيت در جهت اصلاح، بهبود و تغيير سازمانهاي اجتماعي نباشد، ارزش و جايگاه اجتماعي و ديني خود را از دست خواهد داد:

«اهميت زعماي صالح فقط از نظر طرز تفكري است كه در مورد اصلاح و بهبود و تغيير سازمانهاي اجتماعي دارند و اما زعماي صالحي كه طرز تفكرشان در اساس و تشكيلات با ناصالحيها يكي است و تفاوتشان از لحاظ اخلاقي و شخصي است و بناست همگي در يك قالب كار كنند، اثر وجوديشان با ناصالح ها آنقدر زياد نيست و منشأ تحولات اجتماعي قابل توجه نخواهند شد.»

اهداف اصلاحات

به نظر مطهري، هر نهضت اصلاحي علاوه بر اهداف جزئي كه وابسته به شرايط زماني و مكاني است، بايد داراي اهداف كلي نيز باشد. ايشان اهداف كلي اصلاحات در جامعه اسلامي را چنين تبيين مي نمايد:

١- بازگرداندن نشانه هاي محو شده راه خدا به جامعه كه چيزي جز همان اصول اسلام واقعي نيست

٢- ايجاد امنيت در داخل كشور و بهبود روابط اجتماعي مردم

٣- ايجاد تحولي بنيادين در اوضاع اقتصادي جامعه براي بهبود معيشت مردم

٤- تحولي اساسي در نظامات مدني و اجتماعي در جهت بپا داشتن مقررات تعطيل شده خدا و قانونهاي نقض شده اسلام.

آسيب شناسي اصلاحات

اصلاحات، شجره اي است كه اگر به بار بنشيند ميوه هاي شيرين و دلپذير خواهد داد و اگر گرفتار آفتها گردد ميوه هاي زهرآگين در كام طالبان آن خواهد ريخت. به همين دليل، بايد مدام جريان اصلاحات را كنترل كرده و به آسيب شناسي آن بپردازند و سعي نمايند جريان اصلاحات را از گزند آفتها مصون بدارند. پس اولاً بايد داراي برنامه اي منسجم و منضبط باشد، ثانياً از يك پايگاه مشروع، رهبري شود و ثالثاً همانگونه كه بيرون از خود را به نقد مي كشد، نقاد خود نيز باشد.

مطهري به عنوان مصلح ديني و اجتماعي به برخي از آفتهايي كه مي تواند يك نهضت اصلاحي را با خطر انحراف و سقوط روبرو كند اشاره كرده است:

١- نفوذ انديشه هاي بيگانه

ورود انديشه هاي بيگانه و مبنا قرار گرفتن آنها، نهضت اصلاحي را از مسير خود دور كرده و نمي گذارد نهضت به اهداف اصلاحي خود برسد. به اعتقاد مطهري انديشه هاي بيگانه و مغاير از دو طريق وارد نهضت مي شوند.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

سخن نماینده روح اس
همان دنیایی تعلق دار
به آنجا تع

استاد شهی



ت؛ سخن هر کس به
د که روح گوینده‌اش
علق دارد.

د مطهری، سیری در نهج البلاغه

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

يكي از طريق دشمنان؛ هنگامي كه يك نهضت اجتماعي اوج مي گيرد و جاذبه پيدا مي كند و مكتبهاي ديگر را تحت الشعاع قرار مي دهد، مكتبهاي ديگر براي رخنه كردن در آن و پوساندن آن از درون، انديشه هاي بيگانه را كه با روح آن مغاير است وارد آن مي كنند و آن مكتب را از اثر و خاصيت مي اندازند و يا كم اثر مي كنند. ديگر از طريق دوستان و پيروان؛ گاهي پيروان مكتب به علت ناآشنايي درست با مكتب، مجذوب سلسله نظريات و انديشه هاي بيگانه مي گردند و آگاهانه يا ناآگاهانه آن نظريات را رنگ مكتب مي دهند و عرضه مي كنند.

۲- تجددگرايي افراطي
اعتدال در انديشه مطهري از جايگاه ويژه اي برخوردار است. به همين دليل ايشان افراط و تفريط در اصلاحات را آفتي بزرگ ديده و به اصلاح طلبان هشدار مي دهد. به اعتقاد ايشان «اعتدال» مبناي اصلاحات در جامعه اسلامي است. اگر جريان اصلاحات گرفتار تندروي بي منطقي شود، اصلاحات به دست خود اصلاح طلبان به مسلخ خواهد رفت.

۳- ناتمام گذاشتن اصلاحات
اصلاحات زماني نتيجه مطلوب را مي دهد كه نيمه كاره رها نشود. به اعتقاد مطهري يكي از نقيصه هاي نهضتهاي اصلاحي صد ساله اخير كه به رهبري روحانيت شكل گرفته است ناتمام گذاشتن اصلاحات است.
«متأسفانه تاريخ نهضتهاي اسلامي صد ساله اخير، يك نقيصه را در رهبري روحانيت نشان مي دهد و آن اينكه روحانيت، نهضتهايي كه رهبري كرده تا مرحله پيروزي بر خصم ادامه داده و از آن پس ادامه نداده و پي كار خود رفته و نتيجه زحمات او را ديگران و احياناً دشمنان برده اند.»

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

٤- رخنه فرصت طلبان
رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب در درون يك نهضت از آفتهاي بزرگ هر نهضت است. بر همين اساس بر رهبران اصلي نهضتهاي اصلاحي لازم است كه راه نفوذ و رخنه اين گونه افراد را سد نمايند.
به نظر مطهري نفوذ فرصت طلبان به موقعيتي مربوط مي شود كه يك جنبش اصلاحي در مرحله ثمردهي قرار دارد. نفوذ اين دسته از افراد موجب مي شود كه اصلاح اجتماعي به هدف واقعي خود دست پيدا نكند. مطهري بر اين باور است كه نهضت را «اصلاح طلب» آغاز مي كند نه «فرصت طلب»، و همچنين آن را اصلاح طلب مؤمن به اهداف نهضت، مي تواند ادامه دهد نه فرصت طلب كه در پي منافع خويش است.

٥- ابهام طرحهاي آينده
يكي از آفتهاي مهمي كه مطهري برمي شمارد، مشخص نبودن طرح اصلاح طلبان اسلامي است. به اعتقاد ايشان چنانچه طرح اصلاح طلبان واقعي به طور كامل مشخص نباشد، افراد ديگري كه طرح آماده اي را در دست دارند، افكار عمومي را جلب و مقاصد خود را اجرا خواهند كرد. بنابراين لازم است كه طرح نهايي اصلاح طلبان واقعي به طور كامل و تفصيلي مشخص باشد:
«نهضت بايد طرحهاي روشن و خالي از ابهام و مورد قبول و تأييد رهبران را ارايه دهد تا جلو ضايعات گرفته شود.»

٦- انحراف از راه خدا
به اعتقاد مطهري، نهضت اصلاحي اسلامي بايد براي خدا آغاز و براي خداوند، تداوم يابد و هيچ خاطره و انديشه غيرخدايي در آن راه نيابد تا عنايت و نصرت الهي شاملش گردد. غيرخدايي شدن هدف يك نهضت اصلاحي اسلامي، آسيب مهمي است كه جامعه را از مسير خداگونگي منحرف و به مسير غيرخدايي منتهي مي سازد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مقام معظم رهبری:

امروز جوانان ما، دانشجویان ما، مع
کارگران ما، اگر می‌خواهند در زمین
اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ سؤ
پیدا نمایند، باید به کتابهای شهی
مراجعه کنند.



لمـان مـا،
ـه‌ی افـکار
الات خود را
ید مطهری

سرباز بلاگ

۷- نفوذ اصلاح طلبان منحرف
رهبري جريان اصلاحات بايد متوجه نفوذ كساني باشد كه به بهانه اصلاح مي خواهند افساد كنند:
«جنبشهايي كه داعيه دار اصلاح بوده اند هميشه يكسان نبوده اند. برخي داعيه اصلاح داشته اند و واقعاً هم مصلح بوده اند. برخي برعكس اصلاح را بهانه قرار داده و افساد كرده اند. برخي ديگر در آغاز جنبه اصلاحي داشته و سرانجام از مسير اصلاحي منحرف شده اند.»

۸- افراطي گري و عدم تعادل
از نظر قرآن، امت واقعي اسلام، معتدل و به دور از افراط و تفريط و چپ و راست است. مطهري يكي از آسيبهاي تهديد كننده اصلاحات را تند روي (افراط) و كند روي (تفريط) توسط مصلحان اجتماعي مي داند. به اعتقاد مطهري، اگر جامعه به سمت راست، منحرف شده، بايد جريان اصلاحات، متمايل به چپ شود و اگر به چپ منحرف شده، بايد جريان اصلاحات متمايل به راست باشد تا جامعه به تعادل برسد.

«خطري كه اغلب مصلحان اجتماعي به وجود مي آورند از همين ناحيه است كه در يك اجتماع تندرو يا كندرو يا متمايل به راست يا به چپ ظهور مي كنند و به پيكار مقدس دست مي زنند، اما فراموش مي كنند كه يك برنامه معين فقط براي مدت محدودي قابل اجراست و با جامعه كندرو و يا تندرو يا چپ رو يا راست رو آنقدر بايد پيكار كرد كه تعادل خود را بازيابد، و بيش از آن، خود مستلزم سقوط و انحراف جامعه از سوي ديگر است.»«براي جامعه منحرف به راست، نيروي اصلاح كننده بايد متمايل به چپ باشد و برعكس.»به اعتقاد مطهري جريان اصلاحات نبايد كهنه ستيز مطلق و يا نوستيز مطلق باشد.
«مشكل عصر ما اين است كه بشر امروز كمتر توفيق مي يابد ميان اين دو تفكيك كند. يا جمود مي ورزد و با كهنه پيمان مي

بندد و با هر چه نو است مبارزه مي كند، و يا جهالت به خرج مي دهد و هر پديده نوظهوري را به نام مقتضيات زمان موجه مي شمارد.»

۹- عمل زدگي و يك بعدي شدن
مطهري، معيار سنجش قرار گرفتن اصلاحات اجتماعي را از آفتهاي «جريان اصلاح طلبي» مي داند و معتقد است نبايد ارزش كار خدمتگزاران بزرگ به اجتماع را به جرم اينكه در اصلاحات اجتماعي نقشي نداشته اند، ناديده گرفت.
«در عصر ما نسبت به اصلاحات اجتماعي، حساسيت مثبت و مباركي پيدا شده كه قابل تقدير است، اما اين جهت احياناً به نوعي افراط گرايي كشيده مي شود كه هر خدمتي جز اصلاح اجتماعي، به هيچ گرفته مي شود. هر خدمتي با معيار «اصلاح» سنجيده مي شود و ارزش هر شخصيتي به ميزان دخالتش در اصلاحات اجتماعي معتبر شناخته مي شود. اين طرز تفكر هم به نظر مي رسد صحيح نباشد ، زيرا هر چند اصلاح اجتماعي خدمت است ، اما هر خدمتي لزوماً اصلاح اجتماعي نيست. از اين رو ارزش كار خدمتگزاران بزرگ را به جرم اينكه در اصلاحات اجتماعي نقشي نداشته اند نبايد ناديده بگيريم. كار شيخ مرتضي انصاري يا صدرالمتألهين، يك خدمت است و خدمت بسيار بزرگي هم هست در صورتي كه كار آنها اصلاح و خود آنها مصلح به شمار نمي روند.»

۱۰- محدوديت و عدم تعميق
آفت ديگري كه ممكن است دامن جريان اصلاحات را بگيرد اين است كه عده اي خيال كنند مطلق امر به معروف و نهي از منكر، مصداق اصلاح اجتماعي است . در صورتي كه به اعتقاد مطهري: «در امر به معروف و نهي از منكر لزوماً مصداق اصلاح اجتماعي نيست ، ولي هر اصلاح اجتماعي مصداق امر به معروف و نهي از منكر است.»

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



اگر شخصی را دیدید که در همه
در عین حال سخنی را بدون دلیل
واقعی نیست. علم، بشر را در م
و در قبول و انکار محتاط‌تر می‌کن

است

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



رشته‌ها گواهینامه تحصیلی دارد،
ل قبول یا انکار می‌کند بدانید عالم
قابل حقایق خاضع‌تر و تسلیم‌تر
ند.

اد مطهری، امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص۵۷

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

بـه تعبيـر ديگـر اسـتاد مطـهري معتقدنـد كـه بيـن مفهـوم «امـر بـه مـعروف و نهـي از منكـر» و «اصلاح اجتماعـي» نسـبت منطقـي عمـوم و خصـوص مطلـق، برقـرار اسـت يعنـي هـر اصلاح اجتماعـي، امـر بـه مـعروف و نهـي از منكـر اسـت، ولـي هـر امـر بـه مـعروف و نهـي از منـكري، اصلاح اجتماعـي نيسـت.
بـر طبـق آنچـه گذشـت نتايـج بررسـي ديـدگاه مطـهري در بـاب اصلاحـات را بـه شـكل زيـر مـي تـوان برشـمرد:

١- اصلاح، ناظـر بـه اصلاح اجتماعـي و فكـر دينـي اسـت كـه ارتبـاط تنگاتنگـي بـا هـم دارنـد.
٢- اصلاحـات بـا رفـرم متفـاوت اسـت. اصلاحـات يعنـي بسـامان كـردن امـور اجتمـاع مسـلمانان كـه در دو مرحلـه نهـي و طـرد، و تثبيـت سـازندگي تحقـق مـي پذيـرد.
٣- تعريـف مطـهري از اصلاح اجتماعـي مبتنـي بـر كتـاب و سـنت و تعريفـي اسلامـي و شـيعي اسـت.
٤- اصلاحـات، دوبعـدي اسـت و ابعـاد مـادي و نيـز معنـوي را شـامل مـي شـود.
٥- رهبـران اصلاحـات بايـد بـا ديـدي آسـيب شناسـانه و نقادانـه بـه رفتـار خـود بنگرنـد.
٦- اصلاحـات در جامعـه اسلامـي بايـد توسـط عالمـان دين صـورت بگيـرد يـا رهبـري شـود.
٧- اصلاحـات نبايـد بـا تندروي بي منطق همراه باشـد.
٨- اصلاح سـاختار اجتماعـي، بـدون اصلاح سـاختار فـكري، امـكان پذيـر نيسـت.
٩- نبايـد اصلاح اجتماعـي، تنهـا معيـار و ملاك سـنجش افـراد و كاركـرد آنهـا باشـد.

نويسنده:علي دژاكام
منبع:روزنامه قدس


کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مصلح اجتماعی با خاستگاه دینی

مطـهری را بـه عنـوان یـك روحانـی و اسلام شـناس برجسـته، بـه عنـوان یـك فیلسـوف و متفکـر ژرف اندیـش، بـه عنـوان یـك اسـتاد و نویسـنده نمونـه و بـه عنوانهـای دیـگری از ایـن قبیـل شـناخته ایـم. امـا شـناخت او بـه عنـوان یـك مصلـح اجتماعـی، نیـاز مغفولـی اسـت کـه بـه دو دلیـل ضرورت مضاعفـی یافتـه اسـت؛ نخسـت آنکـه مطـهری از معـدود متفکرانـی اسـت که مـورد قبـول و اقبـال قشـرهای متفـاوت اجتماعـی و طیـف هـای مختلـف فـکری اسـت و نظـر صائـب، نیـت خالـص و قـدرت نظریـه پـردازی او را همـگان پذیرفتـه و تحسـین کـرده انـد. دیگـر آنکـه بـا گذشـت سـه دهـه از تجربـه برپایـی نظـام سیاسـی بـر مبنـای تفکـر دینـی، نیـاز بـه بازاندیشـی درگذشـته بـرای حرکتـی پرشـتاب تـر و صحیـح تـر در آینـده جـای تردیـد نـدارد. نگاهـی بـه آثـار و کارنامـه پربرکـت ایـن شـهید بـزرگ نشـان مـی دهـد کـه مـی تـوان او را بـه عنـوان یـك مصلـح اجتماعـی کـه اتفاقـا از خاسـتگاه دیـن بـه همـه چیـز نگریسـته اسـت، مـورد مطالعـه قـرار داد و از آثـار مکتـوب و شـفاهی و از مهـم تریـن سـیره عملـی و رفتـار اجتماعـی او الگـوی مطمئنـی بـرای خـود سـاخت.

مفهوم و اهداف کلی:

انـقلاب بـه حرکـت هایـی گفتـه مـی شـود کـه خواسـتار تغییـر اساسـی و بنیادیـن در وضعیـت اجتمـاع و نظـام حاکـم بـر آن اسـت، امـا اصلاح بـه حرکتهایـی اطلاق مـی گـردد کـه بـه رغـم پذیـرش بنیـان هـای اساسـی، بـه دنبـال دگرگونـی و تغییـر از طریـق روشـهای مسـالمت آمیـز هسـتند. امـا ایـن تفـاوت در ادبیـات دینـی و ملـی مـا بـه رسـمیت شـناخته نشـده و از نـگاه اسـتاد مطـهری نیـز اصلاح اجتماعـی انـقلاب را هـم در بـر مـی گیـرد. بـه همیـن جهـت اسـت کـه امـام حسـین (ع) نیـز انـقلاب خونیـن خـود را اصلاح طلبـی در امـت جـد خـود مـی نامـد، «انمـا خرجـت لطلـب الاصلاح فـی امـت جـدی». مقصـود اسـتاد مطـهری از اصلاحـات نیـز دقیقـا چنیـن مفهـوم وسـیعی اسـت و بـه همیـن جهـت بارهـا و بارهـا از اصـطلاح «نهضـت

اصلاحی» استفاده می کند. به هر حال شهید مطهری اصلاح یعنی سامان بخشیدن را که نقطه مقابل افساد است از ضرورتهای مسلم دینی می شمارد و ضمن تاکید بر اصلاحات میان فردی یا خانوادگی، بحث های مفصل و البته پراکنده ای در مورد اصلاح اجتماعی دارد و پرداختن به آن را «حساسیت مثبت و مبارکی» می شمارد. ایشان با اشاره به آیات متعدد قرآن که همه پیامبران را مصلحان می خواند اعتقاد دارد اصلاح طلبی یك روحیه اسلامی است. هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لااقل طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی از ارکان تعالیم اجتماعی اسلام است.

البته به نظر استاد آنچه مهم است تشخیص درست اهداف اصلاحات اجتماعی، آسیبهای آن و پرهیز از «افراط گرایی در این باب است»، زیرا اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب و طبیعی است که شناخت جهت مطلوب و استمرار حرکت به سوی جوهره این حرکت ارزشمند است.

شهید مطهری در برداشتی عالمانه و زیبا از خطبه مشهور حضرت علی (ع)، اهداف اصلاح طلبی دینی را در چهار محور خلاصه می کند: ۱-پیرایه زدایی از دین و از میان بردن بدعتها و در یك کلام «بازگشت به اسلام نخستین».
۲-تحول بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا به گونه ای که نظر هر بیننده را جلب نماید.
۳- بازسازی «روابط اجتماعی انسانها» تا بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان امان یابند و دست تطاول ستمگران از سر ستمدیدگان کوتاه شود.
۴- دگرگون سازی نظامات مدنی و اجتماعی جامعه در سایه برپا داشتن مقررات تعطیل شده خدا و قانونهای نقض شده اسلام.



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ناگفته پیداست که دست یافتن به این آرمانهای بلند نیازمند صلاحیت هایی است که رهبران حرکت های اجتماعی باید از آن برخوردار باشند. همچنین طی این راه طولانی همواره مواجه با دشواریهای بسیار و آسیب پذیریهای بی شماری است که بدون توجه به آنها هیچگاه نمی توان به مقصد رسید. اینها همه نکته هایی است که از نگاه نافذ استاد مغفول نمانده و به آنها اشاره خواهد شد.

شرایط موفقیت مصلحان اجتماعی

استاد مطهری، اصلاحات به این معنی را «کار پیامبرانه» و هدف تمام انبیاء و امامان دانسته و در عین حال این سوال اساسی و سرنوشت ساز را مطرح می کند که «آیا هر فردی در هر شرایط روحی و اخلاقی و با هر نوع شخصیت معنوی موفق به برداشتن چنین گام پیامبرانه ای می شود؟»

ایشان با استناد به حکمت ۱۰۷ نهج البلاغه به این پرسش پاسخ منفی داده و تاکید می کنند فقط کسی چنین توفیقی حاصل می کند که سه صفت بزرگ در او راه نیافته باشد: مصانعه، مضارعه، طمع. با توضیحات استاد، می توان گفت که شرایط موفقیت اصلاح طلبان از دیدگاه علی (ع) به شرح زیر است:

۱- عدم مصانعه

مصانعه را به سازشکاری، یا ملاحظه کاری یا معامله گری هم معنی کرده اند ولی استاد معتقد است که نه، همه اینها مصانعه هستند، ولی مصانعه بیش از اینهاست و تاکید می کند که هنوز نتوانسته ام یك معادل فارسی دقیق برای آن پیدا کنم. ایشان تلاش می کند با ارائه مثالهایی از کاربرد این واژه در کلمات امام علی (ع) معنای روشنتری از آن ارائه کند و از جمله مصلحت سنجی ها، از آن نوع مصلحتهایی که سیاستمداران خود را با آنها تطبیق می دهند!، ترویج برخوردهای چاپلوسانه و تملق آمیز، رودربایستی در اجرای امر خدا داشتن و ملاحظه دوست و رفیق و فرزند و خویشاوند و مرید را در کارها دخالت دادن را

مصداق صفتی می داند که با شعار اصلاح طلبی تناقض دارد. ماست مالی خطاهای خود و اطرافیان و شیره مالی بر سر مردم نیز مصداق دیگری است که این شهید بزرگوار برای مصانعه ذکر می کند.

۲- مضارعه
مضارعه یعنی مشابهت و به عقیده استاد آن کس که می خواهد جامعه ای را اصلاح کند و تغییر دهد خودش نباید همرنگ همان مردم باشد و همان نقاط ضعف که در مردم هست در خودش وجود داشته باشد، کسی موفق به اصلاح نقاط ضعف می شود که خود از آنها مبرا باشد. ایشان به عنوان نمونه، علی (ع) را مصداق یك مصلح دینی می داند که فرمود: به خدا سوگند من شما را به هیچ کاری فرمان ندادم مگر آنکه پیش از آن که فرمان دهم، خودم به کار بستم و از هیچ چیز شما را منع نکردم، مگر آنکه پیش از آنکه شما را منع کنم، خودم از آن دوری کردم.

۳- عدم طمع ورزی
استاد طمع را «بردگی جاوید» انسان معنی کرده و معتقد است آنکه در بند خودخواهی، فزون طلبی و هواپرستی گرفتار است نمی تواند دیگران را از این مشکلات رها سازد. پس «حریت و آزادی معنوی شرط توفیق مصلح دینی است. همچنانکه یك زبون ملاحظه کار توفیق اصلاح خدایی نمی یابد، و همچنانکه یك گرفتار بیمار موفق به مداوای جامعه خود نمی گردد، یك اسیر و بنده مطامع نفسانی نیز موفق نخواهد شد دیگران را از اسارتهای اجتماعی یا معنوی باز دارد.»
ایشان در جای دیگر می گوید: اولین شرط اصلاح طلبی فارغ بودن از تعصبات افراطی نسبت به فرقه خاص، علیه فرقه دیگر است و این را پیش شرط شناخت درست اجتماع و یافتن درمان دردهای آن می داند.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



تاریخ شیعه و ائمه شیع
که امامان، اکابر اصح
مدتها شاگردی کرده
اصول و مبادی فقه ش
می کردند که بنشینند و فت

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ه حکایت می کند
اب خویش را که
بودند و آشنا با
یعه بودند، تشویق
وا بدهند.

شش مقاله، ص ۲۴۰

بازخواني اوصاف شخصيتي شهيد مطهري

غـم فـراق و فقـدان آمـوزگار فرهيختـه انـقلاب، روشـنفكر متعهـد، استاد شـهيد مطـهري ۲۷ سـاله شد.استاد شـهيد مرتضي مطـهري از برجسـته تريـن و عالـي تريـن نخبـه هـاي فـكري حـوزه علميـه قـم و نهضـت اسلامـي ايـران بـود. او فـردي مـورد اعتمـاد امـام راحـل و از تئوريسـين هـاي تـراز اول انـقلاب اسلامـي بـود كـه متأسـفانه در اولـين بهـار انـقلاب از بوسـتان پرطـراوت انـقلاب چيـده شـد.درحالي كـه انـقلاب اسلامـي در ۲۲ بهمـن ۱۳۵۷ بـه پيروزي رسـيد اسـتاد مطـهري در ۱۲ ارديبهشـت ۱۳۵۸ مظلومانـه به شـهادت رسـيد. بدين ترتيـب اسـتاد در كمتـر از سـه مـاه در دوران حيـات نظـام مقـدس اسلامـي حضـور داشـتند در طـول ايـن مـدت علاوه بـر فعاليـت هـاي گسـترده اي كـه بـه انجـام مـي رسـاندند تعـدادي مقالـه و سـخنراني دربـاره انـقلاب اسلامـي و موضوعـات اساسـي پيرامـون آن عرضـه كردند.پـس ارديبهشـت مـاه هـر سـال، همـه اهـل فرهنـگ و ديـن و قلـم و بيـان را يـادآور مـردي مـي سـازد كـه حضـورش بركـت بـود، و قلمـش انعـكاس دانايـي و بيانـش فريـاد آگاهـي و شـايد بتـوان همـه حيـات او را در دو سـاحت آموختـن و آموزانـدن خلاصـه كـرد از ايـن رو بهتـر كـه او را شـهيد عرصـه علـم و معرفـت و تفكـر و انديشـه و آگاهـي و دانايـي ناميـد.

در ارديبهشـت ۵۸ صاحـب فضيلتـي را از دسـت داديـم كـه اميـر عـارف جمـاران او را فرزنـد عزيـز و حاصـل عمـر خويـش توصيـف كردنـد كـه پشـتوانه اي بـراي حـوزه هـاي ديني و علمـي و خدمتگزاري سـودمند بـراي ملـت و كشـور بود.اسـتادي كـه دعـوت و ارشـاد و مبـارزه بـا تحريـف هـا و بدعـت هـا را اولـين مسـئوليتي مـي دانسـت كـه در دوره خاتميـت پيامبـران بـه عالمـان، انتقـال يافتـه و خـود نيـز سـنگرباني متعهـد بـراي ايـن جايـگاه بـود.ديروز شـيوه دشـمن در برخـورد بـا رهبـران و مغزهـاي متفكـر انـقلاب اسلامـي، از ميـان برداشـتن شـخص او بـود و امروز شـيوه دشـمن در برخـورد بـا مغزهـاي متفكـر انـقلاب اسلامـي از ميـان بـردن يـاد و نـام و خاطـره آنهاسـت.

دشـمن بايـد بگويـد و بنويسـد كـه:«آن قـدر از مطـهري سـخن بـه

ميان آمده كه او نيز همچون دين، دولتي شده است».آيا اين نگرش نشانه فرسنگ ها فاصله از تعقل و تدبر و تفكر نيست؟! اگر چه دشمن، ديروز، استاد را از ما گرفت اما امروز وظيفه و رسالت ما اين است كه اجازه ندهيم انديشه و تفكر استاد- كه به تعبير امام راحل همه بدون استثناء مفيد و آموزنده هستند - را تخطئه كنند و تفكر مطهري از جامعه رخت بربندد.
در بازخواني و پژوهشي در شخصيت و آثار استاد شهيد مطهري(ره) به ويژگي ها و خصوصيات و رويكرد ايشان بيشتر مي توان پي برد كه نويسنده در اين مقاله به اهم شاخص هاي آن اشاره مي كند با هم آن را از نظر مي گذرانيم.

۱- مردمگرايي
رويكرد مردمي به عنوان عامل جاودانگي استاد مطهري شمرده مي شود چنانكه وي به گروهي خاص و همچنين از زبان گروهي خاص نيز سخن نگفت، و با وجود سطح عالي علمي، به جاي ماندن در حوزه و پرداختن به مسائل صرف علمي و تأليف كتاب به ميان مردم و قشر دينداز آمد تا به وظيفه خود عمل نمايد درواقع استاد انديشمندي مردمي بود.

۲- رويكرد عدل گرايي و عدالت محوري و نگاه ويژه به مقوله عدالت اجتماعي
وجه برجسته و بارز آثار استاد مطهري توجه خاص به عدل و عدالت گستري در اسلام مي باشد در ميان آثار متعدد ايشان كتاب عدل الهي چون نگيني بر تارك ادبيات اسلامي مي درخشد و از ارزشمندترين متون اسلامي است كه مبحث عدالت را در اسلام و در سيره پيامبر(ص) و حضرت علي(ع) و بزرگان دين مورد بررسي و تفسير و تأويل قرار مي دهد. توجه جدي به طرح عدالت اجتماعي به طوري كه ايشان عدالت را از جنبه فردي خارج كرده و از بعد اجتماعي مورد بررسي قرار دادند و حتي شهادت حضرت علي(ع) را در جهت تحقق عدالت اجتماعي مي دانند.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

من این را به طور قاطع عرض می
هر زمانی که «قطب مخالف» از عق
شود، خودِ عقیدهٔ حق طبعاً به سوی ف
یعنی عوام الناس می آیند در اطر
حق آنچنان می بافند و مخلوط می
چرند به آن اضافه می کنند که عقی
طرفدارها زیان می بینند.
همیشه زیانهایی که عقیدهٔ حق به دس
دیده، به دست مخالفانش ندیده

استاد مطهری، جهاد اسلامی و آزادی

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ی کنم:
یدهٔ حق گرفته
ساد می گراید؛
راف این عقیدهٔ
ی کنند و آنقدر
یدهٔ حق به دست

ست طرفدارانش
ه است.

عقیده، ص ۱۱۶

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۳- پرهيز از روشنفكرمآبي
در آثار شهيد مطهري ما، لحن و كلامي روشنفكرانه و بهره گيري از لغات پرطمطراق و اصطلاحات سنگين فقهي- فلسفي و ادبي را هرگز مشاهده نمي كنيم.

٤- ارائه انديشه هاي نوين
استاد مطهري از سويي با زباني ساده و بي پيرايه اسلام ناب را بدون پيرايه هاي خرافي- سنتي ارائه مي كرد و از سوي ديگر مكاتب انحرافي و خط مشي هاي افراطي را در زمينه هاي ديگر براي مردم و جوانان جوياي فكر و علم به چالش مي كشاند.

٥- آسيب شناسي ديني
اصطلاح آسيب شناسي ديني يك اصطلاح جديد در حوزه انديشه ديني است شايد بتوان مدعي شد كه استاد مطهري اولين كسي بود كه اين واژه را وارد حوزه انديشه ديني كرد و در آثار خود از آن بهره برد (احياء تفكر اساسي ص ۳۲) يعني شناخت آسيب ها و اشكالاتي كه بر اعتقاد و باور ديني و يا آگاهي و معرفت ديني و يا عملي در رفتار جامعه ديني وارد مي شود و يا ممكن است كه وارد شود از اين منظر بخش اعظمي از تلاش هاي علمي استاد مربوط به آسيب شناسي ديني است زيرا فعاليت هايشان در جهت شناسايي و ترميم آسيب ها و دفع شبهات وارد بر دين، باورهاي ديني، معرفت ديني و دينداري بود. كه مرحله درمان يا همان رفع نقاط آسيب ديده از سرفصل هاي مهم در آسيب شناسي است و استاد تلاش وافري در شناخت و درمان نقاط آسيب ديده انجام داده است.

استاد مطهري براي درمان و رفع آسيب مفاهيم ديني ابتداء به علل آن پي برده و با نقد و دفع آن علل، درمان آن آسيب را ميسر مي نمايد. مثل «تحريفات عاشورا» يا «حماسه حسيني» كه استاد در اين اثر براي اصلاح و شناساندن تحريفات حادثه

کربلا، بخش مهمي از کتاب حماسه حسيني را به عوامل تحريف اين حادثه اختصاص داده و پس از آن فصلي از کتاب را با عنوان وظيفه ما، در برابر تحريف ها نامگذاري فرموده اند که اين نمونه اي از ميزان اهميت و تأثيرگذاري شناخت علل آسيب ديدگي در مرحله درمان آسيب درنظر استاد مي باشد.

٦- کارکردهاي فعال در حوزه فکري، اجتماعي و عملي
چنان که به نظر استاد مطهري جنبش هاي اصلاحي اسلامي، برخي فکري و برخي اجتماعي و برخي ديگر، هم فکري بوده و هم اجتماعي (نهضت ها درصد ساله اخير ص ١٣) و حرکت استاد نيز در راستاي تقسيم بندي، آخري قرار مي گيرد که داراي کارکردهاي فعال در حوزه هاي فکري و اجتماعي بوده است.

٧- التقاط زدايي يا مبارزه با شبهه گرايي و دفاع از تعاليم و انديشه هاي اسلامي
برخي روشنفکران اين شبهه را مطرح مي کردند که تعاليم اسلامي با تغييرات زمان سازگاري ندارد و لذا قابل استفاده در عصر حاضر نيست. استاد در کتاب امدادهاي غيبي در زندگي بشر صفحات ٥٩-١٥ بيان مي کند که تعاليم اسلام تعاليمي بي نقص و از سويي نيز هميشه زنده است و خورشيد دين هرگز غروب نمي کند. و در حوزه هاي مختلف دين بارها از تعاليم مورد اتهام دفاع نموده است. دفاع از مسائل اعتقادي نظير قضا و قدر، شفاعت، انتظار و يا دفاع و دفع شبهه از قوانين و مقررات اسلام چون مباحث حقوق زن، برخي مقررات جزايي و جهاد و يا دفاع از اخلاق اسلامي.

مثلا در پاسخ به اين شبهه که آموزه هاي اسلامي را کهنه و يا مرده تلقي مي نمايد بحث هاي مبسوط و مفصلي را تحت عنوان کلي اسلام و مقتضيات زمان را دارند که در فرازي مي فرمايد: «اسلام نمرده است، مسلمين مرده اند. اسلام نمرده چرا؟ چون



ابز

ابزار
خوارج

HARI

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ار منافق

منافق، متدین جاهل است. لذا
ج همواره ابزار منافقین بوده اند.

مرتضی مطهری

یادداشتهای استاد مطهری
ج ۷ / ص ۲۶۰

OSTAD_MOTAHARI SHAHIDMOTAH
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

کتاب آسمانیش هست، سنت پیغمبرش هست و اینها به صورت زنده هستند یعني دنیا نتوانسته بهتر از آنها بیاورد پس نقص کار در کجاست؟ نقص کار در تفکر مسلمین است. یعني فکر مسلمین، طرز تلقي مسلمین از اسلام، به صورت زنده اي نیست؟ به صورت مرده اي است.» (حق و باطل ص۷۷) و یا در جاي دیگر مي فرماید: «حقایق دین و اصول کلي که دین ذکر کرده است.» هرگز مردني نیست آن چیزي که مي گوییم مي میرد... معنایش این است که در میان مردم مي میرد، فکر مردم درباره دین، فکر مرده اي است...

اسلام یك حساب دارد و مسلمین حساب دیگري دارند اسلام زنده است و مسلمانان فعلي مرده» (ده گفتار ص۱۳٤) لذا پایه اصلي شخصیت والاي استاد مطهري التقاط زدایي از پیکر تفکر دیني بود که ریشه در دقت، تیزبیني و مطالعات گسترده و عمیق اسلامي آن حکیم فرزانه داشت.

۸- رویکرد اصلاح طلبي اسلامي یعني اصلاح خود و اصلاح زاویه دید نسبت به اسلام نه اصلاح اسلام
استاد در این زمینه مي فرماید:
«ما باید تصور خودمان را درباره اسلام تصحیح کنیم و این است معني تفکر اسلامي یعني ما باید طرز تفکر و طرز بینش خودمان را درباره اسلام اصلاح کنیم آن عینك و زاویه دید خودمان را اصلاح کنیم تفکر اسلامي خودمان را به شکل تازه اي درآوریم تلقي خودمان را از اسلام عوض کنیم.» (حق و باطل ص۱۳٦).

۹- مسئولیت گرایي فراگیر در اصلاح گرایي
استاد شهید در مورد تحریفات حادثه عاشورا مي فرمایند:
«نگاهي به گذشته کنیم و ببینیم مسئول این تحریفات چه کساني هستند. آیا خواص و علما مسئول این تحریفاتند و یا توده و عوام الناس؟... معمولا در این گونه قضایا علما به گردن

عوام مي اندازند و عوام به گردن علما... ولي حقيقت اين است كه در اين تقصير و در اين مسئوليت، هم خواص مسئولند و هم عوام.» (حماسه حسيني ۹۲-۹۱) و استاد در راهكار درماني خود در اين بخش، از سويي خود ديندارن را مسئول شمرده و بخشي از وظيفه اصلاح در اين حوزه را متوجه ايشان مي دانند و معتقد است كه عوام بايد بكوشند و خود را از جهالت و بي خبري نجات بخشند و از سوي ديگر وظيفه مبارزه با علل آسيب ديدگي از ناحيه ديندارن را متوجه علما و دين شناسان كرده و فرموده اند: «وظيفه علماست كه در اين موارد حقايق را بدون پرده به مردم بگويند ولو مردم خوششان نيايد. وظيفه علماست كه با اكاذيب مبارزه كنند وظيفه علماست كه مشت دروغگويان را باز كنند» (حماسه حسيني١٠٤)

١٠- صاحب نظريات بديع و ابتكاري
از نظر استاد يكي از عوامل آسيب ديدگي نگرش هاي ديني را مي بايست در حوزه دين شناسان جستجو كرد. مثلا برخي از دين شناسان در ناحيه فهم، عمدتاً دچار معضلات و آفاتي مي شوند. آفاتي از قبيل روش هاي نادرست فهم نظير عقل گرايي محض، حس گرايي محض، اخبارگري، اشعرگري وهابي گري.
استاد مطهري در اين حوزه نيز فعاليت هاي قابل توجهي دارند. نقدهاي ايشان بر روشهاي نادرست فهم، نمونه اي از اين فعاليت هاست مانند:
نقد عقل گرايي محض (انسان كامل ١٧٨- ١١٥)
نقد حس گرايي محض (اصول فلسفه و روش رئاليسم ج١ مقالات ١و ٢)
نقد اخبارگري (ده گفتار ١١٠-١٠٦) اسلام و مقتضيات زمان (ج١- ١٥١-١٤١)
نقد اشعري گري (بيست گفتار ٥٠-٤٦) جهان بيني توحيدي (٧٦-٧٢)
نقد وهابي گري (جهان بيني توحيدي ٨٠-٧٦)

كتاب مطهری شهيد _ ناصر كاوه

ایمان مذهبی پیوندی است دوستا
دیگر نوعی هماهنگی است میان
ایمان مذهبی تنها یک سلسله تک
طبیعی تعیین نمی‌کند، بلکه قیافه ج
عناصری علاوه بر عناصر محسوس
جهان خشک و سرد مکانیکی و ما
و آگاه تبدیل می‌کند.



نه میان انسان و جهان، و به عبارت
انسان و آرمانهای کلی جهان.
الیف برای انسان علی‌رغم تمایلات
جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد؛
ن، در ساختمان جهان ارائه می‌دهد؛
دی را به جهانی جاندار و ذی‌شعور



ی، انسان و ایمان، ص۳۵ (با تلخیص)

اما علت اصلي اين آسيب به سبب گستردگي و پيچيدگي موضوعات مورد فهم مي باشد كه نگرش هاي ديني را دچار آسيب مي نمايد و در رفع اين معضل دو پيشنهاد ارائه مي دهند:
۱- تشكيل شوراي فقهي و اجتهاد گروهي (ده گفتار ۱۲۸-۱۲۵)
۲- اجتهاد تخصصي (همان ۱۲۵-۱۲٤)
۱۱- تيزبيني، بصيرت و فراست سياسي

استاد شهيد مطهري يك آسيب شناس بزرگ جهان اسلام بود كه قدرت فوق العاده اي در درك شرايط فعلي و تطبيق آن با شرايط مورد انتظار داشت. برهمين مبنا بود كه ٤١سال پيش و ۱۵سال قبل از پيروزي انقلاب اسلامي از افق حركت آينده صهيونيزم پرده برداشت و نسبت به خطر رو به رشد آن در درون كشورهاي اسلامي هشدار دادند.
در عرصه هاي داخلي نيز استاد در ۲۷سال، پيش از خطر انحراف در جبهه اسلام سخن راند و مسئولان نظام را به خطر گسترش انديشه هايي كه به ظاهر اسلامي اند اما در باطن به تبليغ سكولاريزم مي پردازند هشدار داد.
استاد شهيد مطهري پس از حضرت امام راحل اولين شخصي بود كه به خطر نفاق و سران منافقين پي برد و حتي تغيير در ايدئولوژي آنها را نيز سالها پيش از بروز، پيش بيني نموده و حتي مبارزه اش با رژيم شاه مانع از آن نشد تا از خطر گروه ها و جريان هاي انحرافي غافل بماند.

۱۲- به روز بودن و ناظر به زمانه بودن آثار
اين رويكرد را به مخاطب خود نيز مي آموزد، مثلا در بحث قيام عاشورا مي فرمايد كه شمر هزاروسيصد سال پيش مرد، شمر امروز را بشناس؛ و يا مباحث حقوق زن در اسلام گويا اين مطالب براي وضع همين امروز جامعه ما بيان شده اند.
استاد مطهري بدرستي دريافته بود كه پرسشهاي نوين و

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مستحدثه، پاسخ هاي كهن را برنمي تابند و كلام قديم بدون بازسازي و بازفهمي و پالايش و پيرايش، جوابگوي نيازهاي انسان معاصر نمي تواند باشد. لذا كوشيد از افق جديدي به مسائل ديني و اجتماعي نظرافكند و آن را از چشم انداز نويني به تصوير كشد.

۱۳- آگاه به حوزه هاي مختلف
شهيد مطهري با تسلطي كه به مباني جهان بيني اسلامي و سير تطور و تحول تاريخ تفكر مسلمين داشته و آگاهي كه از شرايط پيدايش انديشه هاي علمي و فلسفي داشت و همچنين آگاهي كه از شرايط پيدايش انديشه هاي علمي و فلسفي معاصر كسب مي كند و تطبيق علم و دين و هماهنگي دينداري و نوگرايي را به گونه اي متفاوت از پيشينيان ترسيم مي نمايد. تا جائيكه اعتقاد به نوگرائي را مساوي با نفي و طرد دينداري پنداشتن و لازمه تكامل اجتماعي و توسعه اقتصادي را كه به شدت مورد نياز جوامع تازه از زنجير استعمار رسته بوده را در حذف دين و مباني ارزشهاي اخلاقي از ساحت اجتماع و تصميم گيريهاي كلان برشمردن تا اينكه و گرايش هاي تجددطلبانه بصورت جنبش هاي اجتماعي و نهضت هاي ناسيوناليستي و شبه ديني، در درون جوامع اسلامي قد برافراشت و زمينه پيدايش حكومت هاي لائيك و سكولار را در دنياي اسلام هموار ساخت در اين اوضاع و احوال و مواجهه با چنين فرآيندي استاد مطهري را به تكاپو براي نجات اسلام و مسلمين از ركود حاكم و همگام نمودن آنان با تحولات جهاني وامي دارد.

در عين حالي كه استاد پرورش يافته فرهنگ اصيل اسلامي بود از مباني فرهنگ و تمدن غرب نيز مطلع بود بر همين اساس به خوبي مي توانست خطوط التقاط و انحراف را از صراط مستقيم تشخيص دهد. او رخنه ادبيات ماركسيستي را در حوزه روشنفكري ديني يك آفت جدي مي دانست زماني كه ماركسيسم يك علم



مل

تا ملتی
اجبارا ر
غیر این
شوند و
می کنن

HARI

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ت مجاهد

ی مجاهد است او را به حساب می آورند و
عایت انصاف را درباره اش می نمایند. در
ن صورت، برای او شخصیتی قائل نمی
ز از هر گونه انصافی درباره اش مضایقه
ند.

مرتضی مطهری

قیام و انقلاب مهدی (ع)، ص ۷۸

OSTAD_MOTAHARI SHAHIDMOTAH
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

محسوب مي شد و پيش فرض هاي آن بعنوان اصول موضوعه تفكر ديني مطرح مي شد، استاد ايدئولوژي بشر ساخته مارکسیسم را به چالش مي كشاند.

١٤-حساس به كج انديشي ها و تفسيرهاي نادرست
استاد دقت و توجه وافري داشتند و دين شناسي، دين شناسان را موردمداقه قرار مي دادند تا كالاي ديگري را به نام دين به دينداران نفروشند. مطالبي را كه از قلم وبيان آنها تراوش مي كرد به دقت مورد مطالعه قرار مي داد و هركجا كه اشتباهي را مشاهده مي كرد با شجاعت تمام در برابر آن اشتباه و گوينده آن ايستادگي مي كرد.
مثلاً گروهي تحت عنوان روشنفكران مذهبي، كساني كه سعي مي كردند دين را به جامعه و نسل جوان و دانشگاهي معرفي كنند. استاد نسبت به تصويري كه روشنفكران مذهبي از دين ترسيم مي كردند حساسيت خاصي داشتند در عين متانت و تواضع اما هيچگاه كوتاه نمي آمدند بعنوان مثال باوجود احترامي كه براي مهندس بازرگان در آن زمان قائل بود ولي كتاب «راه طي شده» و «درس دينداري» ايشان را بطور جدي مورد نقد قرار داد.
درست همين شيوه را درمورد دكتر سحابي و دكتر شريعتي هم داشت. در شرايط قبل از انقلاب با شريعتي دوست بودند و از او دعوت كرده بود تا به تهران بيايند و در حسينيه ارشاد به سخنراني و به برگزاري جلسات بپردازند ولي درعين حال افكار و انديشه هاي ايشان را به مناسبت هاي مختلف عالمانه و مؤدبانه مورد نقادي قرار مي داد.
جناب دكتر حداد عادل نقل مي كند: «در عيد فطر سال ٥٧ بعد از نماز به منزل آقاي مطهري رفتيم اتفاقاً عده اي از اعضاي انجمن اسلامي پزشكان نيز به ديدن ايشان آمده بودند ازجمله صحبت هايي كه مطرح كردند اين بود كه شما چرا با دكتر شريعتي مخالفيد؟ ايشان خيلي خونسرد گفتند، فلان موضوع

جزو مسلمات اسلام هست یا نه؟ جزو احکام اسلام است یا نه؟ گفتند بله، گفت خوب، این نوشته ها را شما بخوانید اگر من بگویم کسي باخواندن اینها فکر مي کند اصل این موضوع در اسلام نیست، حق دارم این اعتراض را بکنم یا نه؟ گفتند بله. گفت حرف من از این قبیل است (کیهان ۷۹/۲/۱۱ ص٦).

۱۵-فاقد روحیه تعصب صنفي و مصلحت فردي
همانطورکه اشاره شد هیچ گاه مصلحت فردي و یا صنفي او را از انجام وظیفه اي که برعهده خود مي دید بازنمي داشت. استاد به عمل دیني دینداران توجه مي کرد تا خالص و ناخالص را از هم تفکیك کند و ساحت قدسي دین را از خرافات پیراسته سازد. مثلاً اخباریون، روحانیوني که گرفتار جمود فکري بودند استاد سعي مي کرد تا با جمود حاکم بر افکار و اذهان این دسته از روحانیون مخالفت کند. و یا منبریها و مداحان از دیگر گروه هاي صنفي که مخاطب شهید مطهري بودند، سخنان وعاظ و گویندگان ومداحان و اهل منبر، بخصوص به سخنان روحانیون بسیار حساس بودند لذا با کمال شجاعت و شهامت به تحریفات بخصوص تحریفات واقعه عاشورا اعتراض مي کرد کتاب تحریفات عاشورا نمونه روشن این برخورد است.

۱٦-تکلیف گرا و احساس مسئولیت
استاد همواره به دنبال تدوین و تنظیم اسلام به صورت یك مکتب و ایدئولوژي بودند، تا از این راه بتوانند به مقابله با هجوم گسترده ایدئولوژي هاي وارداتي بپردازند از این رو توان خویش را صرف پاسخگویي به نیازهاي فکرین جدید جامعه و بخصوص نسل جوان کردند. استاد در این زمینه در مقدمه کتاب عدل الهي نوشته اند «این بنده از حدود ۲۰سال پیش که قلم به دست گرفته مقاله یا کتاب نوشته ام، تنها چیزي که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار داده ام حل مشکلات و پاسخگویي به سؤالاتي است که در زمینه مسایل اسلامي در

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

عصر ما مطرح است... دين مقدس اسلام يك دين ناشناخته است، حقايق اين دين تدريجاً درنظر مردم واژگونه شده است... هجوم استعمار غربي با عوامل مرئي و نامرئي اش از يك طرف و تصور يا تقصير بسياري از مدعيان حمايت از اسلام در اين عصر از طرف ديگر، سبب شده است كه انديشه هاي اسلامي در زمينه هاي مختلف از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گيرد. بدين سبب اين بنده وظيفه خود ديده است كه در حدود توانايي در اين ميدان انجام وظيفه نمايم.»

۱۷-دقت و انضباط فكري

گفتار و نوشتار استاد بسيار دقيق است و از ميان انبوه آثار ايشان نمي توان به نكته اي دست يافت كه حاكي از تناقض در منظومه فكري و نظري او باشد.

۱۸-ثابت قدم و راسخ در عقيده

كجروي هاي اعتقادي و انحراف هاي فكري بشدت استاد را نگران مي نمود. اين خصوصيت استاد زمينه ساز شكل گيري كينه ها و عقده هاي عميق نسبت به ايشان گرديد و عرصه را بر حيات فكري ايشان بسيار تنگ كرد. در سال ۱۳۵٦ نامه اي به حضرت امام(ره) كه در تبعيد بودند نوشت و در آن با اشاره به تلاش هاي مخرب و ضددیني ماركسيست ها، مجاهدين خلق، مخالفان روحانيت و حاميان متعصب مرحوم شريعتي تصريح كردند:

«... با من به حساب اين كه تا اندازه اي اهل فكر و نظر و بيان و قلم هستم بشدت مبارزه مي كنند، شايعه برايم مي سازند، جعل و افترا مي بندند... من الآن مركز ثقل حملات اين گروه ها هستم» (رسالت ۸٤/۲/۱۲ ص۱۵)

ناگفته نماند كه استاد از يك سو گرفتار اصحاب تحجر بود و از سوي ديگر تهاجم ناجوانمردانه اصحاب التقاط اما «تسليم مشهورات و مقبولات زمانه نشد و طريق حق را برگزيد.

نويسنده:بيژن ذبيحي

منبع:روزنامه كيهان

كتاب مطهری شهید _ ناصر كاوه



مطهری شهید

حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یك انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یك بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگهداشت؛ «بل احیاء عند ربّهم» یك متخرّج و تحصیل‌کرده‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، وقتی با کوله‌بار معرفت و دانشی که به طور عمیق آموخته است، می‌آید در دل محیط فرهنگ و تعلیم و تربیت عمومی و نسل جوان قرار می‌گیرد، این‌قدر منشأ برکات می‌شود...

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

۱۳۹۰/۰۲/۱۴

نقش دین در اصلاح جامعه

دین در فرهنگ خودی از منظر شهید مطهری اساسی ترین نقش را در فرآیند اصلاح جامعه دارد. شهید مطهری نخستین هدف کلی اصلاحات را این می داند که نشانه های محو شده راه خدا که جز همان اصول واقعی اسلام نیست را بازگردانیم. یعنی بازگشت به اسلام نخستین و راستین. بدعتها را از میان بردن و سنتهای اصیل را جایگزین کردن. یعنی اصلاح در فکرها و اندیشه ها و تحولی در روحها و ضمیرها و قضاوتها در زمینه خود اسلام. او این اصلاح فکری را مقدم بر آبادسازی شهرها، اصلاح روابط اجتماعی و تغییر نظامهای مدنی و اجتماعی می داند و معتقد است که «خودباختگی در برابر غرب» و مجذوب یك سلسله نظریات و اندیشه های بیگانه شدن آفت یك جنبش اصلاحی و نقطه آغاز انحراف آن است.

او امتیاز اصلاح طلبانی نظیر سید جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری را در اصول گرایی آنان می داند. سید جمال را به آن دلیل که «نه مجذوب تمدن غرب بود و نه مرعوب» می ستود و از اقبال به این دلیل ستایش می کرد که معتقد است شرق اسلامی هویت واقعی خود را که هویت اسلامی است از دست داده و باید آن را باز یابد.

استاد با اشاره با اینکه نظریه اصلاحی اقبال را چیزی به نام فلسفه خودی تشکیل می دهد، تاکید می کند که نخستین کار لازمی که مصلحان باید انجام دهند بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به خود واقعی، یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است و این است فلسفه خودی. از همین جاست که طرح جدایی دین وسیاست (سکولاریسم) را نقشه عمال استعمار دانسته و سید جمال را در شناخت این توطئه بزرگ پیشقدم می داند و می گوید: اعلام همبستگی دین و سیاست و اعلام ضرورت شرعی آگاهی سیاسی برای فرد مسلمان و ضرورت دخالت او

در سرنوشت سیاسی کشور خودش و جامعه اسلامی یکی از طرحهای سید برای چاره جویی دردهای موجود بود.

و باز همین جاست که نقص کار برخی رهبران دلسوز نهضت های اسلامی در سده اخیر را آن می داند که با فرهنگ اسلامی عمیقا آشنا نیست و از بعضی دیگر از دوستان گله مند است که مجذوب یك سلسله نظریه ها و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه یا نا آگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند و عرضه می نمایند. و فریاد برمی آورند که:

من به عنوان یك فرد مسئول به مسئولیت الهی به رهبر عظیم الشان نهضت اسلامی هشدار می دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می کنم که نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارك اسلامی، اعم از آنکه از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند.

از نظر مطهری این صحیح نیست که یك فرد غیر وارد که اگر یك کتاب فقه و یا فلسفه را به دستش بدهند نمی داند از راست بگیرد یا از چپ، پیشنهاد رد یا طرد را بدهد و درباره اسلام و به نام آن بنویسد و تبلیغ کند. ایشان با همین برداشت است که نهضت اصلاحات را ضروری می داند ولی اصرار دارد که این فرهنگ غنی و عظیم اسلامی است که می تواند و باید پشتوانه نهضت واقع شود و هم علمای اسلامی متخصص در این فرهنگ عظیم و آگاه به زمان هستند و هم باید نهضت را رهبری کنند. ایشان درباره بزرگترین جنبش اصلاحی در قرن اخیر، یعنی حرکت امام خمینی (ره)، نیز معتقد است انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به پیش برود، می باید باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به



نهض

هر نهض
فکری
جریانه
برخورد

HARI

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ت اجتماعی

ت اجتماعی باید پشتوانه ای از نهضت
و فرهنگی داشته باشد و اگر نه در دام
ایی قرار می گیرد که از سرمایه ای فرهنگی
ارند.

مرتضی مطهری

نهضتهای اسلامی در صد ساله اخیر /ص ۷۷ و ۷۸

OSTAD_MOTAHARI SHAHIDMOTAH
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یك قرن که هیچ، یك نسل که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می شود زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی، باز هم همین گروه روحانیون متعهد هستند. البته بر این نکته نیز اصرار می ورزد که خود این نهاد هم آفت زده است و باید آن را اصلاح و پاسخگوی نیاز زمانه کرد. از نظر او روحانیون بزرگ ما باید به این نکته توجه کنند که بقا و دوام روحانیت و موجودیت اسلام به این است که زعمای دین ابتکار اصلاحات عمیقی که امروز ضروری تشخیص داده می شود را در دست بگیرند.

امروز این ملت تشنه اصلاحات نابسامانی ها است و فردا تشنه تر خواهد شد. از طرفی مدعیان اصلاح طلبی که بسیاری از آنها علاقه ای به دیانت ندارند بسیار هستند و درکمین احساسات نو و بلند نسل امروزند. اگر اسلام و روحانیت به حاجتها و خواسته ها و احساسات بلند این ملت پاسخ مثبت ندهند، به سوی آن قبله های نوظهور متوجه خواهند شد. فکر کنید آیا اگر سنگر اصلاحات را این افراد اشغال کنند، موجودیت اسلام و روحانیت به خطر نخواهد افتاد؟!

تهدیدهایی فراروی انقلاب

شهید مطهری پس از بررسی و مقایسه چندین نهضت اسلامی هشدار می دهد که نهضت ها هم مانند همه پدیده های دیگر ممکن است دچار آفت زدگی شوند و این وظیفه رهبری نهضت است که پیشگیری کند و اگر احیانا آفت نفوذ کرد، با وسایلی که در اختیار دارد و یا باید در اختیار بگیرد آفت زدایی نماید. در غیر این صورت آن نهضت عقیم و یا تبدیل به ضد خود خواهد شد برخی از مهمترین تهدیدهای بیرونی یا آسیب پذیر های درونی برای هر حرکت اجتماعی از دیدگاه این استاد فرزانه عبارت از موارد زیر است:

۱- عقب نشینی از اصول - با تحلیلی که شهید مطهری از جایگاه و نقش دین در اصلاحات ارائه می کند، طبیعی است که نفوذ اندیشه های بیگانه، خودباختگی در برابر غرب و تن دادن به فکر استعماری جدایی دین و سیاست (سکولاریسم) را بزرگترین و نخستین آفت حرکتهای اصلاح طلبانه بداند.

ایشان معتقدند اندیشه های بیگانه از دو طریق نفوذ می کنند: یکی از طریق دشمنان و دیگر از طریق دوستان و پیروان مکتب که به علت نا آشنایی درست با مکتب، مجذوب یك سلسله نظریات و اندیشه های بیگانه می گردند و آگاهانه یا نا آگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می دهند.

او یکی از توطئه های خطرناك دشمن را تضعیف باورهای دینی مردم و وادار کردن آنان به عقب نشینی از ارزشها و اصول به نام مبارزه با تعصب و ترویج تساهل و بردباری می داند. استاد، مرحوم سید جمال را به دلیل تشخیص دقیق این توطئه تحسین می کند و می گوید: «سید به مسلمانان هشدار می داد که غرب با وجود اینکه با ماسك آزاد منشی، تعصب را نکوهش می کند، خود در دام تعصب، خصوصا تعصب مذهبی علیه مسلمانان، سخت گرفتار است .

سید، به رغم آنکه فرنگی مآبان تعصب را نکوهش می کنند، مدعی بود تعصب بد نیست. تعصب مانند هر چیز دیگر افراط و تفریط و اعتدال دارد، تعصب به معنی تصلب و غیرت حمایت از معتقدات معقول و منطقی نه تنها بد نیست، بسیار مستحسن است. سید می گفت: اروپائیان چون اعتقاد دینی مسلمانان را استوارترین پیوند میان آنان می بینند، می کوشند تا با نام مخالفت با تعصب این پیوند را سست کنند.»

چرا حضرت زهرا(س) دس
ایشـان را دفن کنند؟ چرا ف
کسـی از کسانی که به من
تشـییع جنازه‌ام شرکت کن
برای اینکه می‌خواسـتند ای
لوث نشود؛ می خواستند ای
همیشه باقی بماند و این ظلم
فراموش نشود.

استاد مطهری، آیندهٔ انقلاب
ص۱۹۹-۱۹۸ «با تل



تور دادند شبانه
ر مود نمی‌خواهم
ظلم کرده‌اند در
ند؟
ین ظلم در جهان
ین علامت سوال
م و این مظلومیت



د اسلامی ایران
خیص»

کتاب مطهری خرید _ ناصر کاوه

۲- افراط گرایی - از نظر استاد «تجدد گرای افراطی» آفت دیگری است که باید در نظر داشت. پرهیز از افراط و تفریط و گرایش به اعتدال در هر کاری خالی از دشواری نیست ولی چاره ای جز تحمل این دشواری نیز وجود ندارد. ایشان ضمن گلایه از عوام زده های گذشته گرا به شدت از گروه دیگری نیز انتقاد می کند از آنان که به مسائل روز توجه دارند و درباره آینده می اندیشند اما متاسفانه سخاوتمندانه از اسلام مایه می گذارند و سلیقه روز را معیار قرار می دهند و به نام اجتهاد آزاد به جای آنکه اسلام را معیار حق و باطل زمان قرار دهند، سلیقه و روح حاکم بر زمان را معیار اسلام قرار می دهند و به منظور رنگ زمان زده و باب طبع زمان کردن دین، از ضروریات آن دست می شویند.

این همان دغدغه همیشگی استاد، یعنی جستجوی راه حلی برای مسئله هماهنگی احکام اسلام و مقتضیات زمان است که از طرفی در اثر جمود فکری و قشری مآبی و از طرف دیگر به نام انطباق اسلام با علم، تفریط یا افراط صورت نپذیرد. ۳- رخنه فرصت طلبان - شهید مطهری با اشاره به تاریخ صدر اسلام و نیز تاریخ معاصر ایران می گوید: هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می کند، سنگینی اش بر دوش افراد مومن، مخلص و فداکار است.

اما همین که به بار نشست سر و کله افراد فرصت طلب پیدا می شود و غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می آورد. به اعتقاد استاد: نهضت را اصلاح طلب آغاز می کند نه فرصت طلب و همچنین آن را اصلاح طلب مومن به اهداف نهضت می تواند ادامه دهد نه فرصت طلب که در پی منافع خویش است.

بنابراین ساده لوحی است اگر جامعه سازان بخواهند در راه رسیدن به اهداف خود از کسانی استفاده کنند که نه تنها

پیشینه روشنی ندارند، بلکه هم اکنون نیز به صراحت سخن از کنار نهادن دین و شعارهای آن سر می گویند.۴- انحراف انگیزه ها - از نظر استاد این آفت از نوع معنی است، از نوع تغییر جهت دادن اندیشه ها و نیتها است. اگر مصلحان اجتماع در جریان اقدامات خود اخلاص و قصد خدمتگزاری را از دست دهند در حقیقت کار آنان ضد خود تبدیل شده است.

همه می دانیم که پاك نگهداشتن اندیشه و نیت در مراحل نفی و انکار که همه سرگرمی ها درگیری با دشمن بیرونی است آسان تر است (اما) همین که نهضت به ثمر رسید و نوبت سازندگی و اثبات، که ضمنا پای تقسیم غنائم هم در میان است، برسد حفظ اخلاص بسی مشکل تر است و این سنت لایتغیر خداست که هر ملتی از درون و از جنبه اخلاقی تغییر کند و عوض شود، خداوند متعال سرنوشت آنان را تغییر دهد.

داستان غم انگیز دل بستن عناصر تاریخ صدر اسلام (خواص) به چرب و شیرین دنیا و برقراری مسابقه در جمع آوری مال و تصاحب منصب ها برای هیچ کس پنهان نیست و همگان می دانند که این آفت بزرگ چه فتنه ها به پا کرده، چه آتشها بر افروخته و چگونه اسلام را چون پوستی وارونه نمایش داد.

نویسنده:دکتر محسن اسماعیلی
منبع: روزنامه جوان

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



فلس

فلسف

سعاد

توحی

سعاد

HARI

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

فه مهدویت

ه بزرگ مهدویت، پیش بینی یک آینده
ت بخش و پیروزی کامل عقل بر جهل،
د بر شرک، ایمان بر شک، عدالت بر ظلم،
ت بر شقاوت است.

مرتضی مطهری

امدادهای غیبی در زندگی
بشر/ صفحه ۹۶

OSTAD_MOTAHARI SHAHIDMOTAH
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

هنر شهيد مطهري(ره)

اجتهاد و اعتماد به نفس
ايشان به قوت فكري و انديشه قوي و صائب خود وارد ميدان هايي شد كه تا آن وقت هيچ كس در زمينه مسائل اسلامي وارد اين ميدان ها نشده بود؛ و با تفكراتي كه آن روز در كشور رايج شده بود- افكار وارداتي ترجمه اي غربي و شرقي- يا مي رفت رايج شود، خود را وارد يك چالش علمي عميق و وسيع و تمام نشدني كرد. ايشان، هم در جبهه مقابله با ماركسيست ها به يك جهاد بسيار هوشمندانه دست زد، و هم در جبهه مقابله با تفكرات غربي و ليبراليست ها وارد ميدان شد. اين نقش، بسيار مهم است؛ هم جرأت و اعتماد به نفس لازم مي خواهد، هم قدرت فكري و اجتهاد در زمينه هاي گوناگون را لازم دارد، هم يقين و ايمان قاطع مي خواهد؛ اين مرد بزرگ همه اينها را با هم داشت؛ هم عالم بود، هم بسيار مؤمن بود، هم به ايمان خود يقين داشت، و هم اعتماد به نفس داشت؛ اينها لازم است.

در سابقه تاريخي ما افكار وارداتي وجود دارد؛ منتها نه با اين وسعت، با اين شيوع و با اين امكان تأثيرگذاري. تاريخ ما از اين گونه رگه هاي فكري ناسالمي كه وارد تفكرات علمي ما شده- چه در فقه ما، چه در فلسفه ما، چه در كلام ما- پر است؛ ليكن در دوره جديد كه ارتباطات گسترش پيدا كرد، حرفهاي نوبه نو- با جاذبه هايي كه به طور طبيعي دارد- مرتباً وارد فضاي فكري جامعه شد و به يك مواجهه صحيح و علمي ايجاد نياز كرد.
ما در ميدان بوديم و مي ديديم؛ بعضي از مواجهه هايي كه آن وقت صورت مي گرفت، علمي نبود؛ مقابله متعصبانه و از روي اعتقاد بود؛ اما نخوانده و نفهميده، حرفي را رد مي كردند؛ نمي دانستند چيست؛ گوشه اي از يك حرف وسيع را مي گرفتند و آن را مشمول جنگ خودشان قرار مي دادند و با آن درمي افتادند و مقابله مي كردند.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

ايـن، تحجـر و توقـف و مقابلـه غيرعلمـي را تداعـي مـي كـرد. يـك عـده تحـت تأثيـر جاذبـه هـاي افـكار نـو و وارداتـي، مجـذوب اينهـا مـي شـدند و سـعي مـي كردنـد اسلام و فكـر اسلامـي و ديـن را بـا اينهـا تطبيـق كننـد؛ منتـي هـم سـر ديـن مـي گذاشـتند كـه مـا اسلام را جـوان پسـند و مردمـي و قابـل قبـول كـرده ايـم! گاهـي اوقـات كاسـه از آش داغ تـر هـم مـي شـدند و چنـد قـدم هـم جلوتـر از صاحبـان ايـن فكرهـا پيـش مـي رفتنـد، بـراي ايـن كـه نبـادا متهـم بـه مرتجـع بـودن و ايـن حرفهـا شـوند كـه ايـن را هـم مـا در مـواردي ديديـم. نبـوت و توحيـد و معـاد و مباحـث امامـت و مباحـث فقهـي و مباحـث اجتماعـي و سياسـي اسلام را بـه سـمت مشـابهات خـودش در مكاتـب بيگانـه از اسلام و احيانـاً الحـادي و بكلـي بيگانـه از ديـن كشـاندند و منـت هـم سـر اسلام مـي گذاشـتند كـه مـا آمديـم اسلام را همـه كـس فهـم و همـه كـس پسـند و در چشـمها شـيرين كرديـم!

ايـن هـم يـك انحـراف ديگـر بـود؛ هـر دوي اينهـا انحـراف بـود. هنـر شـهيد مطـهري در آن دوران ايـن بـود كـه بـا قـدرت اجتهـاد و بـا انصـاف و ادب علمـي- چـه در زمينـه علـوم نقلـي، چـه در زمينـه علـوم عقلـي- وسـط ميـدان ايسـتاد و بـا ايـن افـكار گلاويـز شـد و آنچـه را كـه تفكـر اسلامـي بـود، روشـن، نـاب و بـي شـائبه وسـط گذاشـت.

جريان فكري اسلامي انقلاب

عليـه او خيلـي هـم حـرف زدنـد و خيلـي هـم كاركردنـد؛ امـا ايشـان ايـن كار را انجـام داد. در جريـان روشـنفكري، ايـن نقـش بسـيار مهمـي اسـت؛ و ايـن شـد پايـه تفكـرات بعـدي جامعـه مـا. بنـده اعتقـاد راسـخ دارم و بارهـا هـم گفتـه ام كـه جريـان فـكري اسلامـي انـقلاب و نظـام اسلامـي مـا در بخـش عمـده اي متكـي بـه تفكـرات شـهيد مطـهري اسـت؛ يعنـي آنهـا پايـه هـا و مايـه هـاي اسلامـي اي اسـت كـه مـا در تفكـرات اسلامـي از آنهـا بهـره برديـم و بـه نظـام اسلامـي منتهـي شـد؛ لـذا در همـان روزگار هـم افـكار شـهيد مطـهري جايـگاه

من زائر رها عارفانه

قرآن، گویی عنایت دارد که
بزرگ یاد کند که تمامشان د
و برتری داشته‌اند.



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه


در کنار قدّیسین از قدّیسات
ر مواردی بر آن قدّیسین علوّ
ستاد مطهری، حماسه حسینی، ج۱، ص۳۷۸
کتاب مطهری شهید _ ناصر

امني بود براي جوانهاي طالب و عاشق فكر اسلامي كه در زير بمباران شديد تفكرات بيگانه قرار مي گرفتند؛ ماركسيست ها يك طور، غربگراها يك طور؛ هم در دانشگاه ها وجود داشت، هم در محيط بيرون از دانشگاه ها، و هم حتي در حوزه هاي علميه، شهيد مطهري يك سنگر و يك مأمن براي اين افراد شد تا بتوانند خود را زير سايه اين تفكر عميق و مستحكم حفظ كنند؛ هم دين خود را حفظ كنند، هم بتوانند دفاع كنند و حرف نو داشته باشند.

نيازمند مطهري هاي جديد هستيم
نكته دوم كه خوب است روي آن فكر شود، تداوم اين جريان است. ما كه نمي توانيم در شهيد مطهري متوقف شويم. درست است كه الان هم بعد از بيست وچند سال از شهادت اين مرد، كتابهاي او جزو پرفروش ترين و جذاب ترين و مطلوب ترين كتابها براي نسلهاي جوياي فكر متين و منطقي اسلام است و الان هم ما واقعاً بديل و عديلي براي مجموعه كتابهاي شهيد مطهري (رضوان الله تعالي عليه) نداريم و با اين كه كارهاي خوبي هم شده، بلاشك از لحاظ اهميت و تأثيرگذاري و جذابيت و اتقان، هنوز هم در بالاترين سطح قرار دارد؛ ليكن جريان ورود در عرصه چالش با افكاري كه وارد مي شود و نقادي علمي و برخورد صحيح با آنها و تفكيك صحيح از سقيم مواد و اجزاء آنها و تبيين فكر اسلامي در زمينه آنها بايد ادامه پيدا كند، و اين جزو وظايف مهمي است كه وجود دارد.

همان طور كه عرض كردم، ما به مطهري هايي در دهه هاي آينده احتياج داريم. بعد از انقلاب اسلامي و تشكيل نظام اسلامي، فكر اسلامي مورد چالش جدي قرارگرفته است؛ بعد از اين هم بلاشك چالشهاي جديدي را روزبه روز براي آن به وجود مي آورند؛ رها كه نمي كنند. ما بايد در اين جا خود را آماده كنيم و مي توانيم. سرمايه غني و تمام نشدني كه امروز از فرهنگ اسلامي

در اختيار ماست، در اين مصاف امكانات خيلي فراواني در اختيار ما مي گذارد؛ اگر ما اهل استفاده از اينها باشيم حقيقتاً يك زرادخانه عظيم فكري و فرهنگي در اختيار ماست؛ اگر بتوانيم از آن درست استفاده كنيم.

امروز از دوره فعاليت مرحوم شهيد مطهري- يعني سالهاي دهه ٤٠و ٥٠- نياز ما بمراتب بيشتر است. آن روز نياز ما يك طور بود، امروز نياز ما بسيار وسيع تر و عميق تر است و لازم است اين جريان ادامه پيدا كند. گردهمايي و بزرگداشت شهيد مطهري را به اين سمت ها بكشانيد كه كساني تشويق بشوند وارد اين ميدانها شوند و براي مواجهه با امواج تبليغاتي جديد وارداتي در همه زمينه ها آماده شوند؛ در زمينه فلسفه، در زمينه كلام، در زمينه مسائل گوناگون كشور كه با مباحث اسلامي سروكار دارد.

كتاب هاي استاد در حوزه
اميدواريم خداي متعال همه ما را موفق بدارد تا حق عظيم اين شهيد بزرگوار را بجا بياوريم. من يك وقت ديگر هم شايد به عزيزان خانواده مكرم ايشان گفتم ترتيبي داده شود كه كتابهاي ايشان مثل كتابهاي سطح در حوزه ها علميه، حتماً خوانده شود. بنده از چيزهايي كه براي صاحبان فكر و كساني كه مي خواهند افكار اسلامي را براي مردم بيان كنند- مبلغان ديني، اهل منبر، سخنگويان ديني- واقعاً لازم مي دانم، اين است كه يك دوره كتابهاي مرحوم مطهري را بخوانند. شيوه اي پيدا كنيد كه اين كتابها خوانده شود؛ هم در كتابهاي درسي بيايد، هم در دانشگاه ها بيايد.

خوشبختانه كتابهاي ايشان سهل التناول است؛ يعني نگارش خيلي شيرين و خوبي دارد. قلم ايشان از بيانشان خيلي بهتر بود. ايشان مي گفتند من از شنيدن سخنرانيهاي خودم اصلا خوشم نمي آيد؛ اما نوشته هاي خودم را كه مي خوانم، خوشم



معنی
که اگ
اخلاص
تحت

HARI

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

توکل

توکل و اعتماد به خدا این است
ر انسان در راه حق بکوشد و
س داشته باشد، خداوند او را
حمایت خود قرار می‌دهد.

مرتضی مطهری

یادداشتهای استاد مطهری
ج ۲ / ص ۲۶۲

OSTAD_MOTAHARI SHAHIDMOTAH
کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

مي آيد. بنده هم البته در اين زمينه، حق را به ايشان مي دادم؛ نوشته هاي ايشان حقيقتاً خيلي شيرين، روان و شيواست؛ لذا هر چه بيشتر اينها بايد گسترش پيدا كند. علما و فضلا و جوانها- بخصوص طلاب جوان ما- بايد يك دوره كتابهاي شهيد مطهري(ره) را خوانده باشند؛ كه اگر مي خواهند كاري بكنند، «من بني فوق بناء السلفي» باشد؛ يعني بر اساس آن فكر و روي شانه هاي شهيد مطهري بروند ان شاءالله قله هاي بالاتري را فتح كنند و پرچم فكر اسلامي را به آن جاها بزنند.
بيانات مقام معظم رهبري، ۱۸اسفند ۱۳۸۲

استاد مطهري ضرورت هاي زمان را درك مي كرد

اشاره:
مردان بزرگ و دوران ساز تاريخ، آنان كه با حضور در برهه اي از زمان، بر انديشه ها و ديدگاههاي نسل معاصر خود و نيز بر نسلهاي آينده تأثير گذاشته اند و جهان بيني و شناخت آنها را دگرگون ساخته و مناظر تازه اي را در برابر آنان گشوده اند، كساني بوده اند كه در يك، يا چند بعد از ابعاد وجودي خويش، برتري و امتياز چشمگيري نسبت به همگنان داشته و به واسطه شدت نور و پرتوي كه در آن ابعاد از خود ساطع ساخته اند، جلوه و فروغ ديگران را بي مقدار نموده و نورشان را بي اثر و شخصيت شان را در محاق قرار داده اند.

سرسلسله اين گروه از انسانها و مايه افتخار همه ايشان، پيامبرانند و ديگران در اين سلسله تا آنجا كه به آنان نزديك شده اند، از سايرين اوج بيشتري گرفته و نمود چشمگيرتري يافته اند. استاد شهيد آية ا... مطهري(قدس سره)، در زمره آن گروه از برگزيدگان جامعه بشري است كه با تأسي به پيامبران و امامان و علما و بزرگان دين، نه فقط در يك جنبه، كه در ابعاد گوناگون وجودي، رشد و بالندگي داشته است. او استاد و معلمي مبرز، محققي توانا و موشكاف، متكلمي بصير و غيرتمند، فيلسوفي

عميق انديش و صاحب رأي و مصلحي پرشور و روشن بين بود. از اين رو، شناخت چنين شخصيتي، جز با نگاهي ولو گذرا به فراز و نشيبهاي حيات او، ميسر نيست.

در اين مجال اندك سعي شده تا در گفتگو با محقق گرانقدر شيعه، آية ا... جعفر سبحاني، شمه اي از اين حديث مفصل، بازگو شود.
استاد، در آغاز لطفاً از آشنايي با شهيد آية ا... مطهري بگوييد و از علت و اسبابي كه به اين آشنايي منجر شد...

بنده در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علميه قم شدم و در آن زمان سطوح عاليه، يعني مكاسب و رسائل را مطالعه مي كردم. در آن زمان حضرت امام(ره)، درس خارجي را براي چند نفر شروع كرده بودند كه مهمترين آنها آية ا...مطهري بود، من چون به حضرت امام(ره) از قبل علاقه داشتم و از طريق كتاب «كشف الاسرار» با افكار ايشان آشنا شده بودم، خيلي كنجكاو بودم كه شاگردان ايشان را هم بشناسم و در آن زمان اطلاع يافتم كه آقاي مطهري به درس حضرت امام مي روند و شاگرد ممتاز ايشان هستند. اولين بار ايشان را از اين طريق شناختم و بعد شناسايي ما به دوستي تبديل شد.

هنگامي كه مرحوم علامه طباطبايي(ره) در سال ۱۳۳۱ درسي را با عنوان «اصول فلسفه» شروع كرد، و به تطبيق فلسفه اسلامي با فلسفه هاي غربي و فلسفه ماركسيسم پرداختند، در جلسه اي كه تشكيل دادند، يكي از اعضاي آن، مرحوم شهيد مطهري بود و در آن جلسه نيز كه ما مدتها شركت مي كرديم، آن جا دوستي ما بيشتر شد و همديگر را بهتر شناختيم؛ يعني بنده ايشان را بهتر و بيشتر شناختم. بعدها كه به پاي درس حضرت امام(ره) مي رفتيم، از آن جا كه ايشان هم قبل از ما در جلسات درس امام شركت مي كردند، در اين جلسات و درسها هم با هم



چهل چراغ حکمت/دفتر ۳۷/صفحه ۴۷
شهید مرتضی مطهری

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



ن سنگ بنای جامعه
ی مهمی در آموزش
مور اجتماعی دارد.

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

بوديم. البته ايشان شاگرد برجسته حضرت امام(ره) بودند و ما در رديفهاي بعدي قرار داشتيم. در جلسات شبهاي پنج شنبه و جمعه كه علامه طباطبايي برقرار مي كرد، رفت و آمد زيادي داشتيم تا وقتي كه شهيد مطهري قم را براي تدريس در تهران ترك كردند، دوستي ما هم البته كم و بيش برقرار بود و با هم رفت و آمد داشتيم. گاهي به منزل ايشان مي رفتيم و گاهي هم ايشان به قم تشريف مي آوردند و تبادل فكري و فرهنگي داشتيم. مثلاً ايشان پيشنهاد مي كرد كه فلان موضوع را شما بنويسيد و گاهي لطفها و مرحمتهاي ديگري به ما داشتند.

دوستي ما همچنان برقرار بود و با پيروزي انقلاب اسلامي، ابعاد بيشتري به خود گرفت. البته از آغاز نهضت امام(ره) در سال ۱۳۴۲ و قبل از آن، رفت و آمد شهيد مطهري به قم زياد شده بود و ما هم به تهران رفت و آمد داشتيم. در همين دوران بود كه مرحوم علامه طباطبايي به من فرمودند كه كتاب «اصول فلسفه» ايشان را به عربي ترجمه كنم و من علاوه بر ترجمه اين كتاب، پاورقي هاي آن را كه آقاي مطهري نوشته بودند هم به عربي برگرداندم كه تا حدي مورد قبول آنان واقع شده بود. خلاصه دوستي ما در اواخر خيلي مستحكم تر بود و بيشتر جنبه هاي علمي را با هم مطرح مي كرديم.

موفقيت استاد مطهري را در طي كردن سطوح مختلف علمي در حوزه علميه قم به چه صورتي مي ديديد و اساساً شيوه ها و روش علمي ايشان در دروس و طي مدارج تحصيلي چگونه بود؟

به نظر من، ايشان از دو نظر فوق العاده موفق بودند. اولاً استعداد شايسته اي داشتند، هم از حيث فهم و هم مسأله را به خوبي درك مي كردند و هم بعد از درك، مي توانست آن مسأله را تجزيه و تحليل كند، كه ما به آن تصرف مي گوييم. اغلب اين سه خصلت تواماً در افراد جمع نمي شود. گروهي و يا

اکثراً حافظه خوبي ندارند و يا حافظه دارند، ولي فهم درستي از موضوعات ندارند و يا هر دو را دارند، ولي تصرف ندارند. اندکي از مردم هستند که هر سه خصلت را داشته باشند؛ يعني هم حافظه خوبي دارند و هم مي فهمند و بعد از فهميدن تحليل مي کنند. مرحوم استاد مطهري اين سه کمال را از نظر استعداد در خودجمع کرده بود. اين يك موضوع و دوم آنکه ايشان بيشتر فکر مي کرد و کمتر حرف مي زد.

ايشان که به درس حضرت امام(ره) تشريف مي آوردند و ما هم مي رفتيم، فقط هفته اي يك بار در درس حضرت امام(ره) حرف مي زدند، اما همان يك مرتبه اي که سخن مي گفتند، مطلب خودشان را ثابت مي کردند و ما حس مي کرديم که ايشان سعي دارد حضرت امام(ره) را قانع نمايد که اين اشکال من، اشکال به حقي است و يا دست کم در حدي هست که مطرح شود و براي آن جوابي داده شود. البته ديگران هم بودند که خيلي صحبت مي کردند، ولي ايشان کمتر حرف مي زد و بيشتر فکر مي کرد. و اين دو نکته مثبت در رويه هاي علمي مرحوم مطهري، بيشتر از همه به چشم مي خورد.
البته يك موفقيت ديگر ايشان هم اين بود که وقتي به تهران تشريف بردند، در اوضاع تهران گم نشدند. خيلي ها از حوزه قم مي رفتند تهران و اغلب آنها هنگامي که مي رفتند، حوزه را فراموش مي کردند و در حقيقت در آن وضع خاص تهران و زندگي در آن هضم مي شدند و جنبه هاي علمي براي آنها در درجه دوم اهميت بود. ولي ايشان که رفتند، از اين لحاظ هيچ فرقي با زماني که در قم بودند، نکردند؛ يعني همان علم و دانش و مطالعه برايشان در درجه اول بود و مسايل ديگر در درجه دوم اهميت قرار داشت، که وضع زندگي شان عوض نشد و رشته کار علمي شان قطع نگرديد و هيچ فرقي با زمان زندگي در حوزه نکردند. از اين لحاظ هم ايشان موفقيت خوبي در قسمتهاي علمي داشت.

شهید مطهری:

انقلاب اسلامی ایران تنها علیه استبداد سیاسی یا استعمار سیاسی یا اقتصادی نبود، بازگشت به هویت اسلامی و خود واقعی و روح جمعی این مردم بود یعنی قرآن .

آینده انقلاب اسلامی ایران /ص۲۴۷

گنجینه مطهری ـ تقدیم به ناصر گاوه



با توجه به مدت زمان طولاني كه شما با شهيد مطهري ارتباط و آشنايي داشته ايد، نقش استاد را در صحنه مبارزات عقيدتي، با افكار و جريانهاي انحرافي و التقاطي، چگونه يافتيد؟

بايد اذعان كرد كه ايشان حقيقتاً مردي منظم و كاملاً مستقيم بود، واقعاً در مسايل اسلامي خوب فكر مي كرد و خالق متعال ذوق سليمي به ايشان داده بود، كه از استقامت برخوردار بود.

آن شهيد، اكثريت مسلمانان را از بيان خود، چه در مسايل عقيدتي، چه در مسايل اصولي و چه در مباحث فقهي، راضي مي كرد. ايشان به خاطر استقامتي كه داشت، وقتي كتابها را مطالعه مي كرد، از روش كتاب وجمله بنديهاي آن و الفاظي كه كتاب به كار برده بود و نتايجي كه مي خواست بگيرد، خيلي سريع تشخيص مي داد كه اين آقا يا اسلام را نفهميده و يا مغرضانه اين كتاب را نوشته است و در حقيقت اولين بار، مطهري بود كه كلمه «التقاط» را در ميان حوزه و جاهاي ديگر مطرح مي كرد و مثلاً مي گفت كه فلان شخص التقاطي فكر مي كند.

ازويژگيهاي ارزنده استاد مطهري اين بود كه ايشان تا حد زيادي نسبت به مكتبهاي موجود اطلاع داشت و آنها را مي شناخت. از مكتب ماديگري شناخت كافي داشت، از مباني مكتب اسلام اطلاع داشت و مسيحيت را هم خوب مي شناخت. اين خصيصه استاد موجب مي شد كه ايشان، كساني را كه مي خواستند به طور معجوني فكر كنند و بنويسند، شناسايي كرده و اعلام كند كه چگونه بعضي ها تلاش دارند چيزي را درست كنند و تحويل مردم دهند كه در آن هم اسلام باشد، هم مسيحيت باشد، هم ماديگري و هم سوسياليزم. اطلاعات وسيع مرحوم مطهري سبب مي شد كه ايشان بفهمد كدام فكر و يا كدام كتاب التقاطي و كدام يك اصيل است.

به نظر شما، نقشي كه شهيد مطهري در پي ريزي بنيانهاي فكري انقلاب اسلامي داشتند، چه بود؟

واقع امر اين است، از آن روزي كه حضرت امام(ره) در نيمه مهر ماه سال ۱۳۴۱، اين انقلاب را شروع و پي ريزي كردند، ايشان با حضرت امام(ره) همكاري داشت. من خودم گاهي نامه هايي كه ايشان مي فرستاد، نامه هاي خصوصي كه از همان روز اول مي فرستاد، در ايام همه پرسي و غير آن، و يا نامه هايي را كه براي بعضي از ما ارسال مي كرد، اغلب مي ديدم. همه آنها نشان مي داد كه ايشان چه همكاريهايي را در كنار حضرت امام دارند. البته ايشان شاگرد امام بودند و از آن بزرگوار بهره هاي فراواني برده بودند. ولي آنچنان نبود كه امام(ره) روي افكار ايشان حساب نكنند، مطهري، انسان خوش فكر و بسيار خوش برخوردي بود. ارتباط ايشان و نامه هايي كه به شكل متقابل با امام(ره) رد و بدل مي كردند، حتي در زماني كه امام(ره) به تركيه و از تركيه به نجف تشريف برده بودند، هرگز قطع نشد.

او توسط كساني كه مسافر بودند، گاهي نامه مي فرستاد و يا پيام مي داد و ارتباط را حفظ مي كرد و در مقابل، نامه ها و پيغامهايي را در خصوص وضعيت نهضت از امام(ره) دريافت مي كرد. ايشان نقش مفيد و مؤثري در به اصطلاح پختن انقلاب و پي ريزي بنيانهاي فكري آن داشت.

به عنوان شخصيتي كه از نزديك با استاد شهيد مراوده داشته ايد، مايليم اندكي از فضايل اخلاقي ايشان را براي ما تبيين كنيد.

مطهري مرد خدا بود، يعني اگر تشخيص مي داد، مسأله اي حق است، محال بود كه آن را اظهار نكند و يا از آن دفاع ننمايد. اگر هم در مجلسي شخصي حضور مي داشت كه خيلي كوچكتر از ايشان بود، چنانچه تشخيص مي داد كه حرف او حق است،

آدمی که غیبت می کند و از غیبت
آزار رساندن‌ها درست مثل غذا خو
روح می‌شـود؛ منتها فرقش این
می‌برد و از طرف دیگر جذب می ک
نمی‌برد، مرتب جذب می کند.
انسان چقدر باید بدبخت و بیچار
از بردن آبروی مردم، از شکستن
و تغذیه کند!

استاد مطهری، آشنایی با قرآن، ج۱۴، ص

کردنِ خودش لذت می‌برد، همین
وردن که جذب بدن می‌شود جذب
است که بدن از یک طرف تحلیل
ند ولی روح، دیگر چیزی را تحلیل

ه باشد که از آزار رساندن به مردم،
حیثیت و شخصیت مردم لذت ببرد



۲-۸

از او دفاع مي كرد و او را مي پذيرفت. ارزش ترويج حق براي او از همه چيز بيشتر بود. نكته ديگر از فضايل اخلاقي ايشان، اين است كه شهيد مطهري، فرد جامعي بود. در صفات متقين داريم: «رهبان بالليل و اسد في النهار» (شبها راهبند و روزها شير بيشه كار و تلاشند).

ايشان وقتي در مجامع و مجالس علمي بود، به صورت يك عالم، فيلسوف و يا فقيه بحث مي كرد. وقتي مجلس علمي تمام مي شد و محفل، محفل انس بود، هم مانند يك انسان واقعي و با همه كساني كه چه به لحاظ سني و چه از جنبه هاي علمي، از او كمتر بودند، صميمانه مأنوس مي شد و جلسه مي گرفت و صحبت مي كرد. يعني انساني بود كه مي توانست خودش را تطبيق دهد، در عين حال كه عالم و متفكر بود، در مقام تفكر مي توانست يك جور باشد و در مقام انس و جلسات ديگر هم به شكل ديگر باشد.

در موقع نويسندگي، نويسنده خوبي بود. در تحليل، تحليلهاي زيبايي داشت، در فلسفه متفكر بود، در مسايل سياسي صاحب نظر بود و در عين حال، يك عارف كامل بود كه واقعاً اگر بخواهيم بعد از حضرت امام خميني(ره) و علامه طباطبايي(رضوان ا...) افرادي را معرفي كنيم كه به خوبي دنباله رو حقيقي آنها و از دست پروردگان آنها باشند، يقيناً استاد شهيد مطهري يكي از آنها بود.

يكي از روشهايي كه استاد در زندگي اجتماعي- سياسي خود داشتند، برخورد متناسب با مقتضيات زمان بوده است. شما اين مشي را در روش زندگي آن بزرگوار، چگونه ارزيابي مي كنيد؟

البته مقصود از مقتضيات زمان، اين است كه با حفظ اصول، لباسها عوض شود. مراد از مقتضيات اين نيست كه زمان،

اصـول را عـوض كنـد، اصـول هيـچ وقـت عـوض نخواهنـد شـد، ولـي لباسـها عـوض مـي شـوند. بيانها تغييـر مـي كننـد. مثلاً وقتـي ايشـان دسـت بـه قلـم گرفـت و كتـاب نوشـت، نيازها را احسـاس كـرد و طبـق نيازهـاي جامعـه، كتـاب نوشـت. بعضي هـا مي نويسـند براي اينكـه معلومـات خودشـان را بعـد از خودشـان بـه يـادگار بگذارنـد، ايـن هـم البتـه بسـيار كار خوبـي اسـت، ولـي ايشـان هـر چـه نوشـته اسـت، بـا يـك نيـاز روبرو بـوده و همـان نيـاز را از طريـق نوشـتن كتـاب برطـرف كـرده اسـت. ايشـان ضرورت زمـان را درك مـي كـرد و مطابـق ضرورتهـا گام برمـي داشـت.

تعبـيري كـه امـام صـادق(ع) دربـاره مـردان بزرگ دارنـد، ايـن اسـت كـه: «مـردان بزرگ، هيـچ وقـت غافلگيـر نمـي شـوند، كسـي كـه آگاه بـه زمـان باشـد، در حـوادث دچـار اشـتباه و خطـا نخواهـد شـد.» او دردهـا را شـناخته بـود و دنبـال درمـان دردهـا بـود. همـيـن كتابـي كـه ايشـان دربـاره خانـواده نوشـته انـد و مدتـي هـم در يكـي از نشريـات چـاپ شـد، از نمونـه اينهاسـت. مخالفـان، مقالـه مـي نوشـتند، ايشـان هـم مقالـه مـي نوشـت و هـر دو در كنـار هـم بودنـد و هـر كسـي كـه چنـد شـماره از ايـن مقـالات را مطالعـه مـي كـرد، درمـي يافـت كـه مرحـوم مطـهري از نظـر نويسـندگي و معلومـات، چـه تفاوتهايـي بـا نويسـنده مخالـف دارد.

از ميـان مجموعـه علـوم اسلامـي كـه در حـوزه علميـه متـداول اسـت، گرايـش اسـتاد مطـهري، و ميـل باطنـي و درونـي ايشـان بـه سـمت كـدام يـك از ايـن علـوم بيشـتر بـود؟

ايشـان انسـان متفـكري بـود. بـه مسـايلي كـه تفكـر در آنهـا عنصـر بـارزي اسـت، گرايـش بيشـتري داشـت و لـذا در بحثهـاي كلامـي و فلسـفي، بيـش از علـوم ديگـر مـي توانسـت خـود را نشـان بدهـد و كتـاب بنويسـد. حتـي در ميـان فقـه و اصول، به اصول بيشـتر گرايش داشـت تـا فقـه، زيـرا اصـول جنبـه تفكـرش بيـش از فقـه اسـت، لـذا

به موضوعاتي كه جنبه تفكري داشت و نيازبه استدلال و برهان در آنها بيشتر بود، گرايش بيشتري از خود نشان مي دادند.

با توجه به تأكيداتي كه حضرت امام(ره) نسبت به زنده نگه داشتن آثار شهيد مطهري داشتند، براي تحقق هر چه بهتر و بيشتر اين امر، و به منظور حفظ آثار استاد و ادامه خط و راه فكري ايشان، چه پيشنهادي داريد؟

كتابهايي كه مرحوم مطهري به يادگار گذارده اند، انصافاً همه آنها به تعبير حضرت امام(ره)، بدون استثنا كتابهاي خوبي است، ولي در اين ميان، سه كتاب ايشان اهميت بيشتري دارد. يكي «عدل الهي» است، كه واقعاً يك كتاب ابتكاري است، و در مقام برهان و قانع كردن طرف مقابل، يك معجزه به شمار مي رود و از اعجاز علمي برخوردار است. ديگري كتاب «حقوق زن» است كه كتاب بسيار خوبي است و ايشان تحليل هاي بسيار خوبي در آن كتاب ارايه داده اند و سومي هم پاورقي هايي است كه بر كتاب «اصول فلسفه» نگاشته اند.

اگر بشود كتابهاي ايشان به زبانهاي زنده دنيا عرضه شود، اين بيشتر اهميت دارد. البته تعدادي از كتابهاي ايشان ترجمه شده است، برخي را سازمان تبليغات ترجمه كرده است، ولي كتابهاي بزرگ و قطور ايشان به زبانهاي ديگر ترجمه نشده است. كتاب «عدل الهي» ترجمه شده است و خوب است. اصول فلسفه را كه ايشان پاورقي زده اند، اگر افراد مسلط و فلسفه دان ترجمه كنند، ارزشمند است.

منبع:روزنامه قدس



در اسلام عبادت (منحصر) نیست به عبادات بدنـی مانند نماز و روزه یا عبادات مالی مانند خمس و زکات ؛ نوعی دیگر از عبادت هم هسـت و آن عبادت فکری اسـت . (تفکر یا عبادت فکری) اگر در مسـیر (تنبّه و بیداری) انسان قرار گیرد از سـالها عبادت بدنی برتر و بالاتر است .

مجموعه آثار شـهید مطهری ، جلد ۲ ص ۶۶

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

جملات قصار شهید مطهری

استاد مطهری: آیا کسی باور می کند که در دنیای عرب که دخترها را زنده به گور می کردند، پیغمبر دست دخترش را می بوسد، زهرا را می بوید و می گوید من بوی بهشت از این دختر می شنوم؟!
آشنایی با قرآن، جلد یازدهم، صفحه ۱۴۴

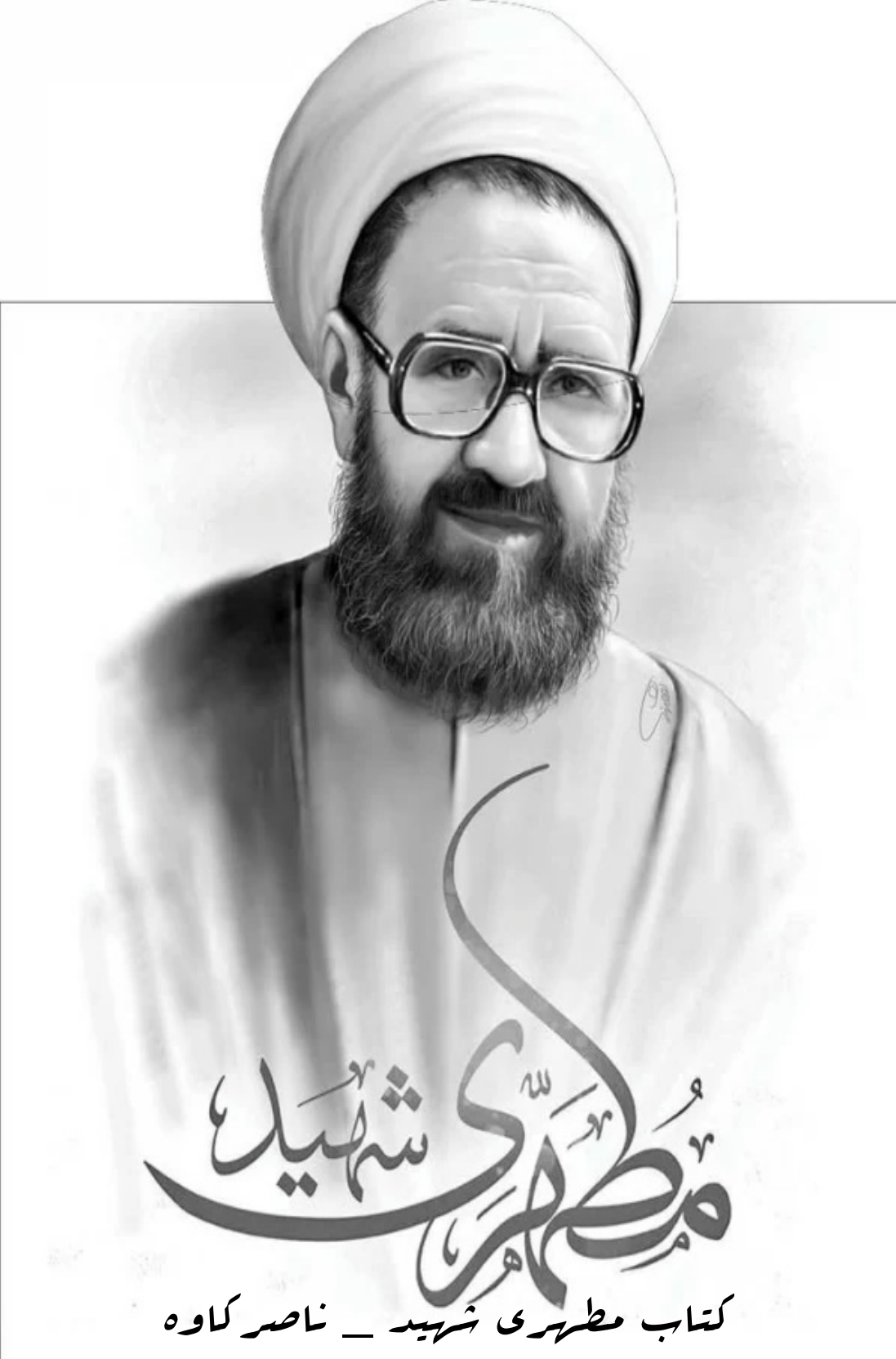
شهید مرتضی مطهری: قرآن در نهاد هر انسانی، ولو فرعون باشد، یک انسان واقعی سراغ دارد و لذا پیغمبران خدا وقتی به مبارزه با فرعون می آیند، اول سعی می کنند که آن انسان درونی اش را علیه او برانگیزند.
آشنایی با قرآن جلد دوم، صفحه ۱۳۰

استاد مرتضی مطهری: امام صادق (ع) فرمود: شما شیعیان زیور ما باشید، مایه ننگ و عار ما نباشید؛ یعنی طوری باشید که در میان سایر مسلمانان نمونه هایی از تقوا و پاکی و درستی باشید.
آشنایی با قرآن جلد دوم، صفحه ۱۲۹

سخنان شهید مطهری
شهید مرتضی مطهری: اگر شخصی را دیدید که در همه رشته ها گواهینامه تحصیلی دارد، در عین حال سخنی را بدون دلیل قبول یا انکار می کند، بدانید عالم واقعی نیست.
امدادهای غیبی در زندگی بشر، صفحه ۵۷

آیت الله مطهری: یک حقیقت جاودانی این است که زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد.
مسئله حجاب، صفحه ۱۷۷

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه


کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

استاد مرتضی مطهری: از سخنان حضرت امام حسن مجتبی (ع) است که می فرماید: عجب است از کسانی که درباره مأکولات و خوردنیهای خود فکر می کنند اما درباره معقولات و یادگرفتنی های خود هیچ گونه زحمت اندیشه ای به خود راه نمی دهند.
حکمتها و اندرزها جلد اول، صفحه ۲۱۳

جملات قصار اجتماعی شهید مطهری
استاد شهید مطهری: این که می گویند حکومت علی (ع) عالیترین مظهر دموکراسی بوده روی این جهت است که با آنکه قدرتهای مادی و معنوی را در اختیار دارد، به مردم پر و بال می دهد و آنها را بر انتقاد و اعتراض تشجیع می کند.
حکمتها و اندرزها جلد اول، صفحه ۱۱۰

استاد مطهری: هدف علی (ع) مبارزه با روش معاویه ها بود. علی (ع) شکست نخورد، پیروز شد. خودش کشته شد ولی هدفش را نگهداری کرد و زنده نمود.
آشنایی با قرآن جلد سوم، صفحه ۱۵٦

استاد مرتضی مطهری: قرآن هیچ وقت انسان را مادامی که زنده است و می تواند عملی انجام دهد مأیوس نمی کند و می گوید در توبه همیشه به روی بنده باز است. اما توبه، گفتن لفظ "استغفرالله" نیست. توبه یعنی بازگشت.
آشنایی با قرآن جلد سوم، صفحه ٥٤

استاد شهید مطهری: همیشه منافقان بی دین، مقدسان احمق را علیه مصالح اسلامی بر می انگیزند؛ اینها شمشیری می گردند در دست آنها و تیری در کمان آنها.
جاذبه و دافعه علی علیه السلام، صفحه ۱۳۷

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

استاد مرتضی مطهری: آنچه که قرآن در تعلیماتش مدنظر دارد پرورش انسانهایی است که هم از سلاح علم و عقل بهره‌مندند و هم از اسلحه دل و قلب؛ انسانهایی که نمونه های زنده و مجسمش امامان ما و شاگردان شایسته و راستین آنها هستند.
آشنایی با قرآن جلد اول، صفحه ۷۶

سخنان ناب شهید مطهری
استاد مطهری: ببینید این اختلافات داخلی که میان مسلمانها هست چه بر سر مسلمین آورده؟ خدا می داند به آن اندازه که نیروی ما صرف خدمت به اسلام و مبارزه با دشمن اسلام می خواهد بشود، چند برابر این نیرو صرف خراب کردن خودمان می شود.
آشنایی با قرآن جلد سوم، صفحه ۹۴

استاد مطهری: اگر تمام این دنیا و مُلک زمین و آسمان را به بشر بدهند به آرامش نمی رسد، فقط با خداست که انسان به آرامش می رسد.
آشنایی با قرآن جلد هشتم، صفحه ۶۲

شهید مرتضی مطهری: پیغمبر اکرم (ص) وقتی که قومی را به جنگ می فرستاد، می فرمود: درختی را قطع نکنید، پیرمردی را نکشید، آب را به روی مردم نبندید و امثال این کارها. اینها اصل تعلیمات اسلامی است.
آشنایی با قرآن جلد ششم، صفحه ۱۵۵

استاد مرتضی مطهری: سعادت ملتها به داشتن استحکامات و معدنها و ساختمانها نیست، فقط به داشتن انسانهای ساخته شده است.
آشنایی با قرآن جلد هفتم، صفحه ۵۳

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه


کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه



کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه

استاد مطهری: یکی از بدبختیهای دنیای امروز تحقیر کردن اصول عفاف و تقوای در امور است.
آشنایی با قرآن جلد چهارم، صفحه ۱۳

استاد شهید مطهری: وفای به پیمان، دستور قرآن است؛ می فرماید: ای پیغمبر! اگر با مشرک هم پیمان بستی باید به پیمان خودت وفادار باشی و تا آنها پیمان را نقض نکرده اند تو نباید پیمان را نقض کنی.
آشنایی با قرآن جلد سوم، صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹

شهید مرتضی مطهری: علی علیه السلام در زمان خلافت عملا آزادی می داد، متخلفین از بیعت و همچنین طاغیان خوارج را تا وقتی که عملا دست به کار نشده بودند مزاحم نمی شد، حتی سهم بیت المال آنها را قطع نکرد.
یادداشتهای استاد مطهری جلد اول، صفحه ۵۹

استاد مطهری: هیچ منافاتی نیست که ما علی (ع) را دوست داشته باشیم اما عمل ما طوری باشد که علی ما را دشمن داشته باشد.

آشنایی با قرآن جلد ۳، صفحه ۱۲۹
جملات قصار ناب
استاد شهید مطهری: اگر ظلم و اجحاف در نتیجه تفاوتها و پست و بلندیها و ناهمواریها در جامعه ای پیدا شد، آن جامعه باقی نمی ماند، هر چند مردمش به حسب عقیده مسلمان باشند.
بیست گفتار، صفحه ۹۴

استاد مرتضی مطهری: امتحان الهی برای کسی که نام و نشان دارد این است که تکبر نکند و خودش را بالاتر و برتر از دیگران نداند.آشنایی با قرآن جلد ۱۳، صفحه ۷۸

استاد مطهری: اسلام توزیع عادلانه ثروت را آنچنان لازم می شمارد که مولا امیرالمؤمنین فلسفه پذیرش خلافت را احقاق حق ضعفا و فقرا می داند و این دلیل بر این است که اسلام طرفدار فلسفه فقر نیست.
یادداشتهای استاد مطهری جلد ۷، صفحه ۴۳

شهید مرتضی مِطهری: پیغمبر اکرم فرمود: مَثل رسالت و بعثت و دعوت من مثل باران است. باران بر همه زمینها علی السویه می ریزد ولی زمینها خودشان اختلاف دارند.
آشنایی با قرآن جلد ۳، صفحه ۲۵۳

آیت الله مطهری: اگر ایمان ما ایمان واقعی باشد و اگر عمل ما عمل اسلامی باشد و اگر جامعه ما جامعه مسلمان باشد، مشمول انواعی از عنایتهای الهی خواهیم بود و موفقیتها خواهیم داشت.
آشنایی با قرآن جلد ۳، صفحه ۲۵

استاد مطهری: تقوا گرد و غبار تعصب را پاک می کند، کینه توزی را فرو می نشاند؛ در نتیجه عقل، آزاد فکر می کند.

آشنایی با قرآن جلد ۳، صفحه ۱۸

استاد مرتضی مطهری: در اسلام بر خلاف جهان مسیحیت، آزادی تفکر حتی در مسائل اعتقادی از قبیل توحید، نبوت، معاد و آزادی تفکر در فلسفه احکام اسلامی وجود دارد.
یادداشتهای استاد مطهری جلد ۱، صفحه ۱۰۸

استاد مطهری: هدف اسلام این است که فقر ریشه کن شود، نه اینکه فقر باشد و اغنیا فقرا را سیر کنند.
یادداشتهای استاد مطهری جلد ۹، صفحه ۳۹۱



کلام شهید شاهچراغی در توصیف شهید آیةالله مطهری رضوان‌الله علیهما:

سخن از شخصیت ذوابعادی که صادقانه راهی را در پیش می‌گیرد و به غایةالقصوی آن نائل می‌شود و لحظه‌لحظه‌ی حیاتش، حکایت‌گرِ هدف‌داری و جهت‌مندیِ عاشقانه‌ی اوست، آسان نیست.

مقاله «جاذبه و دافعه‌ی شهید مطهری»

کتابخانه مطهری شهید _ ناصر کاوه

کتاب مطہری شہید _ ناصر کاوہ



اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار دادند، یک معنای نمادین و پرمغز و پرمضمونی دارد؛ چون حقاً و انصافاً مرحوم شهید مطهری یک انسان بزرگ و برجسته بود.

۱۳۹۰/۰۲/۱۴

کتاب مطهری شهید _ ناصر کاوه